

آشنایی با امام زمان علیه السلام

﴿۱۰﴾

حضرت مهدی علیه السلام

فروع تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی

www.ashahard.com

﴿ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ﴾ **حضرت مهدی**

﴿ **فروع تابان ولایت** ﴾

نوشته: محمد محمدی اشتهاردی

﴿ شناسنامه کتاب ﴾

نام کتاب: ﴿ حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت ﴾

مؤلف: محمد محمدی اشتهاردی

ناشر: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

حروفچینی و صفحه آرایی: واحد کامپیوتر مسجد مقدّس جمکران

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۷۶

نوبت چاپ: اوّل

چاپ: اعتماد

تیراژ: ۵۰۰۰

مرکز پخش: انتشارات مسجد مقدّس جمکران

۱ - فروشگاه شماره (۱): مسجد مقدّس جمکران ☎ ۰۲۵۲۵ - ۳۳۴۰

۲ - فروشگاه شماره (۲): قم، خیابان آیت الله نجفی مرعشی (ارم)، جنب پاساژ

☎ ۷۴۳۵۹۴

قدس پلاک ۳۲۵.

قیمت: ۶۹۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار و آمادگی!

امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«لَيَعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا ...»

هر یک از شما برای قیام قائم (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ الْفَرَجَ)

- هر چند با تهیه کردن یک تیر - باید آماده گردد.»

[غیبت نعمانی، ص ۱۷۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۶۶]

﴿ يا صاحب الضمصام ﴾

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَ لَيْلًا وَ حَافِظًا
وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا
طَوِيلًا.

«فهرست مطالب»

۱۱ به عنوان مقدمه:
۱۴ پیشگفتار:
۱۴ امام قائم (عج) امید انسانها

فصل اول

۲۱ پدر، مادر و ولادت حضرت مهدی (عج)
۲۵ سخنی درباره نیمه شعبان
۲۸ نام و کنیه امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۹ جعفر کذاب، عموی امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۲ مسافران قمی و جعفر کذاب
۳۳ دستور دستگیری امام زمان <small>علیه السلام</small>
۳۵ مشخصات امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۰ شوکت و قدرت فوق العاده امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۲ شمائل حضرت مهدی (عج)

فصل دوم

۴۵ غیبت صغری و غیبت کبری
۴۶ چگونگی غیبت صغری، و نواب چهارگانه
۴۸ شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه
۵۱ توضیح چند اشکال
۵۲ پاسخ این ایرادات به طور فشرده
۵۷ سؤال: آیا قیام قبل از ظهور مهدی (عج) روا است؟
۵۷ پاسخ سؤال فوق

فصل سوم

- پاسخ به بیست و هفت سؤال ۵۹
- ۱ - آیا عقیده به ظهور و مصلح جهانی، عمومی است؟ ۵۹
- ۲ - فایده غیبت طولانی چیست؟ ۶۰
- ۳ - لقب «قائم» و «مهدی»، چرا؟ ۶۴
- ۴ - اقامتگاه حضرت مهدی (عج) کجاست؟ ۶۶
- ۵ - قرآن و مسأله حکومت جهانی ۷۳
- ۶ - یاران مهدی (عج) بیشتر در کجا هستند؟ ۷۷
- ۷ - زندگی شخصی امام مهدی (عج) چگونه است؟ ۷۹
- ۸ - طول عمر امام قائم (عج) را چگونه حل می‌کنید؟ ۸۲
- ۹ - آرامش با جنگ نمی‌سازد؟ ۸۵
- ۱۰ - نشانه‌های ظهور امام مهدی (عج) چیست؟ ۸۸
- ۱۱ - خروج سید حسنی، و یمانی؟ ۱۰۰
- ۱۲ - سفیانی و دجال کیستند؟ ۱۰۲
- ۱۳ - نشانه‌های خود حضرت چیست؟ ۱۰۶
- ۱۴ - آیا این پیش‌بینی قابل اجرا است؟ ۱۰۹
- ۱۵ - آیا امام مهدی (عج) بر قرار کننده اسلام است؟ ۱۱۱
- ۱۶ - ادعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست؟ ۱۱۵
- ۱۷ - امام مهدی (عج) در برابر قدرتهای تخریبی ۱۱۶
- ۱۸ - رجعت چیست؟ ۱۱۷
- ۱۹ - شخص پنجساله، چگونه امام مردم می‌شود؟ ۱۲۰
- ۲۰ - چرا این همه سخن، از مهدی (عج) ۱۲۱
- ۲۱ - تکذیب ملاقات با امام زمان، چرا؟ ۱۲۳
- ۲۲ - قسط و عدل چیست؟ ۱۲۴

۱۲۹	۲۳ - آیا قیام امام مهدی (عج) مسلحانه است؟
۱۳۰	۲۴ - منظور از کشته شدن شیطان به دست حضرت مهدی (عج)؟
۱۳۲	۲۵ - حکومت قائم (عج) و پیشرفت علم؟
۱۳۵	۲۶ - حکومت مهدی (عج) و تشریفات؟
۱۳۷	۲۷ - آیا تلفظ به نام مقدّس حضرت قائم جایز است؟
۱۵۴	نظر عالم بزرگ : شیخ حرّ عاملی <small>رحمته الله</small>
۱۵۵	ایرادی بر کلام علامه مجلسی
۱۵۶	نتیجه بحثها

فصل چهارم

۱۶۳	انتظار یا زمینه سازی
۱۶۶	پاسخ به یک سؤال
۱۶۷	حوامل مهم زمینه سازی:
۱۶۸	۱ - جاذبه قرآن و حقانیت اسلام
۱۶۹	۲ - علم و اندیشه و به کار انداختن آن
۱۷۱	۳ - استقامت و پایداری و شجاعت
۱۷۲	۴ - زهد و رعایت اخلاق و حقوق
۱۷۴	۵ - ایمان و توکل به خدا
۱۷۵	۶ - تعاون و همکاری
۱۷۶	۷ - برخوردها و روشهای منطقی با یکدیگر
۱۷۸	۸ - توجه به طبقه مستضعف
۱۷۹	۹ - اتحاد و انسجام مسلمانان
۱۸۰	۱۰ - رهبر شایسته
۱۸۳	۱۱ - لزوم برنامه ریزی:

۱۸۵ عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور:
۱۸۵ ۱ - هدفداری
۱۸۶ ۲ - توجه به جهانی بودن ظهور
۱۸۷ ۳ - جهش و انقلاب
۱۸۹ ۴ - پیشرفت عمیق و استوار
۱۹۳ ۵ - اخلاص
۱۹۴ ۶ - تخصص و تعهد
۱۹۶ ۷ - مانع شناسی
۱۹۷ ۸ - هشیاری و هوشمندی
۱۹۹ ۹ - دور نمایی از امکانات عظیم دنیای اسلام
۱۹۹ الف : از جهت نیروی انسانی و اتحاد
۲۰۲ ب : امکانات جغرافیایی دنیای اسلام
۲۰۲ ج : امکانات اقتصادی دنیای اسلام

فصل پنجم

۲۰۵ ویژگیهای یاران مهدی (عج)
۲۰۵ مقدمه:
۲۰۷ ویژگیهای یاران آن حضرت، در قرآن
۲۱۱ پیشگویی پیامبر ﷺ از یاران اسلام در ایران
۲۱۴ تحلیل سخنی از امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۲۱۵ حرکت انقلابی، نه گام به گام
۲۲۱ تجزیه و تحلیل در باره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان <small>علیه السلام</small> و یاران دیگر
۲۲۱ تواتر حدیث ۳۱۳ نفر
۲۲۲ ۱ - امام زمان در انتظار آنها به سر می برند

- ۲۲۳ ۲ - آنها: از اطراف جهان، جمع می‌شوند
- ۲۲۳ ۳ - آنها: نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند
- ۲۲۴ ۴ - آنها: جانبازان سلحشورند
- ۲۲۴ ۵ - آنها: پرچمداران و حاکمان روی زمینند
- ۲۲۶ ۶ - آنها: امت معدوده، و همانند پاره‌های ابرهای متراکم هستند
- ۲۲۷ ۷ - آنها: رکنها و پایه‌های استوار هستند
- ۲۲۸ ۸ - چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر
- ۲۳۰ ۹ - دست خدا بالای سر امام مهدی (عج) و یاران
- ۲۳۲ ۱۰ - نقش زنان، در انقلاب مهدی (عج)
- ۲۳۵ نتیجه بحث و بررسی
- ۲۳۷ اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و احاجم
- ۲۴۲ امدادهای غیبی به کمک انقلابیون

فصل ششم

- ۲۴۵ دیدار کنندگان امام مهدی (عج) در فیت کبری
- ۲۴۵ ۱ - امام زمان علیه السلام به صابونی اجازه دیدار نداد
- ۲۴۹ ۲ - علامه حلی در خدمت امام زمان علیه السلام
- ۲۵۴ ۳ - فریاد رسی امام زمان علیه السلام در بحرین
- ۲۶۵ ۴ - شفای بیمار
- ۲۶۶ ۵ - تشرف یکی از فرزندان حضرت آیت‌الله العظمی اراکی (مدظله)
- ۲۶۷ ۶ - راهنمایی حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران
- ۲۶۹ ۷ - نتیجه تواضع به مسجد جمکران، پایگاه مقدس امام زمان علیه السلام
- ۲۷۰ ۸ - محبت امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمته الله
- ۲۷۳ گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید رحمته الله
- ۲۷۵ برگ سبزی از نگارنده (شعر)

فصل هفتم

- ۲۷۷ حکومت درخشان امام مهدی (عج)
- ۲۷۸ ۱ - توحید سراسری در همه زمینها
- ۲۸۱ ۲ - پیشرفت عجیب علوم
- ۲۸۲ ۳ - پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات
- ۲۸۳ ۴ - برادری و صفا و صمیمیت
- ۲۸۴ ۵ - امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت
- ۲۸۷ ۶ - توجه کامل به اماکن مقدسه، و توسعه شهرها و بهداشت دولت کریمه
- ۲۹۲ دولت کریمه
- ۲۹۳ توجه حضرت مهدی (عج) به مکه، کوفه و قم
- ۲۹۴ ۱ - مکه، مرکز اولین جرگه‌های انقلاب جهانی مهدی (عج)
- ۳۰۳ ۲ - کوفه، مقر حکومت حضرت مهدی (عج)
- ۳۰۹ ۳ - قم، آشیانه اهل بیت علیهم السلام و مرکز نشر اسلام

فصل هشتم

- ۳۱۷ خود سازی و پاکسازی در عصر فیت مهدی (عج)
- ۳۱۹ خود سازی و پاکسازی
- ۳۲۲ نشانه‌های عالی انتظار
- ۳۲۳ رعایت حقوق برادران
- ۳۲۸ مبارزه و جهاد یاد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۳۳۱ ایستادگی در سختیها و آزمایشها
- ۳۳۳ معرفت امام (عج) و پیروی از آن حضرت
- ۳۳۵ مسأله رهبری
- ۳۴۰ توجه به شناخت قرآن و اجرای آن
- ۳۴۳ زنان باید احساس مسؤلیت کنند
- ۳۴۶ توجه به جمعه و جماعات

به عنوان مقدمه :



﴿ یا صاحب الزمان ادرکنا ﴾

سخن گفتن درباره حضرت مهدی (عج)، به نفس کشیدن می ماند که گرچه مکرر است، اما برای ادامه حیات، ضروری است.

درباره زندگانی و غیبت و ظهور امام زمان علیه السلام، کتابهای بسیاری نوشته شده که مشتمل بر هزاران مجلد است، با اینهمه ناگفته های فراوانی باقی مانده است که بیان و تبیین آنها، تحقیقاتی گسترده تر و تألیفاتی افزون تر می طلبد.

علاوه بر اینها، تبلیغاتی اساسی و پیگیر بایسته است تا مردم که به حق، در دوران انقلاب شکوهمند اسلامی، با اطاعت بی چون و چرا از رهبری معظم آن، شیفتگی خود را به مقام برتر ولایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام نشان داده اند، بیش از پیش با آن بزرگوار آشنا شوند، و با دقت در ویژگی ها، و بهره گیری از فرمایشات حضرتش، سیره و سنت او را بیشتر بشناسند.

به راستی از میان هزاران پرسشی که درباره ولادت شکفت انگیز، و امامت زود هنگام، و علت و کیفیت غیبت صغری و کبری، و

چگونگی بهره‌وری مردم در دوران غیبت، و طول عمر، و نحوه زندگی، و کیفیت ارتباط با مردم، و محل سکونت، و داشتن خانواده، و امکان دیدار، و معنای انتظار، و عوامل تأخیر و تعجیل فرج، و مقدمات ظهور، و ویژگی و تعداد یاران، و چگونگی تسلط بر سراسر گیتی، و نحوه حکومت آن حضرت مطرح است، توده مردم و حتی جوانان و تحصیل کردگان جامعه به چند پرسش، جوابی قانع کننده دارند؟

چند نفرند آنها که بر اساس شوقی خود جوش، و احساس نیازی درونی، در میان انبوه کتابهای موجود، به جستجوی گمشده خویش بر آمده و به مقصد رسیده باشند؟

و آیا آنچه در دست است جوابگوی اینهمه احتیاج و اشتیاق هست؟!

واحد تحقیقات مسجد مقدّس جمکران، به عنوان یکی از دهها مؤسسه و نهادی که در راستای وظیفه مقدّس شناسایی وجود شریف امام زمان علیه السلام و بارور کردن روحیه انتظار در جامعه فعالیت می‌کنند، متعهد است که هر قدمی در این راه را ارج نهد و از هر محقق و مؤلف و هنرمندی که در این زمینه فعالیت می‌کند، با تمامی امکانات استقبال نماید، باشد که بدین وسیله سهمی اگر چه اندک در تحصیل رضای آن حضرت و تهیه مقدمات قیام جهانی آن بزرگوار داشته باشد.

کتاب حاضر با عنوان «حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت» از مؤلف صاحب نام و محقق گرامی، حجة الاسلام والمسلمین محمدی اشتیاردی در ادای همین تعهد، در دسترس علاقمندان اهل بیت علیهم السلام و منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) قرار می‌گیرد امید است که مقبول درگاه خداوند واقع شود.

واحد تحقیقات

مسجد مقدس جمکران - قم

تابستان ۱۳۷۶

پیشگفتار:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

﴿ امام قائم (عجل الله تعالى فرجه) امید انسانها ﴾

هدایت و رهبری مردم از راههای گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسانها بوده، و با به وجود آمدن انسانها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا حدی که در این راه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم علیه السلام و آخرین آنها پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود. (۱)

اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچیک در زمان حیات خود به نتیجه نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفق به تشکیل حکومت جهانی نشدند (با توجه به اینکه اصلاح کامل در سایه حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت)،

امید همه این بود، این راه ادامه یابد، و در همه مردم و همه جهان زمینه بوجود آید و حکومت جهانی قائم علیه السلام برقرار گردد، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومت درخشان پر از صفا و صمیمیت است، نایل گردند.

و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام هیچیک با آنهمه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند، و همواره و کراراً فرمودند: «اگر در دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم علیه السلام برقرار شود.»^(۱)

و آن مهدی موعود علیه السلام است که به این امر مهم جامعه عمل می پوشاند و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی رحمته الله علیه : «من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان (قائم «عج») بگذارم، بزرگتر از این است، نمی توانم بگویم که اوّل شخص است، برای اینکه دوّمی در کار نیست، ایشان را ما نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الاّ همین که «مهدی موعود» است، آنکسی که خدا او را ذخیره کرده است برای بشر.»^(۲)

جمله «بقیة الله» که از القاب معروف آن حضرت است حاکی از این است که خداوند او را ذخیره کرده، تا همه مظلومان و پیامبران

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۱ که حکومت دلخواه همه پیامبران است.

۲- سخنان امام در نیمه شعبان ۱۳۶۰ در حسینیه جماران.

و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند (درباره ویژگیهای این حکومت سراسر صفا در ظاهر و باطن، بعداً سخن خواهیم گفت).

در اینجا برای تکمیل مطلب فوق به سه روایت ذیل توجه کنید:

۱ - یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: به محضر مبارک حضرت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: «آیا شما صاحب ما هستید؟»

فرمودند: آیا من صاحب شما هستم؟!

سپس پوست بازوی خود را گرفت و کشید و فرمود: «من پیر مرد سالخورده‌ام، اما صاحب شما جوان است.»^(۱)

تعبیر «صاحب» در مورد امام قائم علیه السلام حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می‌کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند و برای بدست آوردن آن بکوشند.

۲ - دَعْبِل شاعر آزاده و متعهد عصر امام رضا علیه السلام به حضور آن حضرت رسید و شعرهای پر مغز و جاننداری در مدح اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خواند، حضرت رضا علیه السلام در پایان به او فرمود:

این دو شعر را نیز بر شعرهای خود بیفزای:

یکی از دو شعر این است:

«إِلَى الْحَشْرِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ قَائِمًا

يُفْرِجُ عَنَّا الْهَمَّ وَالْكَرْبَاتِ؛

این قبرها یا این غمها و نابسامانیها همچنان ادامه دارد تا

خداوند حضرت قائم علیه السلام را برانگیزد، تا او اندوه و نابسامانیها

را از ما رفع کند و ما را شاد نماید.»^(۱)

۳- امام صادق علیه السلام به یکی از یاران فرمود: «تفسیر آیه فَاَضْرِبْ

عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ (به آنچه مخالفان می‌گویند استقامت کن) این است که: ای

محمد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو

که او را بر خون ستمگران مسلط کنم، از آنها انتقام می‌گیرم.»^(۲)

با توجه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و

انجیل و ... آمده و از گفتار ائمه علیهم السلام و ... چنین به دست می‌آوریم که

امام قائم علیه السلام امید همه در همه تاریخ و همه جهان است، البته باید توجه

کرد که انسانها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و

تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف و نهی از منکر،

چنانکه خود امامان علیهم السلام بارها این مطلب را تذکر داده‌اند، و در

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۲۴۸ و عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۸- روایت دیگری نظیر این روایت در ص ۶۳ کتاب اثبات الهداة آمده

لابلای این کتاب به آن اشاره خواهد شد، وگرنه با دست روی دست گذاشتن کاری ساخته نیست.

این مقدمه را با ذکر حدیث شریف زیر پایان می‌برم:

به نقل امام صادق علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«قائم علیه السلام از فرزندان من، همنام و هم کیش من است و سپایش، سپای من و روشش روش من است، مردم را بر اطاعت از من، اسلام و خدا، بخواند و وادارد، و آنها را به کتاب خدا (قرآن) دعوت نماید. کسی که از فرمان او سرپیچی کند از من سرپیچی نموده است، و کسی که او را غیبت نماید و انکار کند مرا انکار کرده است، و کسی که او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است، و کسی که او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است، شکایت آنها را که در مورد او مرا تکذیب کنند، و سخن مرا در مورد او رد نمایند و امت مرا گمراه کنند، به سوی خدایم برم و به زودی ستمکاران بدانند که به کجا بازگشت می‌کنند.»^(۱)

خدا را شکر که خداوند بر این بنده عاصی منت گذاشت و توفیق عنایت نمود تا این بضاعت مختصر را به علاقه‌مندان تقدیم کنم امید آنکه خداوند توفیق آن را دهد که همه ما در صف یاران مخلص حضرت قائم علیه السلام باشیم. **إِلَهِي لَكَ الشُّكْرُ وَالْحَمْدُ.**

ای امید همه، در همه جهان و تاریخ، و ای منتقم مظلومان و خون‌جوشان و پاک امام حسین علیه السلام و ای ذخیره و بقیه و آخرین نشانه مردان بزرگ خدا، این کتاب، و این هدیه ناقابل را که همچون ران ملخی از مور در پیشگاه با عظمت حضرت سلیمان علیه السلام است از حقیر عاصی بپذیر.

این کتاب در هشت فصل تنظیم گردیده است.

قم - محمد محمدی اشتهاردی

تایستان ۱۳۷۶ ه . ش

﴿ پدر، مادر و ولادت امام زمان علیه السلام ﴾

پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم شیعیان است، بنقل شیخ مفید، امام عسکری علیه السلام در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرا به شهادت رسید.^(۱)

مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام «ملیکه» است که از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراتور روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام و وصی او بشمار می رفت.

او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد اما آنچنان پاک و با عفت بود که گویی شباهت به خانواده

خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگیش همچون زندگی شمعون و عیسی علیه السلام و مریم علیها السلام از صفا و معنویت و پاکی خاصی برخوردار بود، از اینرو دوست داشت با یک خانواده پاک و خداپرست وصلت کند و به توحیدیان پیوندد، خداوند او را در این هدف کمک کرد و او را بطور عجیب (که در داستان ماجرای اسارت او و خریداری از جانب امام هادی علیه السلام برای امام عسکری علیه السلام در تاریخ آمده است) به خواسته و هدفش رسانید.

ملیکه یا نرجس خاتون به خانه امام حسن عسکری علیه السلام وارد شد، امام هادی علیه السلام به خواهرش حکیمه فرمود: او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندان حسن علیه السلام و مادر مهدی آل محمد صلوات الله علیهم خواهد بود، آنگاه به نرجس رو کرده و فرمود: مژده باد ترا به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکومتش پر از عدالت و دادگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد. آری این چنین یک دختر پاک و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خط جد مادریش «شمعون» قرار گرفت و سرانجام به سعادت عظمای همسری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در آمد و لیاقت پرافتخار مادری حضرت قائم (عج) را پیدا کرد.

او نامهای دیگر مانند ریحانه، صقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی علیه السلام حکیمه او را به عنوان سیّده (خانم) می خواند.

این بانوی با سعادت در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامرا کنار قبر منور امام عسکری علیه السلام قرار گرفته است.^(۱)

امام قائم (عج) از همین خاندان پاک در شب جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در سامرا متولد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود.^(۲)

تولد آنحضرت را جز عده‌ای خاص نمی‌دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمه امام حسن عسکری علیه السلام گوید: روز پنجشنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم، هنگام مراجعت، امام عسکری علیه السلام فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند متولد می‌شود.

بالاخره ماندم صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون علیه السلام پدید آمد، او را در بر گرفتم، امام علیه السلام فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن سوره قدر شدم شنیدم آن کودک در رحم مادر در خواندن سوره با من همراهی می‌کند در این موقع

۱- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۲۵.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۷ - المجالس السنیه جلد ۵، صفحه ۶۷۸ - مرحوم شهید در کتاب دروس نیز

همین عقیده را دارد (اثبات الهداة جلد ۷، صفحه ۱۶۲).

پرده‌ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی‌دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم امام عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس علیه السلام نوری مشاهده کردم که دیده‌ام را خیره کرد و امام زمان علیه السلام را دیدم رو به قبله به سجده افتاده سپس دستش را بلند کرد و می‌گفت: گواهی می‌دهم به یکتائی خدا و اینکه جدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، و پدرم امیر مؤمنان علیه السلام، وصی رسول خدا است، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدر بردم، امام عسکری علیه السلام تا او را دید به دست گرفت و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زیور این آیه را تلاوت فرمود:

«و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ
وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ - وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ وَنُرى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
يَحْذَرُونَ؛

اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت
بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم،
حکومتشان را پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان
آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم.»^(۱)

۱- آیه ۵ و ۶ سوره قصص - شرح بیشتر این مطلب در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ آمده است ←

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین بوسیله امام قائم (عج) است.

سخنی درباره نیمه شعبان:

شیخ حرّعاملی رحمته الله از بزرگان اصحاب نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«شبی که حضرت قائم (عج) در آن متولد شد، هیچ نوزادی در آن شب متولد نمی‌شود مگر اینکه مؤمن خواهد شد، و اگر در سرزمین کفر متولد گردد، خداوند او را به برکت امام مهدی (عج) به سوی ایمان منتقل می‌سازد.»^(۱)

در نیمه شعبان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام و همچنین زیارت امام زمان علیه السلام مستحب است، امام صادق علیه السلام فرمود:

«شب نیمه شعبان بهترین شب بعد از شب قدر است و خواندن دو رکعت نماز در شب نیمه شعبان بعد از نماز عشاء مستحب است، در رکعت اول بعد از حمد، سوره کافرون و در رکعت دوم بعد از حمد سوره توحید خوانده شود.»^(۲)

→ اضافه شده که: امام قائم وقتی متولد شد، پاک بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود. «بِجَاءِ الْحَقِّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، حَقٌّ آمَدٌ وَ بَاطِلٌ نَابِوْدُ شَد، حَتْمًا بَاطِلٌ نَابِوْدُ شَدْنِیْ اَسْت.»

۱ - توضیح المقاصد شیخ بهائی، صفحه ۵۳۳.

۲ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۶۲.

غسل و شب زنده‌داری و عبادت در این شب بخصوص فضائل بسیار دارد، این شب در نزد خدا چنین مقامی دارد که ولادت با سعادت امام زمان علیه السلام در سحرگاه این شب واقع شده و بر عظمت و رونق آن افزوده است.

ضمناً روایاتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است، و در بعضی از این روایات است شب نیمه شعبان شب امامان علیهم السلام است و شب قدر شب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

از جمله فضائل این شب اینکه، از شبهای مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام است که صد هزار پیامبر (صلوٰة الله علیهم) آن حضرت را در این شب زیارت می‌کنند.

از نمازهای مستحبی که در این شب وارد شده دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد صدبار سوره توحید خوانده می‌شود.

نقل شده: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم در چنین شبی خوابیده‌ای؟ گفتم: این شب چه شبی است؟

فرمود: شب نیمه شعبان است برخیز، مرا بلند کرد و به بقیع برد، و سپس فرمود: سرت را بلند کن زیرا در این شبها درهای رحمت خدا در آسمان بروی بندگان باز است، همچنین در رضوان، در آمرزش، در فضل، در توبه، در نعمت، در جود و سخاوت، در احسان

باز است، خداوند به عدد پشمها و موهای چرندگان در این شب گنهکاران را آزاد می‌کند، پایان عمرها در این شب، تعیین می‌گردد، رزق‌های یکسال در این شب تقسیم می‌شود و حوادث یکسال در این شب معین می‌گردد.

ای محمد! کسی که این شب را با تکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و خضوع و استغفار بسر برد، بهشت منزل و سرای او است، و خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد... ای محمد صلی الله علیه و آله این شب را احیاء دار و به امت خود دستور بده آنها نیز این شب را احیاء بدارند، و با عمل به سوی خدا تقرب جویند، چرا که این شب شبی شریف است.

از اعمال این شب، خواندن دعای کمیل در سجده است روایت شده که کمیل گوید دیدم علی علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین علیه السلام در این شب بخصوص در صورت امکان در کنار قبرش، آمده هر که بشناسد امام حسین علیه السلام را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امت گردید و وسیله و راهگشائی برای رسیدن به فوز عظیم شد (خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجه و علاقه و معرفت خاص باشد) آنگونه خویشان را در برابر خدا خاضع نماید که شایستگی آن را دارا می‌باشد و نیز از

خدا خواسته‌های شرعی‌اش را تقاضا کند.^(۱)

نام و کنیه امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام هنگام تولد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می‌دیدند و مسائل خود را از ایشان می‌پرسیدند، هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت، سرانجام عواملی باعث شد که آنحضرت از نظرها غایب گردید و نخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری به وجود آمد (که در این مورد، بعد سخن خواهیم گفت).

بهرحال: چنانکه در روایات آمده، محل زندگی امام زمان علیه السلام در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد.^(۲) در اینجا برای اینکه دورنمایی از دوران خفقان آنزمان را دریابیم شایسته است به داستان زیر توجه فرمائید.

۱ - اقتباس از کتاب المراقبات، نوشته عالم ربانی و عارف صمدانی، مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی صفحه ۷۹ به بعد (دعاها و نمازهای دیگری نیز ذکر شده به این کتاب مراجعه شود).
 ۲ - بعضی از اصحاب خاص در زمان امام عسکری علیه السلام به خدمتش می‌رسیدند و مسائل خود را از آنحضرت می‌پرسیدند و جواب می‌گرفتند (در این باره به کتاب احتجاج طبرسی جلد ۲ صفحه ۲۶۸ به بعد مراجعه کنید).

جعفر کذاب عموی امام زمان علیه السلام

گاه می‌شود بر اثر عواملی، از حضرت نوح علیه السلام پسری ناخلف بنام کنعان و یا از حضرت آدم علیه السلام پسری متمرد بنام قابیل به وجود می‌آید.

حضرت امام هادی علیه السلام دارای ۵ فرزند بنامهای امام حسن علیه السلام، حسین، محمد، جعفر، و علیّه بود. در میان این فرزندان، جعفر، بسیار ناخلف بود که لقب کذاب (دروغگو) را گرفت، امام هادی علیه السلام درباره او فرمود: از فرزندانم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است، امام عسکری علیه السلام فرمود: مثل من و جعفر مانند هابیل و قابیل دو فرزند آدم علیه السلام است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می‌کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت.

جعفر از افرادی بود که ادّعای امامت داشت و پس از رحلت پدر می‌گفت امام مردم من هستم نه برادرم، امام عسکری علیه السلام، حتی پس از رحلت پدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار اشرفی برای تو می‌فرستم و از شما خواهش دارم که فرمان دهی تا بر مسند امامت بنشینم و این مقام از برادرم سلب گردد.

خلیفه در جواب گفت: عجب آدم احمق هستی اگر امامت در دست ما می‌بود آن را برای خود قرار می‌دادیم اگر امام شناسان

و شیعیان آنچه از برادرت و پدرت از معجزات و ... دیدند از تو ببینند تو را امام خود می‌دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گرنه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد.

کارشکنی‌های او در عصر امامت برادرش امام عسکری علیه السلام بجائی نرسید ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم.

امام عسکری علیه السلام برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی (عج) را از کارشکنی‌های جعفر، حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب بنام (ابوالادیان) را بحضور طلبید و به او فرمود:

«چند نامه هست اینها را به مدائن می‌بری و به فلان و فلان کس می‌رسانی و جواب نامه‌ها را می‌گیری، روز ۱۵ به سامراه می‌آئی، صدای گریه از خانه من خواهی شنید مطلع می‌شوی که من از دنیا رفته‌ام.»

ابوالادیان: فدایت شوم، معلوم است که سخن شما راست و درست است، و همین طور که می‌فرمائی خواهد شد ولی سؤالی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست؟

امام عسکری علیه السلام: «امام کسی است که جواب نامه‌ها را از تو مطالبه کند.»

ابوالادیان: علامت دیگر امام پس از شما چیست؟

امام عسکری علیه السلام: «امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند.»

ابوالادیان می‌گوید: علامت دیگر چیست؟

امام عسکری علیه السلام فرمود: «امام کسی است که از میان همیانهای

طلا خبر دهد.»

ابوالادیان می‌گوید: آیهت امام عسکری علیه السلام مرا گرفت، دیگر

نپرسیدم که منظور چه همیانی است، برخاستم خدا حافظی کردم نامه

را گرفتم بسوی مدائن رهسپار شدم، نامه‌ها را به صاحبانشان دادم و

جواب نامه‌ها را گرفتم و به سامره برگشتم همین که وارد خانه امام

حسن علیه السلام شدم صدای گریه شنیدم فهمیدم که امام عسکری علیه السلام دار

دنیا را وداع کرده است ولی دیدم گروهی دور جعفر کذاب را

گرفته‌اند و به او به عنوان امام تهنیت می‌گویند و بعضی به او تسلیت

می‌گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را غسل

داده‌اند، بفرمائید بر آن جنازه نماز بخوانید دیدم جعفر برخاست و

همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتم: عجباً! اگر

امام مردم، بی دین بشود، معلوم می‌شود که همواره دین از اول سست

بوده است، چون من جعفر کذاب را می‌شناختم که همواره با ساز و

آواز و شرابخواری سروکار داشت، من هم دنبال جعفر براه افتادم

تا بینم جریان به کجا منتهی می‌شود.

کنار جنازه امام عسکری علیه السلام رسیدیم جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش، گفتم دیگر کار از کار گذشت، ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عموا! پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم، جعفر مانند نقش بر دیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت.

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود به من رسید و فرمود: جواب نامه‌ها را به من بده، نامه‌ها را به او دادم، رفت به حجره، با خود گفتم حمد و سپاس خدا را که دو علامت از علامات که امام عسکری علیه السلام به من فرموده بود ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم این طفل که بود؟

گفت: من اصلاً چنین کودکی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم.

مسافران قمی و جعفر کذاب:

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری علیه السلام نائل شوند، مطلع شدند که حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امروز امام و حجّت خدا کیست؟

گروهی جعفر کذاب را نشان دادند، اهل قم نزد جعفر آمده و سلام

کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام علیه السلام است برای شما آورده‌ایم، دستور داد پولها را بگیرند.

گفتند: ما هر وقت خدمت امام عسکری علیه السلام می‌رسیدیم و پولی نقد می‌آوردیم نام صاحبان پول را حضرت می‌بردند و حدود مبلغ را از درهم و دینار می‌فرمود، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می‌باشید مبلغ و عدد و اسم صاحبان پول را بگوئید.

جعفر گفت: مردم از من علم غیب می‌خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت؟

اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان علیه السلام :

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی‌رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم امام عسکری علیه السلام پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند [امام عسکری علیه السلام برای حفظ فرزندش حضرت حجت (عج) از دشمنان، تولد او را به کسی نفرموده بود.] خلیفه، ضد مأمور به فرماندهی شخصی بنام «رشیق» به خانه امام عسکری علیه السلام فرستاد و به او دستور اکید داد که برو بخانه امام عسکری علیه السلام همه حجره‌ها را جستجو کن، بی آنکه اجازه بگیرد وارد خانه شو.

رشیق با مأمورین به خانه امام عسکری علیه السلام آمدند و همه حجره‌ها اگشتند تا به آن حجره که در آن، پرده سفید آویزان بود رسیدند، رده را بلند کردند دریائی آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجاده گذاشته و نماز می‌خواند، رشیق بیکی از مأمورانش دستور داد که رو، و آن کودک را بگیر. آن مأمور تا به سراغ کودک آمد در میان ب غرق شد.

رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را بات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش وی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی بده بودند. اصلاً نتوانستند کوچکترین آسیبی به کودک که حضرت نجات (عج) بود برسانند.

همین موقع بود که حضرت مهدی علیه السلام غایب شد و غیبت صغری ، وقوع پیوست. ^(۱)

۱- اقتباس از جامع التورین صفحه ۳۱۲ و بحار، ج ۵۱، ص ۲۳۲ به بعد در مورد غایب شدن آنحضرت در داب و جریان غرق دشمنان در کتاب مجالس السنیة جلد ۵ صفحه ۷۲۸ مطالبی آمده است.

﴿ مشخصات امام زمان علیه السلام ﴾

بهر حال امام زمان علیه السلام در زمان پدر که ۵ ساله بود (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰، سال شهادت پدر) نزد پدر بود، ولی در مخفیگاه بسر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابغ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هندوسند و اندلس و اروپا به سامراه سفر کرده و توسط امام عسکری علیه السلام با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده و مسائل خود را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده است. (چنانکه این مطلب در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار بطور مفصل آمده است.)

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته آشنا شوید به این حدیث توجه کنید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي أَرْبَعِينَ سَنَةً كَانَ وَجْهُهُ كَوَكْبٍ دُرِّي فِي خَدِّهِ الْأَيْمَنِ خَالٌ أَسْوَدٌ عَلَيْهِ عِبَائَتَانِ قَطْوَانِيَّتَانِ، كَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَفْتَحُ مَدَائِنَ الشُّرُكِ؛

مهدی (عج) از فرزندان من دارای چهل سال است (یعنی هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است) صورتش همچون ستاره

درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عباى
 قطوانى بردوش دارد، قیافه اش همانند مردان بنی اسرائیل
 (زمان حضرت موسی علیه السلام) است گنجها را استخراج کند،
 کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود در
 می آورد. (۱)

از خصوصیات امام قائم (عج) اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از
 نسل امام حسین علیه السلام است، از ناحیه مادر از نسل امام حسن علیه السلام است،
 از این رو که مادر امام باقر علیه السلام از فرزندان امام حسن علیه السلام است. (۲)
 از ویژگیهای او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان
 آمده و پشت سر او نماز بجا می آورد. (۳)
 و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم (که رجعت امامان به وجود
 می آید) پس از آنکه حضرت قائم (عج) از دنیا رحلت کرد، امام
 حسین علیه السلام بدن او را غسل می دهد. (۴)
 و دیگر اینکه امام عصر (عج) شبیه یوسف علیه السلام و عیسی علیه السلام
 و موسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم است. (۵)

۱ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۸۵ - المجالس السنیة، جلد ۵ صفحه ۷۰۲ - ۷۰۳.

۲ - اثبات الهداة - جلد ۷، صفحه ۱۸۴.

۳ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۸۴.

۴ - بحار جلد ۵۴، صفحه ۳۴۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۵ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۰۲ (مسائل رجعت در کتاب بحار جلد ۵۳ صفحه ۳۹ تا ۱۴۴ آمده

این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگترین چهره انقلابی تاریخ، حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

بهر حال مردم باید در هر زمان، امام زمان علیه السلام خود را بشناسند و هر زمانی دارای امام است (و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده) در زمان ائمه علیهم السلام یاران امامان در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمد بن عثمان^(۱) گوید: از پدرم شنیدم گفت: از امام عسکری علیه السلام این سؤال شد و من در حضورش بودم، سؤال این بود:

«این مطلب که از پدران شما نقل شده: هیچگاه زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند و اگر کسی بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است^(۲) آیا حق است؟»

امام حسن علیه السلام فرمود:

آری این مطلب حق است همچنانکه روز حق است، شخصی

پرسید: بعد از شما امام مردم کیست؟

فرمود: پسر من محمد، امام و حجّت بعد از من است کسی که

بمیرد و او را نشناسد بمرگ زمان جاهلیت مرده است،

۱ - دومین نائب خاص امام زمان علیه السلام .

۲ - مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

ولی برای او غیبتی هست که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند، سپس ظهور می‌کنند گویا می‌بینم طوقهای سفیدی را که بر بالای سر او در نجف و کوفه در حرکت است.^(۱) و در پرچم ارتش آنحضرت نوشته شده:

«الْبَيْعَةُ لِلَّهِ؛ بَيْعَتُ مَخْصُوصِ خِداست.»^(۲)

از ویژگیهای آن بزرگوار اینکه: پیامبر ﷺ فرمود:

«مهدی طاووس اهل بهشت است.»

و در عبارت دیگر فرمود:

«چهره مهدی (عج) از فرزندانم همچون ماه تابان است، رنگ

چهره‌اش عربی است و بدنش همانند جسم مردان بنی اسرائیل

(بلندقد) است، زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده، پر

از عدل و داد می‌کند، اهل آسمانها و زمین و پرندگان در هوا از

حکومتش راضی هستند، بیست سال حکومت می‌کنند.»^(۳)

روزی پیامبر ﷺ به دختر گرامیش فاطمه علیها السلام رو کرد و

به این شخصیتها افتخار کرده و فرمود:

۱ - کشف الغتّه جلد ۳، صفحه ۴۵۱.

۲ - المجالس السنیه سید محسن جبل عاملی جلد ۵.

۳ - المجالس السنیه سید محسن جبل عاملی جلد ۵.

«بهترین پیامبران پدرت است، و از ما است بهترین اوصیاء که شوهرت علی علیه السلام است و از ما است بهترین شهدا که عموی من حمزه است، از ماست آنکس که دو پر دارد و با آن دو پر در بهشت هر جا بخواهد پرواز در می آید، و او پسر عموی پدرت جعفر است، از ماست دو سبط این امت، دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و این دو فرزندان تو هستند و از ما است مهدی (عج) و او از فرزندان تو است.»^(۱)

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

«قائم ما دارای نشانه‌هایی از شش پیامبر است:

- ۱ - نشانه‌ای از نوح علیه السلام.
- ۲ - نشانه‌ای از ابراهیم علیه السلام.
- ۳ - نشانه‌ای از عیسی علیه السلام.
- ۴ - نشانه‌ای از موسی علیه السلام.
- ۵ - نشانه‌ای از ایوب علیه السلام.
- ۶ - نشانه‌ای از محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

اما نشانه‌اش از نوح علیه السلام طول عمر است، اما نشانه‌اش از ابراهیم علیه السلام مخفی بودن محل ولادتش است، اما نشانه‌اش از

موسی علیه السلام ترس از دشمن و غیبت است (که موسی علیه السلام از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود) اما نشانه‌اش از عیسی علیه السلام اختلاف رأی مردم درباره‌اش، و اعتزال او از مردم است، اما نشانه‌اش از ایوب علیه السلام گشایش و پیروزی پس از بلیّات و گرفتاری است، اما نشانه‌اش از محمد صلی الله علیه و آله و سلم قیام به شمشیر است.^(۱)

و در بعضی روایات، نشانه‌ای از حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر شده و آن زندان است^(۲) (شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است).

از ویژگیهای امام قائم (عج) اینک: امام حسین علیه السلام فرمود:

«او از نظرها پنهان است تا کسی او را به بیعت خود نخواند، و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود.»^(۳)

❁ شوکت و قدرت فوق العاده امام علیه السلام ❁

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«قائم علیه السلام کسی است که هرگاه خروج کند، در سن پیری است اما سیمای جوان دارد، و آنچنان قدرت جسمی دارد که اگر

۱- اعلام الوری، ص ۴۰۲.

۲- اعلام الوری، ص ۴۰۳.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۲۷۹.

دستش را به بزرگترین درخت روی زمین بیاندازد، می تواند آن را از ریشه برکند، و اگر در میان کوهها صدایش را بلند کند سنگهای کوهها قطعه قطعه گردند، عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام همراه اوست.»^(۱)

از ویژگیهای حضرت قائم (عج) اینکه: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی با آنها فرمان داده است:

۱ - علی بن ابیطالب علیه السلام ۲ - حسن علیه السلام ۳ - حسین علیه السلام ۴ - مهدی (عج) که پشت سر مهدی (عج) حضرت عیسی علیه السلام نماز می خواند.»^(۲)

و در روایت دیگر فرمود: «ما خاندان عبدالمطلب سادات و بزرگان بهشت هستیم، من و برادرم علی علیه السلام و عمویم حمزه علیه السلام و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیه السلام.»^(۳)

۱ - کشف الغته، ج ۳، ص ۴۲۵ - اعلام الوری، ص ۴۰۷.

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۲.

۳ - کشف الغته، ج ۳، ص ۳۷۶ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۹۰ - ۲۰۸.

﴿ شمائل حضرت مهدی علیه السلام ﴾پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مهدی از ما خاندان است، بلند پیشانی و بر آمده بینی است

(که وسط بینی اش برآمدگی دارد).^(۱)و نقل شده: روزی حضرت علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و

فرمود:

این پسرم آقا است چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله او را آقا خواند، و

بزودی خداوند در صلب او مردی ظاهر سازد که همنام

پیامبر صلی الله علیه و آله شماست، و در صورت و سیرت شبیهپیامبر صلی الله علیه و آله است، وقتی که مردم در غفلت بسر می‌برند و حق

زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته، خروج

می‌نماید، سوگند به خدا اگر خروج و قیام نکنند، گردنش را

می‌زنند، اهل آسمان و ساکنان آن از خروجش شاد می‌شوند،

بلند پیشانی و برآمده بینی، سطر شکم، لاغرران و در ران

راستش، خالی هست، گشاده دندان می‌باشد، زمین را همچون

که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.»^(۲)

۱- اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۸۵.

۲- اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۲۳۸.

از خصائص امام مهدی (عج) اینکه: حکومتش سراسر جهان را می‌گیرد، در این مورد مفسر معروف اهل تسنن قرطبی روایت می‌کند که جمیع کسانی که جهانگیر شدند چهار نفرند که دو نفرشان کافر بودند، یعنی نمرود و بخت النصر و دو نفرشان مؤمن بودند یعنی: ذوالقرنین و سلیمان بن داود علیه السلام و بزودی از امت اسلام پنجمین نفر حاکم سراسر زمین می‌شود و او مهدی (عج) است.^(۱)

جابر جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

«روزی عمر بن خطاب از امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد

حضرت مهدی علیه السلام توضیح خواست.

علی علیه السلام فرمود: اَمَّا نَامِش، حَبِيبِمْ رَسُولِ خَدَا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَا مَن

عهد کرده که نامش را نبرم تا خداوند او را مبعوث کند، اَمَّا

سِمَائِش، او جوان نه بلند قد و نه کوتاه قد، خوش صورت

است، مویش زیبا است، و از سرش به شانه‌اش ریخته، نور

صورتش سیاهی موی سر و صورتش را تحت الشعاع قرار داده

است.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مهدی (عج) خروج نمی‌کند مگر در سالهای طاق مانند ۱ -

۳ - ۵ - ۷ - ۹.»^(۲)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۳۸.

۲ - توضیح المقاصد شیخ بهائی، ص ۵۱۰ - ۵۰۶.

﴿ غیبت صغری و غیبت کبری ﴾

دوران زندگی امام زمان علیه السلام را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱ - دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰).

۲ - دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹).

۳ - دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می‌شود تا

وقتی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آنحضرت دو

غیبت خواهد بود، یکی کوتاه، دوّمی طولانی در غیبت صغری

(کوتاه) خواص شیعه و نُوَاب خاص آن حضرت با او تماس

داشته‌اند، ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامتگاه او بی‌خبرند

جز دوستان مورد اعتماد که متصدی خدمتگذاری از اقامتگاه او می‌باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هرگاه عمر یکی از آنها بسر آمد یکی دیگر بجای او تعیین می‌شود.^(۱)

و به گفته صاحب مستدرک، مرحوم نوری رحمته الله اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان علیه السلام عمر طولانی داشته باشند در هر قرنی ۳۰ نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادتمند، به سعادت خدمتگذاری و مصاحبت آن حضرت نائل می‌شوند.^(۲)

به هر حال این افراد همان اوتادند که در محضر آن حضرت به سر می‌برند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می‌پردازیم.

﴿ چگونگی غیبت صغری و نواب چهارگانه ﴾

وضع زمان و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت، یاد می‌شود تا وقتی که مردم آماده شدند و شرایط ظهور مهیا گردید ادامه دارد.

ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

۲- جنة المأوی، بحار طبع جدید، ج ۵۲، ص ۳۲۰.

خود نمی‌گذارد، بلکه افرادی مخصوص را بین خود و مردم واسطه قرار می‌دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

بر همین اساس پس از آنکه امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰ هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و غیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی به ترتیب زیر از جانب آنحضرت تعیین شده و واسطه بین آنحضرت و مردم شدند:

- ۱ - عثمان بن سعید رضی الله عنه که در سال ۳۰۰ هجری وفات کرد.
 - ۲ - محمد بن عثمان رضی الله عنه که ۵ سال عهده‌دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت.
 - ۳ - حسین بن روح رضی الله عنه که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.
 - ۴ - علی بن محمد سیمری رضی الله عنه که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت، و امام به او دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند.
- از این وقت به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد (دستور و توقیع امام عج) به چهارمین نائیش در کتاب اعلام الوری صفحه ۴۱۷ و ... آمده است).

غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد تا هنگام

ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد. ^(۱)

اینک باید پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟
پاسخ آنکه: خوشبختانه امام قائم (عج) در این مورد نیز راهنمایی فرموده و پیروانش را سرگردان نگذاشته است، در این مورد مردم را به اطاعت از ولیّ فقیه فرا خوانده است اینجا است که مسئله معروف «ولایت فقیه» پیش می‌آید و درباره آن اکنون اندکی توضیح می‌دهیم.

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه:

ولایت یعنی رهبری و حکومت، فقیه یعنی کسی که دارای شرایط استنباط احکام از ادلّه اسلامی باشد، به علاوه عادل و پرهیزکار نیز باشد.

بنابر این ولیّ فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عام امام زمان علیه السلام را دارد، چنین فردی می‌تواند به جانشینی از امام زمان علیه السلام زمام امور مردم را بدست گیرد، البته عقل و حتی آیات و روایات هم بیانگر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدّم دارند.

۱- به این ترتیب غیبت صغری در حدود ۷۰ سال بوده است و بعضی این مدت را ۷۴ سال دانسته‌اند.

یعنی از سال ۲۵۵ (سال تولد امام عصر (عج)) تا سال ۳۲۹ (کشف الغمّة، ج ۳، ص ۴۵۴) شرح این مطلب در بحارالأنوار، ج ۵۱ ص ۳۴۴ به بعد آمده است.

درباره اصل ولایت فقیه دلائل فراوان داریم از جمله در روایت آمده است که رسول خدا ﷺ سه بار فرمود:

«خدایا جانشینان مرا مورد رحمت قرار ده، شخصی پرسید جانشینان شما کیانند؟»

فرمود: آنانکه پس از من می آیند، گفتار و سنت (روش و سیره) مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند.»

اسحاق بن یعقوب رضی الله عنه گوید از عثمان بن سعید رضی الله عنه اولین نائب خاص امام زمان علیه السلام خواستم نامه ای به امام عصر (عج) برساند.

و در ضمن نامه پرسیدم در زمان غیبت به چه کسی مراجعه کنیم؟ امام (عج) با خط خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:

«... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ أَحَادِيثِنَا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛

... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا هستم بر شما».^(۱)

البته دلائل ولایت فقیه بسیار زیاد است در این باره به کتاب شریف ولایت فقیه امام خمینی رضی الله عنه مراجعه کنید.

در احتجاج طبرسی آمده: امام عسکری علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:

«فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ
مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ، وَ
ذَلِكَ لِأَيْكُونُ إِلَّا بَعْضَ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعَهُمْ؛

هر کدام از فقهاء که نگهدارنده نفس خود از انحرافات و
صبر انقلابی دارند و حافظ دین خود و مخالف هوی و هوس
خود و مطیع فرمان خدایش باشد، بر عوام است که از وی
تقلید کنند و چنین صفاتی را بعضی از فقهای شیعه دارند، نه
همه آنها.»^(۱)

با توجه به واژه «تقلید» که به معنی پیروی است، می‌فهمیم که
امور مردم در زمان غیبت به فقهاء ربّانی سپرده شده و آنها ولایت بر
مردم دارند.

این حدیث، شرایط یک فقیه را که می‌تواند جانشین امام زمان علیه السلام
باشد بیان می‌کند.

از آنجا که توضیح این روایت خود کتاب مفصلی می‌خواهد بطور
خلاصه باید حکومتش بر مردم همانند حکومت امام علی علیه السلام باشد،
آنجا که برادرش عقیل، که از گرسنگی رنگ بچه‌های او پریده شده و
مطالبه کمک اضافی از بیت المال می‌کند، آهن سرخ گداخته در
دستش می‌گذارد.^(۲)

۱- احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۳، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

و آنجا که با خبر می‌شود خلخال یک زن یهودی به دست دشمن از پایش در آمده سخت عصبانی می‌شود.^(۱)

و آنجا که می‌بیند کارگزارانش به بیت المال تجاوز کرده‌اند و بنفع خویشاوندان برداشت کرده‌اند هر چند پسر عموی آنحضرت باشد نامه‌ای آتشین می‌نویسد و به او اعتراض می‌کند و از کار برکنارش می‌سازد و می‌نویسد: «این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام هم نمی‌پذیرم.»^(۲)

و آنجا که می‌بیند فرماندارش به میهمانی پولداری رفته فریادش به اعتراض بلند می‌گردد.^(۳)

نامه‌های آنحضرت، (که در نهج البلاغه آمده) به استناداران و بخشداران و فرماندارانش گویای این گونه حقائق است که نائب برحق امام زمان علیه السلام رعایت می‌کند.

بنابراین ولایت فقیه همان دنیالیه امامت است. یعنی مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان علیه السلام امور رهبری امت را بدست می‌گیرد.

توضیح چند اشکال:

آنانکه از اسلام دل خوشی نداشتند و ندارند، و آنها که حسن نیت

۱ - نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۲ - نهج البلاغه، نامه ۴۱.

۳ - نهج البلاغه، نامه ۴۵.

دارند ولی شناخت ندارند، شروع به ایراد تراشی به این مسئله - که دنباله مسأله امامت است - کرده‌اند. بیشتر این ایرادات بی‌اساس، از آنان است که از اسلام می‌ترسند، یعنی با تشکیل حکومت اسلامی، منافع خود را در خطر می‌بینند.

وقتی که این ایرادات را بررسی می‌کنیم می‌بینیم برگشت همه آنها به این چهار ایراد است:

۱ - ولایت فقیه یک نوع حکومت روحانیت و انحصار طلبی است.

۲ - ولایت فقیه موجب استبداد و دیکتاتوری است.

۳ - ولایت فقیه با حاکمیت ملی سازگار نیست.

۴ - ولایت فقیه موجب تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری می‌شود.

پاسخ این ایرادات بطور فشرده:

در مورد اشکال اول:

اولاً ما مدعی نیستیم که «ولی فقیه» کلیه امور را باید در دست داشته باشد و لذا در قانون اساسی مصوب امام و امت بخصوص در اصل ۱۱۰ اختیارات ولی فقیه را بطور فشرده بیان داشته است.

ما نمی‌گوئیم ولیّ فقیه کلیّه زمام امور قانون گذاری و قدرت اجرایی را بدست می‌گیرد، تا گفته شود این یکنوع حکومت روحانیت و انحصار طلبی است بلکه ضمن آنکه می‌بایست کلیّه مناصب برای مشروع بودنش با اجازه یک حاکم شرع مطلق باشد، ولایت فقیه از هرگونه انحراف فکری و مکتبی و انحراف در مسیر اجراء و پیاده نمودن احکام جلوگیری می‌نماید.

با توجه به اینکه در هر کاری باید به متخصص مراجعه کرد و با توجه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی‌شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم، ما باید پیرو حق باشیم هر چند این حق از جانب روحانیت باشد. به اضافه اینکه باید به شرایط ولایت فقیه که در چه کسی هست توجه کرد نه به لباس او.

در مورد اشکال دوم:

«ولیّ فقیه» خودش غیر از اسلام، نظری ندارد، تا او را به استبداد رأی متهم کنیم، صفت آگاه «تخصّص» و عادل (درستکار) حاکی است که او در حفظ اسلام قدم بر می‌دارد، بنابراین اگر از این خط منحرف شد، خودبخود از این مقام برکنار خواهد شد (با توجه به اینکه ملت مسلمان خواهان اجرای اسلام هستند نه غیر اسلام).

در مورد اشکال سوم:

وقتی ملت، مسلمان بودند، و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می‌جوشید، و به عبارت دیگر انقلابشان، انقلاب نان و آب و مسکن نبود بلکه انقلاب مکتبی بود (که البته در پرتو این مکتب نان و آب و مسکن نیز هست) معنای آن این است که ملت، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است می‌خواهند، و روشن است که از مهمترین مقررات اسلام، مسئله امامت و ولایت فقیه است، پس به اراده ملت کاملاً توجه شده است، و انگهی وقتی که اکثریت ملت قانون اساسی را که در آن اصل ولایت فقیه آمده تصویب کردند، آیا معنای این مطلب این نیست که به آراء ملت احترام شده است؟ یا توجه به اینکه در مورد قانون اساسی کاملاً به آراء ملت احترام و تکیه شده است و تشکیل مجلس شورای اسلامی نیز مؤید این مطلب است.

از طرفی اکثریت عملاً به دنبال «ولایت فقیه» هستند، بنابراین در کجای ولایت فقیه ضدیتی با حاکمیت ملت دیده می‌شود؟!

در مورد اشکال چهارم:

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای حکومت اسلامی براساس یک قانون اساسی، زیر نظر یک رهبر «که ولی فقیه است» باشد همه

ارگانها در یک مسیر گام بر می دارند، دیگر تعدد مراکز قدرت لازم نمی آید.

ما اقرار می کنیم که در آغاز پیروزی انقلاب در بعضی از موارد بر اثر عواملی این اشکال وجود داشت، علت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی و هدف از حکومت اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقق حکومت اسلام تحت نظارت و رهبری و ولایت فقیه، حتماً قدرتها و تصمیمها به یک مرکز برگشته و این اشکال برطرف خواهد شد.

* * *

در اینجا اضافه می کنم: چنین نیست که عده مخصوصی حکومت را بدست گرفته باشند بلکه همه مردم مسلمان حکومت را بدست گرفته اند، نهایت اینکه نماینده های آنها یعنی افراد مورد قبول اکثریت با همکاری ملت دست اندر کار شده اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم، این اتومبیل دارای دهها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند، ولایت فقیه، هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آن را به حرکت در آورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن، خطرات را دفع و رفع نماید (البته از ذکر این مثال پوزش می طلبم)

لازم به تذکر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه

در بینش تشیع از اصول و ارکان دین است، و در اصول دین هر کس خودش باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست. در اینجا این سخن را نیز اضافه می‌کنیم که به حکم آیات و روایات از جمله:

«يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ»

ای داود ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم، بنابراین بین مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس پیروی مکن.»^(۱)

ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان (سلام الله علیهم اجمعین) است، مبانی آن بر اساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا اصالت انسان نیست، بلکه مبانی آن بر اساس اصالت «الله» است که امروز به صورت اسلام و قوانین اسلام متبلور شده است، او تنها از اسلام می‌گوید و بر اسلام تکیه دارد و بحری اسلام است، با توجه به اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تأمین شده و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می‌سازد.

سؤال:

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آمده که امام صادق علیه السلام به مفضل رضی الله عنه فرمود:

«هر بیعت، قبل از ظهور مهدی علیه السلام، کفر، نفاق و تزویر است و

لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده.»^(۱)

و از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هر پرچم (برافراشته از رهبری) قبل از قیام مهدی علیه السلام

طاغوت است.»

و فرموده امام باقر علیه السلام:

«صاحب آن پرچم طاغوت است.»^(۲)

آیا اگر «ولی فقیه» در زمان غیبت، زمام رهبری را بدست گیرد

مشمول این گونه روایات نیست؟!

پاسخ:

این روایات مربوط به آن رهبرانی است که مستقلاً رهبری امور

را بدست می گیرند، ولی در ولایت فقیه، استقلال نیست، بلکه نیابت

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲- انبیاة الهداة، ج ۷، ص ۶۵.

به اذن عام حضرت مهدی (عج) است، چنانکه خود دلائل ولایت فقیه این مطلب را ثابت می‌کند، و در حقیقت این پرچم و بیعت، به عنوان نیابت و زمینه‌سازی برای ظهور آنحضرت می‌باشد، و آن حضرت و امامان علیهم‌السلام دیگر هم چنین اجازه بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده‌اند.



﴿ پاسخ به بیست و هفت سؤال ﴾

۱- آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است؟
می‌پرسند: آیا عقیده به ظهور حضرت مهدی (عج) در آخرالزمان
مخصوص شیعه است یا ادیان دیگر نیز به آن معتقدند؟

پاسخ:

این عقیده حتی در کتب زرتشتیان، هندویان و تورات و انجیل و
در میان مصریها و چینیها و حتی در میان غربیها وجود دارد و در
منابع اهل تسنن، روایات متواتر و بسیار زیاد آمده است، به عنوان
نمونه به کتابهای:

- ۲ - التاج الجامع الاصول (تألیف شیخ منصور علی ناسف).
- ۳ - کتاب صواعق المحرقة.
- ۴ - کتاب منتخب الاثر (تألیف آیه الله صافی).
- ۵ - اثبات الهداة، ج ۷، از صفحه ۱۷۹ به بعد.
- ۶ - المجالس السنیه نوشته سید محسن جبل عاملی (ره) جلد ۵ صفحه ۷۱۳ تا ۷۴۳ مراجعه فرمائید.

۲ - فائده غیبت طولانی چیست؟^(۱)

می پرسند: غیبت طولانی امام مهدی (عج) و عدم دسترسی ما به او، چه سودی دارد؟

پاسخ:

امام قائم (عج) بخاطر عدم پذیرش جامعه، از نظرها پنهان است، او همچون امامان معصوم علیهم السلام دیگر اگر آشکار بود، مردم همان که با آن امامان کردند با او می کردند، اما او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان و با برنامه ریزیهای دراز مدت و تکامل معنوی و مادی پیدا کنند.

۱ - در پاسخ این سؤال عالم بزرگوار تشیع سید مرتضی رحمته الله علیه گوید: «وقتی که از راه عقل و نقل، صحبت امامت امام قائم (عج) ثابت شد، اگر فلسفه غیبت را ندانیم چه مانعی دارد، چنانکه فلسفه بسیاری از احکام بر ما پوشیده است» (تلخیص از کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۶۲).

غیبت او چنانکه در روایات آمده همچون پنهان شدن خورشید پشت ابرها است، گرچه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت می‌کنند، ولی هرگز نمی‌توانند تابش خورشید را بطور کلی محو سازند. غیبت امام قائم (عج) دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می‌کنیم.

۱ - غیبت او به پیروانش امید می‌بخشد و آنها را دلگرم می‌کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجه به اینکه امید، آن هم امیدی این چنین، سازنده است.

۲ - غیبت آنحضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می‌سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

۳ - آنحضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم با فقهاء و بزرگان اسلام تماس می‌گیرد و آنها را راهنمایی می‌کند (چنانکه شواهد آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است).

۴ - گفتگو درباره قیام مهدی (عج) و تشکیل کنگره‌ها و کنفرانسها و تنظیم نوشته‌ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی، در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف‌داری و ... می‌شود، در نتیجه آمادگیهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می‌شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آنحضرت مهیا می‌گردد.

۵- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می باشد.

۶- از طرفی طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند آماده درک لذت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنانکه در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بسیار آمده که:

«يَعْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ نُورًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جُورًا وَ شَرًّا»

آنحضرت زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد همان

گونه که پر از ظلم و جور و بدی شده باشد؟»^(۱)

و انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی و خودجوش و از متن توده ها برخیزد، و همگان به خوبی آن را درک کنند.

البته این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که شرع و عقل چنین اجازه ای به ما

داده، بلکه این سخن خبر از آینده می‌دهد، و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می‌روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح بپاخاست و خود گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل بر می‌انگیزاند.

آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقائق برایشان کشف گردد، و با تجربیات تلخ خود روی حکومت‌های باطل از آنها روگردان گردند و تشنه وجود امام قائم (عج) شوند.

در قرآن کریم می‌خوانیم:

«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمُ
أَنَّهُ الْحَقُّ؛

بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم

نشان می‌دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است.»^(۱)

در مورد اینکه منظور از ضمیر «او» در «أَنَّهُ» به کجا بازگشت

می‌کند امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«منظور خروج قائم (عج) است که او حق است (و حقایقش

آشکار می‌گردد).»^(۲)

۱ - سوره فصلت، آیه ۵۳.

۲ - بحار، ج ۵۱ ص ۶۲ - منظور از این تفسیر این است که یکی از مصادیق روشن حق که پس از طول

زمان آشکار خواهد شد وجود قائم (عج) است.

۳- لقب قائم علیه السلام و مهدی علیه السلام چرا؟

می پرسند: چرا امام زمان علیه السلام با کلمه «قائم» و «مهدی» خوانده می شود، و اینکه بعضی با شنیدن لقب «قائم» بر می خیزند و می ایستند برای چیست؟

پاسخ:

در بسیاری از روایات، آنحضرت با لقب قائم^(۱) و مهدی، یاد شده و در مورد قائم، بسیار می شد که در زمان ائمه علیهم السلام بر اثر ظلم و فساد حاکمان غاصب، امامان به یاد امام زمان علیه السلام می افتادند و می فرمودند: «قائم ما انتقام ما را خواهد گرفت».

قائم یعنی قیام کننده، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت مهدی (عج) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

اما اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفظ به این کلمه بر می خیزند و می ایستند، این کار یکنوع عمل مستحبی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار آنحضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی

۱- ناگفته نماند که امام صادق فرمود: همه ما امامان قائم هستیم، ولی آن قائم (امام دوازدهم) صاحب شمشیر

(قدرت و حکومت) است و برنامه‌های غیر از برنامه ما دارد (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۷).

می‌شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه‌سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان و قلب تپنده هستی است پرداخت.

این کار حتی در زمان امام صادق علیه السلام در میان شیعیان معمول بوده، حتی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا علیه السلام کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا علیه السلام برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛

خداوندا بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان.»^(۱)

اما در مورد واژه مهدی، از این روست که امام زمان هدایت شده و هدایت کننده است.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در این مورد فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمُ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛

آنحضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده‌اند هدایت می‌کند، و قائم گویند چون به حق قیام کند».^(۲)

۱- بحار، ج ۵۱ ص ۳۰.

۲- اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۱۰ - و نیز در همین کتاب ص ۱۶۹ وجه تسمیه دیگری در مورد واژه مهدی از امام باقر علیه السلام نقل شده است (توضیح اینکه: مردم در آن زمان، اسلام راستین را گم کرده‌اند حضرت مهدی (عج) آنها را به دین اسلام ناب هدایت می‌کند) (توضیح المقاصد ص ۵۱۲).

از امام باقر علیه السلام سؤال شد چرا قائم را «قائم» خواندند؟

فرمود:

«زیرا یاد او فراموش می‌شود و بسیاری از معتقدان به امامت

آنحضرت، راه ناصحیح می‌روند.»

از آنحضرت سؤال شد چرا او را منتظر گویند؟ فرمود:

«زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است،

افراد مخلص و پاک در انتظارش بسر می‌برند ولی افراد شکاک

و مُرَدِّد او را انکار می‌کنند و منکران، نامش را به مسخره

می‌گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او

به هلاکت می‌رسند، مسلمانان در مورد او نجات می‌یابند.»^(۱)

۴ - اقامتگاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست؟

می‌پرسند: امام قائم (عج) کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟

پاسخ:

از قواعد و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود که امام قائم (عج)

هم اقامتگاه مخصوص دارد و هم زن و فرزند.

در مورد اقامتگاه آنحضرت - نخست باید توجه داشت که

آنحضرت همه ساله در مراسم عظیم حج شرکت می‌کند.^(۱) و بعضی از سعادتمندان در مراسم حج به محضرش شرفیاب شده‌اند.

همچنین هر جا که بخواهد از مشاهد مشرفه و ... خواهد رفت. اما در مورد اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه^(۲) و سرزمینهای دور دست و ... گفته شده است. در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می‌کند این است که اقامتگاه آنحضرت و فرزندان و گروهی از خواص یارانش در جزیره‌ای از دریای بزرگ می‌باشد.

از امام هادی علیه السلام داستانی نقل شده که خلاصه‌اش این است: حضرت مهدی (عج) و فرزندان در جزیره‌هایی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می‌کند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره‌ای هستند و خدا بهتر می‌داند.^(۳)

داستان جزیره خضراء

در داستانی که در مورد تشرف علی بن فاضل مازندرانی در سال

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ - ۱۵۶.

۲ - کرعه قریه‌ای است در بین (المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۸).

۳ - اثبات الهداء، ج ۷، ص ۵۸.

۶۹۰ هجری در جزیره «خضراء» از طرق بسیار موثق نقل شده
حاکی است که اقامتگاه امام قائم علیه السلام و همسران و فرزندان او در
جزیره «خضراء» است اینک اصل داستان را از کتاب اثبات الهداة نقل
می‌کنیم:

علامه مجلسی در بحار الأنوار از یحیی بن فضل در کتاب «رسالة
البحر الابيض و الجزيرة الخضراء» از علی بن فاضل مازندرانی مجاور
نجف در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می‌کند:

وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم مرکبائی از بلاد امام
عصر (عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیر مردی بود که چون
مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می‌کنم علی باشد.
گفتم: آری،

گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد؟

گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می‌شناسی.

گفت: بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات ترا برای من بیان
کرده‌اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به
آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟

گفت: بحر ابيض است و آن جزیره خضراء است که این آب سفید
اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها و وسائل

نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می‌شوند و به آنحضرت دست نیابند. سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی بنام «سید شمس الدین» را دیدم که می‌گفت: من از نوه‌های امام عصر(عج) هستم، پس از گفتگویی به او گفتم: هرگز امام را دیده‌ای؟

گفت: نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده‌ام و خودش را ندیده‌ام و اما جدّم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است، آنگاه با آن سید از شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سید احوال آن پیر مرد را پرسیدم، گفت: این کوه را می‌بینی، در وسط آن جای خرمی است و در آن چشمه‌ای است و کنار چشمه، قبه‌ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبه است، من هر صبح جمعه می‌روم آنجا خدمت امام عصر(عج) (البته با توجه به آغاز حدیث، خود امام را نمی‌بیند و صدایش را نمی‌شنود) و در قبه دو رکعت نماز می‌خوانم و کاغذی می‌یابم که در آن حکم مرافعه‌ای را که در هفته به من رجوع می‌کنند در آن نوشته، کاغذ را بر می‌دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می‌کنم.

علی بن فاضل گوید: از خادما خواهش کردم مرا به حضور امام(عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست.^(۱)

ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصل در کتابی بنام «الفوائد الشمسیه» آورده است، و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده همانند یک حصار محکم و مجهز، دشمن را از آن جزیره دفع می‌کند.

بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده‌اند که شاید این جزیره خضراء (با توجه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان آمده بود) همان مثلث برمودا که از عجیب‌ترین و مرموزترین مکانهای روی زمین است و در غربی‌ترین اقیانوس اطلس قرار دارد باشد. از عجایب مثلث برمودا اینکه هر هواپیا یا کشتی به حدود آن برود بطور اسرارآمیزی ناپدید می‌گردد، و جالب اینکه آبهای آن سفید است، و هر روز خبر غرق شدن تعداد تازه‌ای از کشتیهای اقیانوس پیا در آبهای سفید «مثلث برمودا» به گوش رسیده است. خلبانها و ملوانهایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده‌اند گزارش داده‌اند که در مسیر خود، به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته‌اند هدایت شده‌اند.^(۱)

این هم یک احتمالی است، که باید دانشمندان و محققان تحقیق بیشتری کنند.

۱- شرح اسرار آمیز این ماجرا را در کتاب عدل منتظر، ص ۸۴ تا ۹۹ و در کتاب «مثلث برمودا» بخوانید.

فقط در اینجا اضافه می‌کنیم: یکی از دعاهای حضرت مهدی (عج) این است که:

«اللَّهُمَّ أَخْجِبْنِي عَنْ عِيُونِ أَعْدَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ
أَوْلِيَائِي؛

خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار و بین من و
دوستانم اجتماع حاصل کن.»^(۱)

به مقتضای استجابت این دعا، اقامتگاه آنحضرت از دشمنان
محفوظ خواهد بود. و ممکن است همین مطلب تأییدی باشد که آن
جزیره، در مثلث برمودا است.

از سوی دیگر غیر از همسر و فرزندان، جمعی از دوستانش که
طبق روایتی سی تن از «اوتاد» و برجستگان هستند^(۲) همواره در
خدمت آنحضرت بسر می‌برند.

بهر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

دور گردون گرد و روزی بر مراد مانگشت

دائماً یکسان نماید حال دوران غم مخور

هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب

باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور

۱ - مصباح کنعی، ص ۲۱۹.

۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب

جمله می‌داند خدای حال گردان غم منخور

به گفته ملامحسن فیض کاشانی:

ای تو ما را راحت جان الغیاث	دردها را جمله درمان الغیاث
ای سرو سرکرده هر سروری	نیست ما را بی تو سامان الغیاث
قائم آل پیامبر (عج) دست‌گیر!	بی توام افتان و خیزان الغیاث
کار شرع از دست شد بیرون خرام	تازه کن آئین ایمان الغیاث
عالمی گردید مالامال شرّ	از جفا و جور و طغیان الغیاث
خون ما خوردند این دجالیان	مهدی و هادی دوران الغیاث
فیض شد دلتنگ صحرای فراق	مونس دل راحت جان الغیاث

توضیح دیگر اینکه: براساس داستان «علی بن فاضل» فرزندان حضرت ولی عصر (عج) در جزیره‌ای بنام خضراء در اقیانوس اطلس، زندگی می‌کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده، پس از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره باز می‌گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است.^(۱)

۱ - عدل منتظر، شماره ۵ کتاب سالانه مسجد صدریه تهران، ص ۹۲.

۵- قرآن و مسئله حکومت جهانی

می پرسند: اگر حکومت جهانی مهدی (عج) سراسر جهان را فرا خواهد گرفت، و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز در می آید، آیا در قرآن مجید این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟

پاسخ:

آیات متعددی که تأویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر (عج) شده، بسیار است (در این باره به بحار، طبع جدید، ج ۵۱ از ص ۴۴ به بعد مراجعه گردد)، به عنوان نمونه:

۱- در قرآن کریم می خوانیم: «او خدائی است که رسولش را با دلائل رهنمون بخش فرستاد تا آن را بر تمام دینها غالب گرداند هر چند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست.»^(۱)

این آیه صریحاً نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آئین اسلام همه ادیان و مرامها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی (عج) در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می دهد.

۱- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

(سوره صف، آیه ۹).

۲ - در سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ می خوانیم:

«یقیناً (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود علیه السلام) نوشتیم
پس از آنکه این مطلب را در ذکر (تورات) نیز نوشته بودیم که:
حتماً بندگان صالح وارث زمین می شوند.»^(۱)

این آیه حاکی است که در کتابهای آسمانی زبور و تورات و قرآن
موضوع حکومت انسانهای شایسته بر سراسر زمین نوشته شده
است، روشن است که وعده خدا حق است، روزی خواهد آمد که
بنندگان صالح که از نظر قرآن، مسلمین راستین هستند حکومت واحد
صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت
حضرت مهدی (عج) است.

۳ - در سوره نور، آیه ۵۵ می خوانیم:

«خداوند با آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته می کنند وعده
داده که آنان را نماینده «خود» در زمین گرداند همانگونه که
گذشتگان آنانرا خلیفه کرد وعده داده که دینشان را که برای آنها
پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدل به امنیت و آرامش
کند، و برای من شریک نمی گیرند.»^(۲)

۱ - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

۲ - وَعَدَاللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا.

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنانکه ایمان و عمل صالح دارند (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه‌سازی برای ایجاد آینده درخشان می‌کنند) نوید می‌دهد که خداوند حکومت زمین را بدست آنها می‌سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می‌گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می‌شود.

در پایان آیه اشاره به این مطلب می‌کند که حکومت آنها بر سراسر زمین براساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هرگونه شرک است.

چنانکه در حدیثی پیامبر ﷺ در مورد عقائد این حکومت واحد سراسری فرمود:

«فَلَا يَتَّبِعُنِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدًا إِلَّا قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

هیچ فردی روی زمین نمی‌ماند مگر اینکه معتقد است

خدائی جز خدای یکتا وجود ندارد.»^(۱)

به این ترتیب می‌بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مردم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را بدست می‌گیرند خبر می‌دهد.

۴ - قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می‌فرماید:
 «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ
 نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^(۱)

ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را
 پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.»

این آیه گرچه در ماجرای موسی عليه السلام و فرعون نازل شده که
 خداوند موسی عليه السلام را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد و مستضعفان
 را به رهبری موسی عليه السلام به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز
 مربوط به زمان خاص موسی عليه السلام نیست بلکه یک بشارت عمومی
 است در مورد پیروزی حق بر باطل، که سرانجام این پیروزی بطور
 جامع و کامل و جهانی بدست مهدی آل محمد عليهم السلام صورت می‌گیرد،
 چنانکه در روایات به این مطلب تصریح شده، و مهدی (عج) و
 پیروانش به موسی عليه السلام و پیروانش تشبیه شده‌اند و در روایتی
 می‌خوانیم، امام سجّاد عليه السلام فرمود:

«سوگند به کسی که محمد عليه السلام را به حق بشارت دهنده و بیم
 دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسی عليه السلام و پیروانش هستند و
 بدان ما همانند فرعون و پیروانش می‌باشند.»^(۲)

۱ - سورة قصص، آیه ۵.

۲ - مجمع البیان، ذیل آیه ۵، سورة قصص.

و امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

«این گروه آل محمد صلی الله علیه و آله هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود بر می انگیزد و به آنان عزت می دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می کند.»^(۱)

۶- یاران مهدی علیه السلام بیشتر کجا هستند؟

پاسخ:

جالب اینکه در روایات بسیاری آمده که دستجات یاران امام مهدی (عج) از مشرق زمین پیا می خیزند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«(هنگام ظهور) پرچمهای سیاه از طرف مشرق نمودار شود، پس با وی (امام قائم «عج») بیعت کنید که او خلیفه خدا، مهدی (عج) است.

و نیز فرمود: جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی (عج) را فراهم سازند.»^(۲)

۱- نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۱۰ و در نهج البلاغه کلمات قصار شماره ۲۰۹ نیز به این مطلب اشاره شده است.

۲- دو حدیث فوق را ابن ماجه در سنن خود نقل کرده است (انباة الهداة، ج ۷، ص ۱۹۷).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنج‌های نهاده که از طلا و نقره نیست بلکه مردان مؤمنی هستند که بطور شایسته خدا را شناخته‌اند و در آخر الزمان، یاوران حضرت مهدی (عج) خواهند بود.»^(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هنگامی که پرچم‌های سیاه را از جانب خراسان دیدید، به طرف آن بروید هر چند با دست و سینه روی برف باشد، چرا که خلیفه خدا مهدی (عج) در میان آنها است.»^(۲)

و در روایت دیگر فرمود:

«بزودی اهل بیت من دچار گرفتاریها و آوارگیها خواهند شد، تا اینکه جمعی با پرچم‌های سیاه از طرف مشرق بیایند ... تا اینکه امر به یکی از افراد اهل بیت من (امام قائم «عج») سپرده شود، که او سراسر زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد پر از عدل و داد کند، فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ؛ هر کدام که از شما آنها را درک کردید به آنها بپیوندید گرچه با راه رفتن با دست و سینه روی برف باشد خود را به آنها برسانید.»^(۳)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۹۷، المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۷.

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۸۹، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۷۵، المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۶.

۳ - كشف الغمّة، ج ۳، ص ۳۷۵ و ۳۸۱.

به این ترتیب می‌بینیم، مشرق زمین مورد توجه قرار گرفته است و چنانکه هم اکنون از نشانه‌هایش پیداست، تنها مشرق زمین است که این کار را خواهد کرد، بنابراین مشرق زمین باید پیاخیزد! و با توجه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق امت مسلم از مستضعفان در مشرق زمین هستند و با توجه به امکانات عظیم جغرافیائی و اقتصادی و نیروی انسانی که دارند، می‌توانند پیاخیزند و دستهای ابرقدرتها را قطع کنند و زمینه‌سازی خوبی برای ظهور مهدی (عج) ایجاد بنمایند.

۷- زندگی شخصی امام عصر (عج) چگونه است؟

پاسخ:

زندگی او همچون زندگی پیامبر ﷺ و امامان معصومین است، او در دوران حکومتش همچون طاغوتیان و مستکبران زندگی نمی‌کند و در کاخهای آسمان خراش نمی‌نشیند، لباس و غذا و بر خوردش با مردم بسیار ساده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ (عج) إِلَّا الْغَلِيظُ وَلَا طَعَامُهُ إِلَّا الْخَشَبُ؛

لباس قائم (عج) جز پارچه زبر و خشن، و غذای او جز غذای

ساده نیست.»^(۱)

او در بر خورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده پیامبر ﷺ:

هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندیانی به حضورش می آیند و در خواست نیازمندیهای خود می کنند، آنحضرت مقداری که در خواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون شماره به آنها می دهد. (۱)

آری این همان روش پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ و سایر امامان معصوم ﷺ است.

امام علی ﷺ می فرماید:

«پیامبر ﷺ هنگام غذا خوردن روی زمین می نشست و با دست خود کفشهایش را می دوخت و لباسش را وصله می کرد.» (۲)

و حضرت علی ﷺ در مورد خودش هنگام حکومت فرمود:

«امام شما با این همه قدرت و مکنات از دنیا به دو لباس کهنه و عادی، و از غذا به دو قرص نان اکتفاء کرده است.» (۳)

این عمل انقلابی پیامبر ﷺ و امامان ﷺ باید سرمشق همه باشد، چرا که انسان تا خود را از اسارت های مادی نرهاند، نمی تواند

۱ - انبأ الهداة، ج ۷، ص ۱۹۹.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.

۳ - نهج البلاغه، نامه ۴۵.

خیزش کند و در فضای معنویت به پرواز در آید، از طرفی مفسد تجمل پرستی و ولخرجی و اسراف و اتراف برکسی پوشیده نیست، بنابراین بیائیم در زندگی به پیامبر ﷺ و آلش ﷺ اقتداء کنیم.

همین معنی در حدیثی از امام صادق علیه السلام برای یار و شاگرد با وفایش مفضل رضی الله عنه بیان شده است، به مفضل رضی الله عنه فرمود:

کار امام قائم سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است همچون زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام ^(۱).

علامه مجلسی رضی الله عنه گوید: منظور از سیاست شب، رتق و فتق امور و اتخاذ روشهای سیاسی در پیشبرد هدفهای سیاسی و طرح ریزی در این باره است.

و منظور از سیاحت روز، تلاش و حضور در صحنه اجتماع برای مبارزه و جهاد با دشمن و تأمین نیازهای مردم و رسیدگی به درد دل آنها است.

و منظور از خوراک ساده هم معلوم است، خلاصه اینکه روش زندگی اش همچون روش حضرت علی علیه السلام می باشد. ^(۲)

البته باید توجه داشت که آن حضرت هنگام قیام و حضور در جبهه جنگ با دشمن، غرق در اسلحه است، زره رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- بحار ج ۵۲ ص ۳۵۹.

۲- بحار ج ۵۲ ص ۳۵۹.

در تن و شمشیر ذوالفقار آنحضرت در دست و کلاهخود آنحضرت را
بر سر دارد. (۱)

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«تراث رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام قائم (عج) می‌رسد، یکی از

یاران پرسید تراث چیست؟

فرمود: شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق و اسب و زین و

آلات جنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. (۲)

۸- طول عمر امام قائم (عج) را چگونه حل می‌کنید؟

می‌پرسند: اکنون که سال ۱۴۱۷ هجری قمری است با توجه به
سال تولد امام قائم (عج) که سال ۲۵۵ بوده، ۱۱۶۲ سال از عمر آن
حضرت گذشته است، آیا ممکن است شخصی این قدر یا بیشتر عمر
کند؟

پاسخ:

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم صدوق علیه السلام به بعد مطرح
است و هم اکنون یکی از سؤالات مربوط به آنحضرت است.

۱- اثبات الهداة، ج ۷، صفحه ۸۹.

۲- بحار ج ۵۲، ص ۲۴۲.

ما وقتی که از نظر دین و دانش ثابت کنیم که عمر طولانی این چنینی محال نیست، آنگاه می‌گوئیم چه مانعی دارد خداوند متعال با آن قدرت لایزال خود شرایطی را در شخصی به وجود آورد که هزاران سال یا بیشتر عمر کند؟

اما از نظر دانش:

زیست شناسان می‌گویند: اگر اختلاها و آسیب‌هایی که به انسان می‌رسد و موجب کوتاهی عمر او می‌شود رفع گردد، عمر او به ۲۰۰ سال خواهد رسید.

بعضی می‌گویند انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند این که می‌بینی ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می‌کند، بر اثر آنستکه عضوی از او فرسوده می‌شود و به عضوهای دیگر سرایت می‌کند.^(۱)

و از آزمایشاتی که دانشمندان، روی حشرات و سلوها و گیاهان کرده‌اند نشان می‌دهد که گاهی عمر آنها را به صدها بلکه به هزارها برابر رسانده‌اند.

«یوری فیالکوف» استادپلی تکنیک «کیف» در شوروی سابق می‌گوید: سلول که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می‌باشد جاوید است و هرگز نمی‌میرد، مشروط بر این که غذا داشته باشد و سرما

و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی اضافه می‌کند: انسان باید زنده و جاوید باشد هرگز از بین نرود زیرا سلولهای تشکیل دهنده بدن او جاوید است.^(۱)

اما از نظر قرآن و احادیث:

از نظر دینی نه تنها هیچگونه دلیلی بر انکار عمر طولانی در افراد استثنائی نداریم، بلکه در تواریخ و روایات مذهبی می‌خوانیم: ادریس علیه السلام و الیاس علیه السلام و خضر علیه السلام و عیسی علیه السلام، هنوز زنده‌اند و همچنین حضرت لقمان علیه السلام و نوح علیه السلام و عاد علیه السلام و پیامبران دیگر، عمرهای بسیار طولانی کرده‌اند، تا آنجا که قرآن در آیه ۴ سوره نمل درباره حضرت نوح علیه السلام می‌گوید:

«نوح علیه السلام در میان قوم خود هزار سال جز پنجاه سال (یعنی ۹۵۰ سال) درنگ کرد.» و طبق روایات حضرت عاد ۳۵۰۰ سال عمر کرد.^(۲)

بنابراین چه مانعی دارد که خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و او با بکار گرفتن آن، عمر بسیار کند^(۳)

۱ - مجله خواندنیها، سال ۲۸ شماره ۳۸ ص ۴۳.

۲ - شرح بیشتر و جواب آن را در کشف الغته، ج ۳، ص ۴۷۲ به بعد بخوانید.

۳ - درباره افرادی که در دنیا عمر طولانی کرده‌اند به کتاب اعلام الوری، ص ۴۴۲ و کتاب بحار، ج ۵۱ ص

۲۲۵ به بعد مراجعه شود.

وقتی که اصل مسئله محال نبود، قدرت و اراده خداوند بقیه امور را درست خواهد کرد.

ضمناً باید به این نکته توجه داشت که استثنائها در جهان نمونه‌های بسیار دارد مانند: کشف ماهیهای ۳/۰۰۰/۰۰۰ ساله و کشف ۴/۰۰۰ دانه از یک بوته گندم، و کشف آبی که یخ نمی‌زند و ... که اینها همه حکایت از قدرت لایزال الهی می‌کند و حاکی است که این طور نیست که جهان همیشه در محور علل و معلول طبیعی معمولی، بگردد، بلکه گاهی علل مافوق علل طبیعی در کار است، که آن هم کار خدا است، چنانکه قرآن کراراً می‌فرماید:

«بدانید حتماً خداوند بر هر چیز تواناست».^(۱)

۹ - آرامش با جنگ نمی‌سازد؟

می‌پرسند: اگر سراسر زمین تحت یک حکومت قرار می‌گیرد و همه تحت پرچم توحید بسر می‌برند و امنیت و آرامش و صفا، در همه جا حاکم است، پس جنگ مهدی (عج) با مخالفان برای چیست؟ اگر جنگ هست امنیت نیست و انگهی چرا این همه از شمشیر سخن به میان آمده، مگر حکومت زور است؟

پاسخ:

بنظر می‌رسد این ناآرامیها و جنگها در مراحل اول ظهور باشد، چنانکه نوعاً دوره اول انقلابها توأم با درگیریها و جنگها است، وانگهی آنانکه منافع مادیشان در خطر است و مانع عدالت اجتماعی می‌شوند، به مخالفت بر می‌خیزند، که اولاً در اقلیتند و ثانیاً نارضایتی آنها دلیل بی‌عدالتی و ناآرامی نیست و حاکی از نقص حکومت نمی‌باشد.

اینکه در روایات آمده: امام عصر (عج) پنج یا هفت سال و یا ۹ سال و یا ۲۰ سال^(۱) و یا چهل سال و یا ۳۰۹ سال^(۲) به مقدار خواب اول اصحاب کهف در آن غار، حکومت می‌کند، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکّل و پایه‌ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اول صورت می‌گیرد و پس از گذشت چهل سال به حدّ کمال می‌رسد و بیش از ۳۰۰ سال ادامه می‌یابد، بنابراین ممکن است این درگیریها و یا توطئه‌ها و کارشکنی عناصر کافر و سودجو، در آن سالهای اول حکومت باشد، اما پس از چهل سال، عدل و داد همه جا را فرا می‌گیرد و دیگر هیچ مانع و مزاحم

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۷۹ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۲.

۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

و توطئه گر و ضد انقلابی باقی نمی ماند.

چنین فرضی از نظر عقل و جامعه شناسی، صحیح بنظر می رسد زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه ها (اگر از طریق اعجاز نباشد) نیاز به انقلاب فرهنگی دراز مدت دارد، و نمی توان یک شبه ره صد ساله را طی کرد.

و اگر در روایات، مکرر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده حتی مانع زکات، اعدام می شود، این به آن معنی نیست که حکومت، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران است، همان گونه که در قرآن کریم آمده است:

«و آهن (شمشیر و اسلحه عدالت) را فرستادیم که در آن

نیروی شدید و منافی برای مردم است.»^(۱)

و یا در جای دیگر می فرماید:

«برای شما در قصاص، زندگی است ای اندیشمندان.»^(۲)

بنابراین، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. تا مبادا عده ای سود جو و خائن، به امنیت

۱- وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ (سوره حدید، آیه ۲۵).

۲- وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (سوره بقره آیه ۱۷۹).

و آسایش مردم ضربه بزنند، و هرج و مرج ایجاد کنند، به این ترتیب می‌توانیم بدست بیاوریم که انقلاب مهدی (عج) در بعضی از امور تدریجی و در برخی از امور فوری و انقلابی است.

۱۰ - نشانه‌های ظهور امام علیه السلام چیست؟

پاسخ:

وقت ظهور آنحضرت معلوم نیست، و حتی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغگو شمرده شده‌اند.^(۱) ولی نشانه‌هایی به عنوان علائم ظهور در روایات بسیار آمده که مربوط به مدت اندکی قبل از ظهور و مربوط به آستانه و آغاز ظهور است، این نشانه‌ها بسیار زیادند^(۲) که معروفترین و جامعترین آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می‌گردد.^(۳) سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد گردد^(۴) چنانکه در هر انقلابی معمولاً، ظلم و فساد قبل از آن، باعث انقلاب می‌گردد، این موضوع در ضمن یک روایتی جامع بطور مشروح بیان شده و

۱ - بحار، ج ۵۲ ص ۱۰۱ تا ۱۲۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۶.

۲ - به توضیح المقاصد، شیخ بهائی، ص ۴۹۷ به بعد بنگرید.

۳ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۵.

۴ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۳۹۸.

امام صادق علیه السلام آن را در ۱۱۹ ماده بیان کرده است و اینک ترجمه روایت:

حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

- ۱ - هرگاه دیدی: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.
- ۲ - و دیدی که: ظلم همه جا را گرفته.
- ۳ - و دیدی که: قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی شود.
- ۴ - و دیدی که: دین همچون ظرف تو خالی، و بی محتوا شده است.
- ۵ - و دیدی که: طرفداران حق بر طرفداران باطل فائق شده اند.
- ۶ - و دیدی که: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.
- ۷ - و دیدی که: چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفاء می کنند.
- ۸ - و دیدی که: افراد با ایمان سکوت کرده و سخنان را نمی پذیرند.
- ۹ - و دیدی که: شخص بدکار، دروغ گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند.
- ۱۰ - و دیدی بچه ها، بزرگان را تحقیر کنند.
- ۱۱ - و دیدی که: قطع پیوند خویشاوندی شود.

- ۱۲ - و دیدی که: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.
- ۱۳ - و دیدی نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می‌کنند.
- ۱۴ - و دیدی که: زنان با زنان ازدواج نمایند.
- ۱۵ - و دیدی که: مدّاحی دروغین از اشخاص، زیاد شود.
- ۱۶ - و دیدی که: انسانها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می‌کنند و کسی مانع نمی‌شود.
- ۱۷ - و دیدی که: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمنین، به خدا پناه می‌برند.
- ۱۸ - و دیدی که: همسایه به همسایه خود اذیت می‌کند و از آن جلوگیری نمی‌شود.
- ۱۹ - و دیدی که: کافر به خاطر سختی مؤمن، شاد است.
- ۲۰ - و دیدی که: شراب را آشکارا می‌آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می‌نشینند و از خداوند متعال نمی‌ترسند.
- ۲۱ - و دیدی: کسی که امر به معروف می‌کند خوار و ذلیل است.
- ۲۲ - و دیدی آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است.
- ۲۳ - و دیدی اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.
- ۲۴ - و دیدی راه نیک بسته و راه بدباز است.

- ۲۵- و دیدی خانه کعبه تعطیل شده، و به تعطیلی آن دستور داده می شود.
- ۲۶- و دیدی که: انسان به زبان می گوید ولی عمل نمی کند.
- ۲۷- و دیدی که: مردان از مردان و زنان از زنان لذت می برند، (یا مردان خود را برای مردان، و زنان خود را برای زنان فرجه می کنند).
- ۲۸- و دیدی که: زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تأمین می شود.
- ۲۹- و دیدی زنان همچون مردان برای خود مجالس (نامشروع) تشکیل می دهند.
- ۳۰- و دیدی که: در میان فرزندان «عباس»، کارهای زنانگی به وجود آید.
- ۳۱- و دیدی که: زن برای زنا با مردان، با شوهر خود همکاری کند.
- ۳۲- و دیدی که: بیشتر مردم و بهترین خانه ها، زنان را بر بدکاری کمک می کنند.
- ۳۳- و دیدی که: مؤمن، خوار و ذلیل شمرده شود.
- ۳۴- و دیدی که: بدعت و زنا آشکار شود.
- ۳۵- و دیدی مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.
- ۳۶- و دیدی که: حلال، حرام شود و حرام، حلال گردد.

- ۳۷ - و دیدی که: دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.
- ۳۸ - و دیدی که: جرئت برگناه آشکار شود، و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.
- ۳۹ - و دیدی مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.
- ۴۰ - و دیدی که: ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.
- ۴۱ - و دیدی که: سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند.
- ۴۲ - و دیدی که: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.
- ۴۳ - و دیدی که: پستهای مهم والیان بر اساس مزایده است نه بر اساس شایستگی.
- ۴۴ - و دیدی که: مردم را از روی تهمت و یا سوءظن بکشند.
- ۴۵ - و دیدی که: مرد بخاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.
- ۴۶ - و دیدی که: مرد از بدکارگی همسرش نان می خورد.
- ۴۷ - و دیدی که: زن بر شوهر خود مسلط شود، و کارهایی که مورد خشنودی شوهر نیست انجام می دهد، و به شوهرش خرجی می دهد.

- ۴۸ - و دیدی که: مرد همسر و کنیزش را کرایه می دهد و به غذای پست (که از این راه بدست می آورد) خشنود است.
- ۴۹ - و دیدی که: سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.
- ۵۰ - و دیدی که: آشکارا قمار بازی می شود.
- ۵۱ و دیدی که: مشروبات الکلی بطور آشکار بدون مانع خرید و فروش می شود.
- ۵۲ - و دیدی که: زنان مسلمان خود را به کافر می بخشند.
- ۵۳ - و دیدی که: کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می گذرد مانع آن نمی شود.
- ۵۴ - و دیدی که: مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.
- ۵۵ - و دیدی که: نزدیکترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگوئی به ما خانواده عصمت علیهم السلام ستایش شوند.
- ۵۶ - و دیدی که: هر کس ما را دوست دارد او را دروغگو خوانده و شهادتش را قبول نمی کنند.
- ۵۷ - و دیدی که: در گفتن سخن باطل و دروغ، با همدیگر رقابت کنند.
- ۵۸ - و دیدی که: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است ولی شنیدن باطل برایشان آسان است.

- ۵۹ - و دیدی که: همسایه از ترس زبان بد همسایه، او را احترام می‌کند.
- ۶۰ - و دیدی که: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوی و هوس عمل شود.
- ۶۱ - و دیدی که: مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.
- ۶۲ - و دیدی که: راستگوترین مردم نزد آنها مفتریان دروغگو است.
- ۶۳ - و دیدی که: بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می‌شود.
- ۶۴ - و دیدی که: ستم و تجاوز شایع شده.
- ۶۵ - و دیدی که: غیبت، سخن خوش آنها گردد، و بعضی بعض دیگر را به آن بشارت دهند.
- ۶۶ - و دیدی که: حج و جهاد برای خدا نیست.
- ۶۷ - و دیدی که: سلطان به خاطر کافر، شخص مؤمن را خوار کند.
- ۶۸ - و دیدی که: خرابی بیشتر از آبادی است.
- ۶۹ - و دیدی که: معاش انسان از کم فروشی بدست می‌آید.
- ۷۰ - و دیدی که: خونریزی آسان گردد.
- ۷۱ - و دیدی که: مرد بخاطر دنیایش ریاست می‌کند.
- ۷۲ - و دیدی که: نماز را سبک شمارند.

- ۷۳ - و دیدی که: انسان ثروت زیادی جمع کرده ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است.
- ۷۴ - و دیدی که: قبر مرده‌ها را بشکافند و آنها را اذیت کنند.
- ۷۵ - و دیدی که: هرج و مرج بسیار است.
- ۷۶ - و دیدی که: مرد روز خود را با مستی به شب می‌رساند و شب خود را نیز به همین منوال به صبح برساند و هیچ اهمیتی به برنامه مردم ندهد.
- ۷۷ - و دیدی که: با حیوانات آمیزش می‌شود.
- ۷۸ - و دیدی که: مرد به مسجد (محل نماز) می‌رود وقتی بر می‌گردد لباس در بدن ندارد (لباسش را دزدیده‌اند).
- ۷۹ - و دیدی که: حیوانات همدیگر را بذرند.
- ۸۰ - و دیدی که: دل‌های مردم، سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا بر ایشان گران است.
- ۸۱ - و دیدی که: بر سرکسبهای حرام آشکارا، رقابت کنند.
- ۸۲ - و دیدی که: نماز خوان برای خودنمایی نماز می‌خوانند.
- ۸۳ - و دیدی که: فقیه برای دین، فقه نمی‌آموزد و طالب حرام، ستایش و احترام می‌گردد.
- ۸۴ - و دیدی که: مردم در اطراف قدرتمندانند.

- ۸۵- و دیدی که: طالب حلال، مذمت و سرزنش می‌شود و طالب حرام ستایش و احترام می‌گردد.
- ۸۶- و دیدی که: در مکه و مدینه کارهایی می‌کنند که خدا دوست ندارد و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند، و هیچکس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی‌شود.
- ۸۷- و دیدی که: آلات موسیقی و لهو در مدینه و مکه آشکار گردد.
- ۸۸- و دیدی که: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند ولی دیگران او را از این کار برحذر می‌دارند.
- ۸۹- و دیدی که: مردم به همدیگر نگاه می‌کنند، (به اصطلاح چشم و هم چشمی می‌کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.
- ۹۰- و دیدی که: راه نیک خالی و راه رونده ندارد.
- ۹۱- و دیدی که: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.
- ۹۲- و دیدی که: سال به سال بدعت و بدیها بیشتر شود.
- ۹۳- و دیدی که: مردم و جمعیتها جز از سرمایه داران پیروی نکنند.
- ۹۴- و دیدی که: به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند ولی در راه غیر خدا ترحم کنند.

۹۵ - و دیدی که: علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.

۹۶ - و دیدی که: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجای می آورند و کسی از ترس مردم از آن جلوگیری نمی کند.

۹۷ - و دیدی که: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۹۸ - و دیدی که: عقوب پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند، بلکه نزد فرزند از همه بدترند.

۹۹ - و دیدی که: زنها بر مسند حکومت بنشینند، و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.

۱۰۰ - و دیدی که: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۱۰۱ - و دیدی که: اگر روزی بر مردی بگذرد ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشی، و زشتی انجام نداده، ناراحت است.

۱۰۲ - و دیدی که: قدرتمندان، غذای عمومی مردم را احتکار کنند.

- ۱۰۳ - و دیدی که: اموال حق خویشان پیامبر ﷺ
(خمس) در راه باطل تقسیم گردد، و با آن قماربازی و
شرابخواری شود.
- ۱۰۴ - و دیدی که: به وسیله شراب، بیمار را مداوا کنند، و
برای بهبودی بیمار آن را تجویز نمایند.
- ۱۰۵ - و دیدی که: مردم در مورد امر به معروف و نهی از
منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.
- ۱۰۶ - و دیدی که: سرو صدای منافقان بر پا است ولی سر
و صدای حق طلبان خاموش است.
- ۱۰۷ - و دیدی که: برای اذان و نماز مزد می گیرند.
- ۱۰۸ - و دیدی که: مسجدها پر است از کسانی که از خدا
ترسند و غیبت هم نمایند.
- ۱۰۹ - و دیدی که: شرابخوار مست، پیش نماز مردم شود.
- ۱۱۰ - وقتی که دیدی: خورندگان اموال یتیمان ستوده
شوند.
- ۱۱۱ - و دیدی که: قاضیان برخلاف دستور خداوند
قضاوت کنند.
- ۱۱۲ - وقتی دیدی که: استانداران از روی طمع، خائنان را
امین خود قرار دهند.

۱۱۳ - و دیدی که: فرمانروایان، میراث (مستضعفان) را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند.

۱۱۴ - و دیدی که: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می‌گویند ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.

۱۱۵ - و دیدی که: صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و بخاطر در خواست مردم بدهند.

۱۱۶ - وقتی که دیدی: وقت (اول) نمازها را سبک بشمارند.

۱۱۷ - و دیدی که: هم و هدف مردم، شکم و شهوتشان است.

۱۱۸ - و دیدی که: دنیا به آنها روی کرده.

۱۱۹ - و دیدی که: نشانه‌های برجسته حق، ویران شده است، در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجات بدهد...^(۱)

البته باید توجه داشت، که این نشانه‌ها هم اکنون در دنیای غرب، در اروپا و آمریکا و حتی بعضی از کشورهای آفریقا و آسیا وجود دارد، شکر خدا را که به برکت انقلاب اسلامی در ایران، از بسیاری از این گناهان جلوگیری شده و می‌رود که از همه جلوگیری شود و زمینه سازی برای ظهور امام قائم (عج) گردد.

۱۱ - خروج سید حسنی و یمانی

از جمله علائمی که در آستانه ظهور امام قائم (عج) رخ می‌دهد خروج سید حسنی با یارانش برای یاری آنحضرت است، اینک توضیح آن:

سید حسنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم^(۱) و قزوین خروج می‌نماید و با صدای بلند فریاد کند که به فریاد رسید آل محمد علیهم‌السلام را که از شما یاری می‌طلبند و این سید حسنی ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام باشد و دعوی بر باطل ننماید و دعوت بر نفس خود نکند بلکه از شیعیان خُلص ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام و تابع دین حق باشد و دعوی نیابت و مهدویت نخواهد نمود و لکن مطاع و بزرگ و رئیس خواهد بود و درگفتار و کردار موافق است با شریعت مطهره حضرت خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و در زمان خروج او کفر و ظلم، عالم را فرا گرفته باشد و مردم از دست ظالمان و فاسقان در اذیت باشند و جمعی از مؤمنین نیز مستعد باشند از برای ظلم ظالمین، و در آن حال سید حسنی استغاثه نماید از برای نصرت دین آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس مردم او را اطاعت نمایند خصوصاً گنجهای طالقان که از طلا و نقره نباشند بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلح و مکمل

که بر اسبهای اشهب سوار باشند، در اطراف او جمع گردند و جمعیت او زیاد شود و مانند سلطان عادل در میان ایشان حکم و سلوک نماید و کم کم بر اهل ظلم و طغیان غلبه نماید و از مکان و جای خود تا کوفه زمین را از لوٹ وجود ظالمین و کافران پاک کند و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجة الله مهدی آل محمد علیه السلام ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است پس سید حسنی با اصحاب خود خدمت آنحضرت مشرف می شوند و از آنحضرت مطالبه دلائل امامت و مواریث انبیاء علیهم السلام را می نمایند، حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید: بخدا سوگند که آن جوان آنحضرت را می شناسد و می داند که او بر حق است و لکن مقصودش این است که حقیقت او را بر مردم و اصحاب ظاهر نماید، پس آنحضرت دلائل امامت و مواریث انبیاء علیهم السلام از برای او ظاهر نماید، در آن وقت سید حسنی و اصحابش با آنحضرت بیعت خواهند نمود مگر خیلی از اصحاب او که ۴۰۰/۰۰۰ از زبیدیّه باشند که مصحفها و قرآن درگردن ایشان حمایل است و آنچه مشاهده نمودند از دلائل و معجزات آن را حمل بر سحر نمایند و گویند این سخنان بزرگی است و اینها همه سحر است که به ما نموده اند، پس امام قائم (عج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه نماید و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تأثیر نخواهد کرد، تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون

موعظه آنحضرت را که حق است قبول ننمایند امر می فرماید که گردنهای ایشان را بزنند و حال ایشان شبیه است به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی علیه السلام در جنگ صفین بودند.^(۱)

یمانی نیز از رهبران برحق است که به حمایت از مهدی (عج) خروج می کند، امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یک شهر و در یکروز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی، به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند.^(۲)

۱۲ - سفیانی و دجال کیستند؟

در آستانه ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه های دیگری نیز بروز می کند از جمله خروج سفیانی و دجال^(۳) است سفیانی از جانب شام، بر می خیزد.^(۴)

۱ - منتهی الآمال، ص ۲۳۷ - در این کتاب به بعضی از علائم دیگر نیز اشاره شده است به ص ۲۳۵ به بعد مراجعه شود، در کتاب بحار، ج ۵۲، نیز بطور کوتاه از سید حسنی از قول امام باقر علیه السلام آمده است، و نیز در ج ۵۲ ص ۱۱۵ جریان سید حسنی آمده است، و در آنجا ذکر شده وقتی سید حسنی از امام مطالبه دلائل می کند و یقین به صدق امام پیدا می کند می گوید: **اللَّهُ اكبر** دستت را بده تا با تو بیعت کنم، با آنحضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه او (جز زیدیه) نیز بیعت می کنند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده: «سید حسنی و یارانش، دلاوران از امام قائم (عج) دفاع می کنند، ولی سرانجام در راه امام شهید می شود، اهل مکه او را می کشند و سرش را به شام می فرستند.» (بحار، ج ۵۲ ص ۳۰۱).

۲ - تفصیل آن در کتاب اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۳ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۷.

۴ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

و افراد دیگری نیز که تا ۳۰ یا ۶۰ کذاب در روایات ذکر شده است^(۱)، اینها همه پرچم مخالفت بر می‌افروزند و سرانجام بدست یاران مهدی (عج) و به رهبری آنحضرت شکست می‌خورند و به هلاکت می‌رسند، از جمله از شکست خوردگان گروه ۱۰/۰۰۰ نفری «بتریه» است که در مسیر کوفه با سپاه قائم (عج) جنگ کنند و همگی به هلاکت می‌رسند، امام در کوفه کاخهای ستمگران را ویران می‌سازد و همه منافقین توطئه‌گر بدست یاران مهدی (عج) به هلاکت می‌رسند.^(۲)

در وصف سفیانی آمده که او از نسل ابوسفیان است از پلیدترین مردم، سرخ مایل به زرد رنگ است (در ظاهر مقدس مآبی می‌کند) و ذکرش این است: یا رَبِّ، یا رَبِّ، یا رَبِّ، سرانجامش دوزخ است، آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه‌دار شده زنده به گور می‌کند.^(۳)

و به نقل دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می‌کنند: اصبه، ابقع و سفیانی.^(۴)

۱ - بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۲۰۹ و اعلام الوری، ص ۴۲۶.

۲ - کشف الغته، ج ۳، ص ۳۶۴ - بحار، ج ۵۲ ص ۳۳۸.

۳ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۹۸ - بحار، ج ۵۲ ص ۲۱۳ (از نسل عتبه بن ابی سفیان).

۴ - اعلام الوری، ص ۴۲۸.

به هر حال سفیانی پلید با دار و دستهایش بر ضد حضرت مهدی (عج) قیام می‌کند.

مهدی (عج) به مردم فرمان می‌دهد به جنگ این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید.

سپس خود حضرت مهدی (عج) همراه مسلمانان برای جنگ با سفیانی از مکه به شام رفته و در شام با او می‌جنگد سرانجام سفیانی و دار و دستهایش، شکست می‌خورند و سفیانی زیر درخت بغوطه دمشق به هلاکت می‌رسد.^(۱)

و در بعضی از روایات آمده: ارتش و طرفداران او برای جنگ با مهدی (عج) به مکه می‌روند، وقتی که در راه به سرزمین «بیداء» رسیدند، بقدرت الهی مسخ می‌گردند و یا در زمین فرو می‌روند.^(۲)

کوتاه سخن آنکه: «سفیانی» یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی (عج) مخالفت می‌کند و شکست می‌خورد.^(۳)

اما در مورد دجال باید گفت: او نیز یک طاغوت حيله گر دیگر است.

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳- این درخت، درخت بلند و پرشاخه‌ای است که در آن هنگام در حیره است (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۶۸).

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۲۹.

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳، بحار، ج ۵۳، ص ۱۰.

طبق نقل امام صادق علیه السلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه طولانی فرمود:

«حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکه به بیت المقدس می آیند و در آنجا بین آنحضرت با دجال و ارتش دجال جنگ واقع می شود، دجال و ارتشش مفتضحانه شکست می خورند، بطوریکه از اول تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می شود و حضرت مهدی، عدالت و قسط را در جهان بپا می دارد.

طبق روایتی: آنحضرت دجال را در کُناسه کوفه به دار می زند.»^(۱)

خروج دجال در روایات اهل تسنن و در تورات و انجیل نیز آمده است.

اوصاف و ویژگیهای او نیز در روایات ذکر شده.^(۲) به هر حال آنحضرت، دجال یعنی آن طاغوت حقه باز و پرتزویر را نیز که به جنگ مهدی (عج) بر می خیزد شکست می دهد و طبق بعضی از روایات، آنحضرت، حضرت عیسی علیه السلام را در کشتن دجال در سرزمین فلسطین کمک می کند.^(۳)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۴۲ - ۱۷۶.

۲ - در این باره به بحار الأنوار، ج ۵۲ ص ۱۹۴ و ۱۹۵ مراجعه شود.

۳ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۱۰.

آری رسول خدا ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

«بدانکه فرزندم از کسانی که به تو و شیعیان تو ستم کردند در دنیا انتقام می‌گیرد، و خداوند در آخرت آنها را عذاب می‌نماید. سلمان پرسید: او کیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او نهمین فرزند حسین علیه السلام است که پس از غیبت طولانی ظاهر می‌شود و فرمان خدا را اعلام می‌کند و دین خدا را آشکار می‌سازد و از دشمنان خدا انتقام می‌گیرد و سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می‌نماید.»^(۱)

ضمناً روشن شد که رهبران مخالف دیگر نیز، طاغوتها یا طاغوتچه‌هایی دیگر روی زمینند.

۱۳ - نشانه‌های خود حضرت چیست؟

پاسخ:

مقداری از نشانه‌های قائم (عج) در ضمن این کتاب آمده است، ولی در اینجا نیز به چند نشانه اشاره می‌کنیم:

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۷ - علائم بسیار دیگری نیز ذکر شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها

صرف نظر شد به اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۸۳ تا ۴۳۱ مراجعه شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«امامت امت^(۱) صلاح نیست مگر برای شخصی که دارای سه
خصلت باشد:

۱ - سزاوارترین مردم به امام قبل.

۲ - اسلحه پیامبر صلی الله علیه و آله در نزد او باشد.

۳ - امام سابق، او را به طور آشکار، وصی خود کرده باشد.^(۲)

اباصلت هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم نشانه

قائم (عج) در وقت خروج چیست؟

فرمود: «او در سن پیران است ولی سیمای جوان دارد، ناظران

به او گمان می‌برند که چهل سال یا کمتر دارد، او با مرور شب و

روز پیر نمی‌شود تا پایان عمرش فرا رسد.»^(۳)

مرحوم صدوق رحمته الله از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

«نخستین سخنی که حضرت مهدی (عج) پس از قیام خود

می‌فرماید این است:

«من بقية الله و حجّت و خليفة خدا بر شما هستم»

سپس هیچکس بر او سلام نمی‌کند مگر اینکه می‌گوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ:

۱ - منظور امامت معصومین است.

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۰۲.

۳ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

سلام بر تو ای بقیه (ذخیره بادوام) خدا در زمین خدا.^(۱)

قبلاً گفتیم امام قائم (عج) در تمام جهات شباهت به پیامبر اسلام ﷺ دارد حتی در قیافه و روش و خصوصیات. نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

«در مکه تعداد بیعت کنندگان به ۱۰/۱۰۰۰ نفر می‌رسند، و در سراسر زمین معبودی جز خدا یافت نمی‌شود و همه معبودهای باطل، آتش می‌گیرند...»^(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«شب ۲۳ ماه رمضان ندا بنام امام قائم (عج) بلند شود، و آنحضرت در روز عاشورا که در آن امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، قیام کند، گویا روز شنبه دهم محرم را می‌نگرم که آنحضرت بین حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام، در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است، اعلام بیعت می‌شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای آنها در نور دیده می‌شود (که زودتر برسند)، پس آنگاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد کند.»^(۳)

۱ - تفسیر صافی، ذیل آیه ۸۶ سوره هود.

۲ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۱.

۳ - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۰.

۱۴ - آیا این پیش بینی قابل اجراء است؟

می‌پرسند: آیا چنین پیش بینی برای آینده در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) از نظر طبیعی و اجتماعی (با توجه به شرایط زمان در همه کشورها)، قابل عمل و یا دست کم امکان پذیر است؟!

پاسخ:

سیر تکاملی بشر که در همه جهان مشاهده می‌شود، بخصوص سیر تکاملی اجتماعی و علمی در میان انسانها، نوید برقراری حکومت مصلح واحد را در آینده به روشنی به ما خبر می‌دهد. از سوی دیگر همه دستگاههای آفرینش به سوی تکامل گام بر می‌دارند، و ما که جزئی از آفرینش هستیم، اقتضای هماهنگی و همدوشی با آفرینش الزام می‌کند که انسانها نیز به سوی یک تکامل بزرگ که در سایه یک حکومت الهی تحت رهبریهای مردی بزرگ و عادل برقرار می‌شود گام بردارند و به نتیجه برسند.

بعلاوه ضرورت‌های اجتماعی، و واکنشهایی که همه روزه در گوشه و کنار جهان در برابر ظلم و تعدی پیدا می‌شود به نوبه خود نیز پلدهای تکاملی به سوی وحدت جهانی تحت حکومت مصلح جهانی را مژده می‌دهند.

در اینجا اضافه می‌کنیم که در فطرت و اعماق وجدان و نهاد انسانها، عدالت خواهی و صلح و صفا و مبارزه با ظلم و هرگونه فساد و تعدی سرشته شده است، و این عامل نیز خواه ناخواه به طور طبیعی و خودجوش، انسانها را به برقراری چنین حکومت ایده‌آل و چنین نظام بهشتی و سراسر صفا سوق می‌دهد و سرانجام در این سیر، توفیق دستیابی به چنین نظامی را پیدا خواهد کرد، تا از نظامهای جهنمی رهائی یابد.

بنابر این: چنین پیش بینی از نظر طبیعی و جامعه شناسی، هم قابل پیش بینی است و هم امکان پذیر است، و هم عملی است. فراز و نشیبهای تاریخ بشر در مسیر طولانی خود شواهد بسیاری را برای جهش و پیروزی در انقلابها و طرحهای بسیار برای زندگی بهتر از نظر روحی و جسمی در آینده که همه را می‌توان پله‌هایی برای دستیابی به انقلاب عظیم جهانی مصلح کل در طول تاریخ بحساب آورد نشان می‌دهد.

ما این مطلب را در مقایسه با هزاران سال قبل که چگونه بشر در رشته‌های بسیار علمی و اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته به خوبی می‌توانیم درک کنیم.

۱۵ - آیا امام علیه السلام برقرار کننده اسلام است؟

می‌پرسند: طبق بعضی از روایات مانند: روایت امام صادق علیه السلام

که فرمود:

«إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَأْتِي بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ
جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛

هنگامی که قائم (عج) نهضت می‌کند، فرمان نو و کتاب نو و

روش نو و دادگاه نو می‌آورد.»^(۱)

آیا با توجه به این روایت، آئین و دینی که امام قائم (عج) برقرار

می‌کند دین دیگر (جدید) غیر از اسلام نیست؟!

پاسخ: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب

مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روینائی، از این روجامعه خیال

می‌کند چیز جدیدی غیر از اسلام است.

به عبارت دیگر: پیرایه‌هایی که در طول تاریخ اسلام توسط

زمامداران نالایق و دیگران به اسلام بسته‌اند، اسلام را طوری کرده،

که اگر امام علیه السلام آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار

سازد مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام،

در صورتی که اسلام واقعی همین است.

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳، و در کتاب کشف الغممه، ج ۳، ص ۳۶۵ آمده: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ.

آری در طول تاریخ اسلام، نفوذ اندیشه‌های بیگانه در اسلام و تجدد گرایی افراطی مسلمین و رخنه فرصت طلبان و داخل کردن طرحهای مبهم به عنوان طرح اسلامی در میان اسلام و تحریفات گوناگون و ... اسلام را مسخ خواهد کرد در این صورت اگر امام قائم (عج) حقیقت اسلام را آشکار می‌سازد، مردم خیال می‌کنند مکتب جدید و روش جدید و دادگاه جدیدی غیر از اسلام به میان آمده است.

در اینجا برای تکمیل این موضوع به روایت زیر توجه فرمائید:
یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: از آنحضرت پرسیدم روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟
امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ، يَهْدُمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛

همان روش پیامبر صلی الله علیه و آله را انجام می‌دهد، روشهای باطل قبل را ویران می‌کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد و اسلام را نوسازی و تکمیل می‌نماید.»^(۱)

بنابراین، انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است، منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر.

ابو بصیر رضی الله عنه یکی از یارن امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم مرا از سخن امیر مؤمنان علیه السلام خبر بده که فرمود:

«إِنَّ الْإِسْلَامَ بُدِئَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ كَمَا بُدِئَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ؛

اسلام در آغاز غریب بود و بزودی همچون آغاز غریب خواهد

شد، خوشا به سعادت غریبان.»

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

«وقتی که امام قائم (عج) قیام کند دعوت به اسلام را از نو شروع

می کند، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت را شروع کرد.»^(۱)

مطلب دیگر اینکه: حضرت قائم (عج) خودش نور و منطق گویا

برای جهانیان است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم ما قیام کند، سراسر زمین بنور پروردگارش

روشن می گردد:

وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛

و مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و تاریکی بطور

کلی از بین می رود.»^(۲)

مرحوم ملاحسن فیض رضی الله عنه در حاشیه تفسیر خود گوید: گویا

منظور از بی نیازی سراسر زمین به نور خورشید و ماه، بی نیاز شدن

۱ - بحار، ج ۵۲ ص ۳۶۷.

۲ - تفسیر صافی، ص ۳۶۹ ذیل آیه ۶۷ سوره زمر، اعلام الوری ص ۳۳۶.

از برهان و دلیل ساطع است چرا که خود وجود امام کافی است و دها و مغزهای همه را نورانی و قبضه می‌کند با توجه به اینکه تمام علوم در زمان غیبت در محور برهان و دلیل است.

و مطابق روایات: امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره و احتجاج می‌کند و با توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل و با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و ... همه آنها به حقانیت امام علیه السلام پی می‌برند و سوگند می‌خورند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام علیه السلام به آنها نشان می‌دهد سرانجام آنها به اسلام حقیقی می‌گروند.^(۱)

در عین حال، با کمال قاطعیت به کتاب خدا قرآن، عمل می‌کند و هرگونه منکرات را نابود می‌سازد.^(۲)

و برای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می‌کند، در حدی که بفرموده امام صادق علیه السلام:

«إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ قَتَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ تِسْعَمَآةً وَ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ؛

وقتی که امام زمان علیه السلام قیام به شمشیر می‌کند (از منحرفان و طاغوتیان و توطئه‌گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می‌رساند.»^(۳)

۱ - بحار، ج ۵۳، ص ۹، و ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۲ - اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۳ - اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۱۶- ادّعی مهدویّت و آمدن آنحضرت چیست؟

پاسخ:

به نظر نگارنده موضوع مدّعیان مهدویّت، و قول به آمدن مهدی (عج) و رفتنش بقدری مضحک است که اصلاً قابل بحث نیست و هیچگونه با قرآن و روایات اسلامی تطبیق نمی‌کند، چنانکه با خواندن این کتاب و مقایسه مطالب آن با وضع زمان، به آن پی می‌برید.

تنها به این مطلب اشاره می‌کنیم که استعمارگران شرق و غرب برای اینکه ثروت بی‌حساب مشرق زمین را برای خود ببرند و چپاول کنند، و از طرفی حسّ مذهبی را در میان مردم این سرزمین‌ها، بسیار قوی دانستند با به وجود آوردن بانی‌گری و بهائی‌گری و قادیانی‌گری و ... خواستند در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد کنند و تفرقه بیندازند و به هدف شوم خود برسند و در این راه گرچه نتیجه مطلوب نگرفتند، اما ضربه‌های بسیار وارد کردند، عرض خود را بردند، اما مسلمانان را در بعضی نقاط به زحمت انداختند، امید آنکه، مسلمانان با هوشیاری بیشتر، ماهیّت استعمارگران و توطئه‌های آنها را بشناسند. و متوجه باشند که آنها از راه عقائد مذهبی مردم را فریب ندهند.^(۱)

۱- بحث بیشتر در این باره در کتاب ارمغان استعمار (تألیف نگارنده) و در کتاب بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۷

به بعد آمده است.

۱۷ - امام علیه السلام در برابر قدرتهای تخریبی

می پرسند: بر همگان روشن است که روز بروز بر کیفیت و کمیت سلاحهای مدرن از موشکهای قاره پیا گرفته تا بمبهای اتمی و هیدروژنی افزوده می شود، و این وسائل در دست استکبار جهانی است، آیا امام زمان علیه السلام می تواند در برابر این قدرتها ایستادگی کند و جهان را تحت حکومت خود آورد؟

پاسخ:

اولاً: اگر از راه اعجاز، نه امور عادی مسأله را بررسی کنیم، که پاسخ سؤال آسان است، چرا که امدادهای غیبی و قدرت مطلق خدا پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود.

و اگر مسئله را از راه عادی و طبیعی بررسی کنیم، پاسخ سؤال فوق این است که مردم دنیا که از ظلم و جور و فساد به ستوه آمده و تشنه مصلح حقیقی هستند، وقتی که ندای چنین مصلحی به گوششان رسید، خودبخود به سوی او جذب می شوند و همه امکانات خود را در اختیار این مصلح قرار می دهند، البته در این صورت هم، امدادهای غیبی به کمکشان خواهد شتافت.

با توجه به امکانات عظیم دنیای اسلام از نظر اقتصادی، نیروی

انسانی، جغرافیائی و استراتژیکی که در مراحل اوّل به امام (عج) می‌پیوندند و منافع اولیّه دنیای استکبار را در اختیار امام علیه السلام قرار می‌دهند، مسأله به راحتی حل خواهد شد.

مثال کوچکش پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ در سرزمین خود ما بود که مردم با رهبری صحیح با مشت‌های خالی همه اسلحه‌های مدرن و پیچیده را در اختیار خود در آوردند، و غول شاهنشاهی را سرنگون نمودند و مشابه این مسئله در دنیا کم نیست مانند: فروپاشی غول کمونیسم در شوروی سابق و نقاط دیگر.

۱۸ - رجعت چیست؟

آیا مردان شایسته پس از مرگ، در عصر حکومت مهدی (عج) زنده خواهند شد؟ و در صف یاران آنحضرت قرار می‌گیرند؟

پاسخ:

رجعت از دیدگاه تشیع یعنی خداوند عده‌ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا بر می‌گرداند، به گروهی از آنان عزّت می‌دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حق مظلومان را از ستمگران می‌گیرد و این جریان پس از قیام مهدی (عج) به وقوع می‌پیوندد.

با توجه به اینکه زنده شدگان کسانی هستند که در حد اعلای ایمان و یادِ حد اعلای کفر و فسادند، پس از مدتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان، دوباره می‌میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می‌شوند.

در قرآن آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارد از جمله آیه ۱۰
سوره مؤمن و ۲۶۰ سوره بقره و ...

روایات هم در این باره به حدّ تواتر (بسیار که موجب علم است) به ما رسیده است.^(۱)

در مورد حضرت ولی عصر (عج) در روایات آمده؛ آن حضرت پس از ظهور، عده‌ای از ظالمان را به اذن خدا از قبرها بیرون می‌کشد و به اذن خدا زنده می‌کند و مجازات می‌نماید.

او یگانه منتقم خون امام حسین علیه السلام است چنانکه در دعای ندبه می‌خوانیم:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا أَيْنَ الْمَنْصُورِ عَلَى
مَنْ اِعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى ... ؛

کجاست طالب خون حسین علیه السلام که در کربلا کشته شد؟
کجاست آن یاری شده تا یاری کند کسانی را که حقشان پایمال

شده است.»

۱- در این باره به کتاب عقائد الامامیه تألیف محمد رضا مظفر (بحث رجعت) ترجمه نگارنده مراجعه شود.

از طرفی در روایات می‌خوانیم: نواده‌های قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کار پدران ظالم‌شان می‌کشد.
امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هنگام قیام امام مهدی (عج) در قبرش خوشحال می‌شود.»^(۱)

و نیز فرمود:

«هنگام رجعت کسانی که مؤمن خالص و کافر خالص هستند زنده می‌شوند و به دنیا بر می‌گردند.»^(۲)

و نیز فرمود:

«در پشت کوفه (نجف) ۲۷ مرد از هدایت شدگان، و از بزرگان اصحاب زنده شده و به امام ملحق می‌شوند.»^(۳)

وقتی که قائم (عج) قیام کرد خداوند همه اذیت‌کنندگان به مؤمنین را زنده می‌کند تا به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤمنان نیز برسد.
و به یکی از یارانش به نام مفضل رضی الله عنه فرمود: تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با قائم (عج) هستید.^(۴)

به این ترتیب می‌بینیم رجعت مؤمنان مخلص و کافران محض، در زمان حضور حضرت قائم (عج) مسلم است.

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۲-۱۰۳.

۲- مدرک پیشین، ص ۱۵۴.

۳- مدرک پیشین، ص ۱۶۴.

۴- مدرک پیشین، ص ۱۴۶.

ضمناً ناگفته نماند که کشتن نواده‌های قاتلان امام حسین علیه السلام با اینکه خودشان در قتل آنحضرت شرکت نداشتند، طبق روایات بخاطر رضایت آنها از ظلم پدرانشان است. و نیز در عصر رجعت، پس از امام قائم (عج)، ائمه دیگر به دنیا بر می‌گردند و یکی پس از دیگری حکومت می‌کنند، حتی وقتی حضرت قائم (عج) از دنیا رفت امام حسین علیه السلام او را غسل می‌دهد.^(۱)

۱۹ - شخص پنجساله چگونه امام می‌شود؟

می‌پرسند: حضرت قائم (عج) هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجری قمری پنج سال داشت و پس از پدر امام بر مردم بود، آیا یک نفر پنجساله می‌تواند امامت کند؟

پاسخ:

اگر کودکی، بخاطر استعدادهای فوق العاده که خدا به او داده، در اوج کمال بود، چه مانعی دارد امام مردم شود، مانند حضرت عیسی علیه السلام که به فرموده قرآن در سن کودکی، پیغمبر و حجّت خدا شد و مانند بوعلی سینا و امثال او.^(۲)

۱ - مدرک پیشین، ص ۱۰۲.

۲ - سوره مریم، آیه ۳۱.

و در دنیا گاهی کودکان استثنائی و نابغه بسیارند مانند: «سید محمد طباطبایی قمی» در عصر ما که در پنج و نیم سالگی حافظ همه قرآن شد، و هم اکنون^(۱) که حدود هفت سال دارد، دروس حوزوی را می‌خواند، و آن چنان بر معانی آیات قرآن، مسلط است، که در گفتگو، با آیات قرآن سخن می‌گوید و به سؤالات جواب می‌دهد.^(۲) و مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می‌دانست و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت^(۳) بسیارند و اینها حکایت از آن می‌کند که چنین چیزی محال نیست وقتی محال نبود قدرت خدا به آن تعلق خواهد گرفت.

ما امامان دیگری مانند امام جواد و امام هادی علیهما السلام نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده‌اند.

۲۰ - چرا اینهمه سخن از مهدی (عج)

می‌پرسند: چرا از حضرت مهدی (عج) آنهمه سخن به میان آمده، پیامبر صلی الله علیه و آله و همه ائمه علیهم السلام در فرصتهای مختلف از آنحضرت سخن

۱ - سال ۱۳۷۶.

۲ - شرح این مطلب را در کتاب «پرتوی از سیره چهارده معصوم علیهم السلام» در فصل زندگی امام جواد علیه السلام (تألیف نگارنده) بخوانید.

۳ - تاریخ علوم، پی‌یر روسو، صفحه ۴۳۲.

گفته‌اند، حتی به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آنحضرت تصریح کرده‌اند... که درباره‌ی هیچیک از ائمه‌ی علیهم‌السلام چنین نیست؟

پاسخ:

این همه توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام به حضرت مهدی (عج) و ذکر ویژگیهای شخص آنحضرت و قیام او... به خاطر چند جهت است:

- ۱- مردم در طول زمان، خود را آماده ظهور آنحضرت کنند و با داشتن هدف مشخص، دنبال آنحضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و بدست صالحان قرار گیرد و این کار با نهضتهای اسلامی عمیق و پی‌گیر قابل اجرا است.
- ۲- ذکر خصوصیات برای آن است که افراد دروغگو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده‌اند، شناخته شوند و رسوا گردند.
- ۳- اهمیت مهدی (عج) و انقلابش که امید همه در همه جهان و تاریخ است، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آنحضرت سخن بسیار به میان آید و قلبها و روحها بنام نامی آنحضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده، آنها حجّت برحق دارند،

رهبری معصوم، پشتیبان آنها است، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچکس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.

و در طول زمان غیبت، با توجه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می‌تواند به نیابت عام آنحضرت، زمام امور و رهبری را بدست گیرد، دریابند که باید نزدیکترین فرد به این خصوصیات و اوصاف، بر مسند نیابت عام آنحضرت بنشینند و به عنوان ولایت فقیه مردم را رهبری کند.

اما اگر این خصوصیات ذکر نمی‌شد و اینهمه اهمیت به آن داده نمی‌شد، مردم در بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی و معنوی، راه را گم می‌کردند و از صراط مستقیم به سوی شرق و غرب پناه می‌بردند.

۲۱ - تکذیب ملاقات با امام زمان علیه السلام

می‌پرسند: با اینکه طبق روایات کسانی را که مدعی دیدار امام زمان (عج) هستند باید تکذیب کرد پس چرا به ذکر نمونه‌هایی از دیدار کنندگان، در این کتاب یا در کتابهایی مانند: بحار الأنوار، اثبات الهداة و کشف الغمه و ... پرداخته شده است؟

پاسخ:

نظر به اینکه: مدعیان در بسیاری از مواقع، می‌خواهند با این ادعا سوء استفاده کنند، چنانکه در تاریخ مکرر دیده شده است.

و نظر به اینکه در بعضی از موارد در زمانهای معاصر امامان علیهم‌السلام و نزدیک به آن، برای حفظ جان، تقیه واجب بوده است و اگر کسی چنین ادعائی می‌کرد در مخاطره قرار می‌گرفت.

و امور دیگر که بر ما پنهان است موجب آن شده که ائمه علیهم‌السلام دستور داده‌اند که هر کس گفت: من امام زمان علیه‌السلام را دیده‌ام، او را تکذیب کنید، و یا اینکه تکذیب مربوط به احکام است، یعنی کسی که حکمی از اسلام را از امام زمان علیه‌السلام نقل کند او را قبول نکنید.

وانگهی داستان دیدار کنندگان نوعاً بعد از مرگشان آشکار شده است، به هر حال اگر سوء استفاده و تقیه و آثار سوء و یا عوامل مهمتری در کتمان نباشد، اظهار آن ظاهراً بی‌مانع خواهد بود (والله أعلم).

۲۲ - قسط و عدل چیست؟

می‌پرسند: در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) بطور تواتر

(بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از

قسط و عدل می‌کند آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است.^(۱)
منظور از «قسط» و «عدل» و فرق بین این دو چیست؟

پاسخ:

واژه «قسط» بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال براساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود، که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد^(۲) که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنی عامی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و ... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.

توسعه عدل و داد در حدی است که طبق بعضی از روایات نخستین گامی که امام قائم (عج) پس از خروج برمی‌دارد این است که سخنگوی آنحضرت به جهانیان اعلام می‌کند:

کسانی که می‌خواهند حج مستحب بجای آورند، حجرالاسود و محل طواف را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار نمایند^(۳) ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است، برآستی چقدر دامنه عدالت گسترش می‌یابد؟

«قسط» و «عدل» هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت «قسط»

۱ - اثبات الهداة ج ۷، ص ۵۱.

۲ - القسط هو النصیب بالعدل (مفردات راغب حرف عین) - القسط اسم للعدل فی القسم (الفروق اللغویة).

۳ - سفینة البحار، جلد ۱، صفحه ۲۲۵.

بخصوص در حکومت اسلامی جای خاصی دارد، مثلاً در اسلام باید بیت‌المال بطور تساوی در بین مستعین، توزیع گردد، شیوه امام علی علیه السلام چنانکه بخوبی در گفتارش در نهج البلاغه پیدا است، همین بوده است، داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهد گویائی بر این مطلب است این همان قسط است.

و در خطبه ۱۲۶ می‌فرماید:

«... وَلَوْ كَانَ الْمَالُ لِي لَسَوَّيْتُ بَيْنَهُمْ فَكَيْفَ وَإِنَّمَا الْمَالُ
مَالُ اللَّهِ؛

اگر مال از شخص من بود، آنرا بطور مساوی تقسیم می‌کردم، تا چه رسد به اینکه مال، از آن خدا است.»

از دیدگاه فقه اسلامی نیز مسئله چنین است، عالم بزرگ شیخ طوسی (ره) در کتاب «خلاف» (باب العین و قسمة الغنیمه) در مسأله ۴۴ گوید:

در بیت‌المال، بین مردم بخاطر شرافت و یا سابقه بیشتر در اسلام و یا دانش و زهد، فرقی نباید گذاشت و شیوه امام علی علیه السلام همین بود... سپس می‌گوید: اسم بیت‌المال، مطلق است و شامل همه مردم می‌شود. محقق عالیقدر صاحب جواهر رحمته الله در جلد ۱۶ نیز همین نظر را بیان می‌کند.

آری در پاره‌ای از موارد بخاطر امور استثنائی، به بعضی بیشتر داده می‌شود، مثلاً در غنائم جنگی که یکی از منابع درآمد بیت‌المال است به جنگجویان پیاده یک سهم و به جنگجویان سواره دو سهم و به جنگجویانی که از یک اسب بیشتر دارند، سه سهم داده می‌شود، ولی این فرق به خاطر مخارج خوراک آن اسبها است، و حاکی از تبعیض در تقسیم بیت‌المال نیست.

ناگفته نماند که منابع بیت‌المال متعدد است:

۱- زکاة

۲- خمس

۳- انفال (غنائم جنگی جزء انفال است).

۴- جزیه (که از اهل کتاب گرفته می‌شود).

۵- خراج؛ مقدار مالی که طبق قرارداد حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می‌شود، آنهم باید از اراضی خراجیه یعنی از زمینهایی که مسلمین به اذن امام معصوم علیه السلام با قهر و غلبه یا از روی مصالحه از کفار گرفته‌اند باشد.

۶- فِئِی (به معنی بازگرداندن است) و منظور اموالی است که بدون زحمت از کفار بازگردانده شده و در اختیار مسلمین قرار می‌گیرد، که طبق آیه ۶ و ۷ سوره حشر این اموال مال خدا و رسول و بستگان پیامبر صلی الله علیه و آله و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه خدا

است، بنابراین فرق است بین فیثی و غنائم جنگی.

(باید توجه داشت که در آمد فیثی، داخل در بیت‌المال نیست و

اختیارش در دست رسول خدا ﷺ و بعد از آنحضرت در

اختیار بستگان آنحضرت است و در زمان غیبت با ولی فقیه

است تا به مصرف تعیین شده برساند.)

به هر حال قسط اسلامی که تقسیم و توزیع عادلانه بیت‌المال

است بدون هیچگونه تبعیضی، در عصر حکومت درخشان امام

عصر (عج) در اختیار مستحقین قرار می‌گیرد^(۱) و به این ترتیب امر

توزیع که از مهمترین و پیچیده‌ترین شاخه‌های اقتصادی است بنحو

عادلانه و احسن صورت می‌گیرد و از شکاف عمیق طبقاتی

جلوگیری می‌نماید.

امروز امر توزیع ثروت در دنیا بقدری مفتضحانه است که مثلاً در

بعضی از کشورهای آفریقائی، مردم دسته دسته از گرسنگی می‌میرند

ولی در آمریکا و اکثر کشورهای غربی هزاران دلار خرج ماهیانه

سگ خانه‌شان می‌نمایند، با توجه به اینکه این دلارها و منابع آنها را

از همین کشورهای ضعیف، مثل زالو مکیده و برده‌اند.

مسلمانان منتظر امام قائم (عج) باید هم اکنون در جهان، این زمینه را

۱ - توضیح بیشتر در این باره در کتاب بیت‌المال در نهج البلاغه، از استاد آیت‌الله حسین نوری (تنظیم

نگارنده) آمده است.

به وجود آورند، یعنی دست استعمارگران و غارتگران جهانی را کوتاه کنند و ثروت‌های کلان خود را برای خود نگهدارند تا قسط و عدل اسلامی که از اهداف مهم امام عصر (عج) است کم‌کم جامه عمل بپوشد و مستضعفان در فکر و عمل و در اقتصاد و توزیع و ... بر سرکار آیند و به حقشان برسند.

۲۳ - آیا قیام امام مهدی علیه السلام مسلحانه است؟

پاسخ:

امام قائم (عج) همچون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نخست اعلان دعوت می‌کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می‌رساند، در این میان عده‌ای دعوتش را می‌پذیرند ولی عده‌ای دیگر کارشکنی و توطئه‌گری کرده و به مخالفت بر می‌خیزند، امام علیه السلام در برابر اینها، قیام مسلحانه می‌کند.

در حدیثی امام جواد علیه السلام فرمود:

«وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاص امام قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می‌سازد (یعنی ظهور می‌کند) و وقتی که این تعداد به ۱۰/۰۰۰ نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلحانه می‌کند (خروج می‌نماید).»^(۱)

۲۴ - منظور از کشته شدن شیطان بدست آنحضرت چیست؟
می پرسند: در قرآن آمده: ابلیس (پدر شیاطین) به خدا عرض کرد: خدایا مرا تا روز قیامت مهلت بده خداوند فرمود: به تو تا روز وقت معلوم مهلت داده می شود.^(۱)

از این تعبیر معلوم می شود در خواست شیطان، اجابت نشده است، و طبق فرموده امامان علیهم السلام منظور از روز وقت معین وقت ظهور امام قائم (عج) است، بنابراین آیا شیطان در این وقت کشته می شود و یا می میرد؟

پاسخ:

ما در روایات می خوانیم شخصی در مورد جمله «یوم الوقت المعلوم» که در آیه مذکور آمده از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، امام علیه السلام فرمود:

وقتی که قائم ما (عج) ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، در این مسجد، شیطان به حضور آنحضرت می آید و زانو به زمین می زند و می گوید:

«يَا وَيْلَهُ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ؛

ای وای از این روز.»

آنگاه امام قائم (عج) موی پیشانی شیطان را می‌گیرد و گردنش را می‌زند و او را به هلاکت می‌رساند، این روز وقت معلوم، (در آیه مذکور) است.^(۱)

بنابر این شیطان کشته می‌شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می‌آید، پس دیگر مردم، آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند شد؟

در پاسخ می‌گوییم: آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته نمی‌شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه‌های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت مهدی (عج) نابود می‌گردد و بجای آن عقل و ایمان حکومت می‌کند، چنانکه در حدیثی دیگر نیز می‌خوانیم:

«در صحف ادریس پیامبر علیه السلام آمده: تو ای شیطان تا زمانی که مقدر کرده‌ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک سازم، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمان (بجای تو) بندگان خالص و پاکدل و با ایمان روی کار آیند آنها را خلیفه و حاکم زمین می‌کنم و دینشان را استوار می‌سازم، که آنها تنها مرا می‌پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی‌دهند، در آنروز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره

را نابود می‌نمایم.»^(۱)

به این ترتیب می‌فهمیم در آن زمان دیگر حنای شیطان و بچه‌هایش رنگ ندارد، و در برابر بندگان مخلص خدا به رهبری حضرت حجت (عج) همچون خفاشهایی در برابر خورشید تابناک عالماند، نتیجه می‌گیریم مرگ شیطان فرا رسیده است.

۲۵ - حکومت قائم علیه السلام و پیشرفت علم؟

می‌پرسند: صنعت در ابعاد گوناگون روز بروز در حال ترقی و پیشرفت است، آیا در حکومت مهدی (عج) این پیشرفت صنعتی متوقف می‌شود و یا ادامه می‌یابد؟

پاسخ:

حکومت امام مهدی (عج) از متن اسلام راستین سرچشمه می‌گیرد و اسلام نه تنها با پیشرفت صنعت و هر علم دیگری که مانع کمال و رشد انسانها نمی‌گردد مخالف نیست، بلکه مؤید آن است. آری اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت امام مهدی (عج) شدیداً با آن مخالفت می‌کند.

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ - توضیح بیشتر اینکه کشته شدن و نابودی شیطان همانند کشته شدن و نابودی

ما نیست، شیطان مثل ما جسم ندارد تا کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می‌باشد.

حکومت حضرت مهدی (عج) مؤید پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار رود.

برای اینکه اوج پیشرفت زمان حکومت حضرت مهدی (عج) را دریابیم به دو روایت ذیل توجه فرمائید:

۱ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا أَقَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ
أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ؛

وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند شنوائی گوشها و بینائی چشمهای شیعیان ما را به گونه‌ای زیاد می‌کند که دیگر بین آنها و امام قائم (عج)، پیک پست نخواهد بود. یعنی آنها مستقیماً در هر کجا باشند با امام علیه السلام تماس می‌گیرند.»^(۱)

شاید بتوان گفت: این روایت از تلویزیونهای دو طرفه و دارای تلفن، سخن می‌گوید، و احتمال دارد که منظور، وسعت دید و اندیشه شیعیان در آن عصر باشد.

مطلب اول را روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده تایید می‌کند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ يَرَىٰ أَخَاهُ
بِالْمَغْرِبِ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَىٰ أَخَاهُ بِالْمَشْرِقِ؛

در عصر حکومت قائم (عج) مؤمنی که در شرق جهان است
برادرش را که در غرب جهان است می‌بیند و به عکس مؤمنی
که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است
می‌بیند.»^(۱)

روشن است که: دیدن این چنین، حکایت از وجود صنایع
پیشرفته می‌کند.

۲ - و در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود:

«ذوالقرنین (که شرحش در قرآن در اوائل سوره کهف آمده) در
میان دو نوع ابر مخیر گردید او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که
خشن و سرکش است برای صاحب شما (امام قائم (عج))
ذخیره شده است.

روایت کننده پرسید ابر خشن و سرکش چیست؟

فرمود: ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است
صاحب شما (امام قائم «عج») بر آن سوار می‌شود و در
پله‌های آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه بالا می‌رود.»^(۲)

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۳.

۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.

به این ترتیب می‌بینیم در این روایت اشاراتی به فضا پیمایان بسیار سریع و تندر و که قدرت وصول به آسمانهای هفتگانه را دارند شده است، اینها و روایاتی از این قبیل ما را به پیشرفت عجیب صنعت در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) رهنمون می‌سازد، البته صنعت مثبت نه منفی.

۲۶ - حکومت مهدی (عج) و تشریفات؟

می‌پرسند: تشریفات و اسرافکاری در دنیای روز انسانها را خسته کرده و به زحمت انداخته است، بخصوص در دنیای غرب، مد و مدپرستی، همه زندگی آنها را گرفته و دیگر فکر و ذهن اکثر آنها جز به این امور، کشش دیگر ندارد، آیا در زمان حکومت امام مهدی (عج) این گونه تشریفات برجیده می‌شود؟

پاسخ:

صد در صد مثبت است، در آن عصر، هرگونه اسراف و اتراف و تشریفات حرام است و در همه چیز سادگی و زهد و پارسائی که اساس پرواز در فضای معنویت است دیده می‌شود، چنانکه اسلام از اول این روش را آورده است.

در این مورد مفضل رضی الله عنه یکی از شاگردان امام صادق رضی الله عنه گوید:

«در سفر حج، در مراسم طواف خانه کعبه در حضور امام صادق علیه السلام بودم، مرا دید و فرمود: ترا غمگین و رنگ پریده می بینم؟

عرض کردم: فکرم در این باره مغشوش است که حکومت و سلطنت در دست زمامداران ستمگر عباسی است و همه امکانات و زرق و برق در اختیار آنهاست، اگر حکومت در دست شما بود ما هم به طفیل شما از آن بهره مند می شدیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أَمَا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيَّاسَةَ اللَّيْلِ وَ سِيَاحَةَ النَّهَارِ وَ أَكَلَ الْجَشَبِ وَ لَبَسَ الْخَشِنِ شِبْهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ إِلَّا فَالْتَارُ فَتَرَوِي ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَ نَشْرِبُ وَ هَلْ رَأَيْتَ ظِلَامَةً جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً؛

اگر حکومت در دست ما بود، شبها به عبادت و نگهبانی و رسیدگی به پرونده های امور مردم و روزها به جهاد و تأمین نیازهای مردم می پرداختیم، و به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن اکتفا می کردیم، همانند زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام، در غیر این صورت سرانجام ما آتش دوزخ بود، اکنون که حکومت در دست ما نیست، ما به طور متعارف (نه ساده) می خوریم و می نوشیم، آیا مظلومیتی را دیده ای که

خداوند آن را نعمت قرار داده باشد؟» (یعنی: اکنون که حکومت ما غصب شده، در لباس و خوراک و زندگی، راحت تر هستیم).^(۱)

نظیر این روایت در گفتگوی امام صادق علیه السلام با معلی بن خنیس رضی الله عنه در روایات آمده است.^(۲)

۲۷- آیا تلفظ بنام مقدّس حضرت قائم (عج) جایز است؟

پاسخ:

مشهور بین جمعی از محدّثان و راویان آن است که تکلم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام است ولی تلفظ به القاب آنحضرت مانند مهدی، حجّت، قائم و ... حرام نیست.

اینک این سؤال پیش می‌آید آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صغری بوده است همانگونه که علامه مجلسی (در جلد ۱۳ بحار، چاپ قدیم) از بعضی از علماء نقل کرده و یا در هر زمان و مکانی تا موقعی که حضرتش ظهور کند حرام است؟ و یا اینکه حرمت تلفظ نام مقدّس آن حضرت بستگی به موارد خاصی مانند تقیه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقیه نباشد جایز است؟

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۹.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۰.

و آیا این مسئله اختصاص به آن بزرگوار دارد یا درباره سایر امامان علیهم السلام نیز جاری است؟

دانشمند معروف شیعه، علامه عالی‌مقام شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه در آغاز و آخر بابی که به همین عنوان در کتاب مذکور اختصاص داده. ^(۱)

همین قول را انتخاب کرده که در مورد تقیه و خوف، تلفظ بنام آنحضرت حرام است و در غیر موارد تقیه و خوف حرام نیست. ^(۲)

بررسی روایات این مسأله:

ما در اینجا نخست به تجزیه و تحلیل و بررسی روایاتی که در این مورد رسیده می‌پردازیم و پس از نتیجه‌گیری نظر خود را خاطر نشان خواهیم ساخت.

روایاتی که در این مورد به ما رسیده، پس از بررسی به چهار قسم تقسیم می‌شوند:

۱- قسم اول روایات:

پاره‌ای از روایاتی که در این مورد رسیده، دلالت دارند که تلفظ

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۵، (ط جدید) باب ۲۳.

۲- باید توجه داشت که منظور از نام اصلی همان هنام بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله است.

نام مبارک حضرت ولی عصر (عج) به طور مطلق (در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی) بی آنکه جای تقیّه باشد حرام است و در این قسم روایات، علّت خاصی ذکر نشده است، در اینجا بذکر چند نمونه از این قسم روایات می پردازیم.

۱ - مرحوم کلینی رحمته الله از علی بن رئاب رحمته الله نقل می کند که امام

صادق رحمته الله فرمود:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ إِلَّا كَافِرًا؛

نام مبارک صاحب این امر (حضرت ولی عصر «عج») را هیچ

کس جز شخص کافر نمی برد.»^(۱)

۲ - و نیز مرحوم کلینی از رئان بن صلت نقل می کند که گفت:

«سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَاءَ رحمته الله وَ سُئِلَ عَنِ الْقَائِمِ قَال:

لَا يَرَى جِسْمَهُ وَلَا يُسَمِّي إِسْمَهُ؛

از حضرت رضا رحمته الله در مورد سؤالی که پیرامون حضرت

قائم (عج) شده بود شنیدم فرمود: جسمش دیده نمی گردد، و

نامش برده نمی شود.»^(۲)

۳ - مرحوم صدوق رحمته الله در کتاب اکمال الدین از صفوان بن مهران

نقل می کند که شخصی از امام صادق رحمته الله پرسید: مهدی (عج) که از

فرزندان تو است کیست؟

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۵.

فرمود:

«الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي السَّابِعُ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصَةً
وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَّتُهُ؛

مهدی پنجمین امام از فرزندان امام هفتم است وجود مقدسش از

شما پنهان می‌شود و برای شما بردن نام او جایز نیست.»^(۱)

۴ - نیز مرحوم صدوق علیه السلام در کتاب نامبرده از محمد بن عثمان بن

عمری علیه السلام نقل می‌کند که گفت: برایم دستخطی (توقیع) پدیدار شد که با

آن دستخط آشنا بودم^(۲)

به این عبارت:

«مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

کسی که در میان اجتماع مردم، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او

باد.»^(۳)

۵ - مرحوم صدوق علیه السلام در کتاب کمال الدین از حضرت عبدالعظیم

حسنی علیه السلام نقل می‌کند که امام محمد تقی علیه السلام درباره حضرت قائم (عج)

فرمود:

«يُخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتِهِ وَ يُغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصَةً وَ

تَحْرُمُ تَسْمِيَّتُهُ وَ هُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ كُنْيَتِهِ؛

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۱۱.

۲ - که نویسنده‌اش حضرت ولی عصر (عج) است.

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۳.

تولد آنحضرت بر مردم مخفی است، وجود او از انظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می‌باشد، او هم نام و هم کنیه، رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است»^(۱).

و روایات دیگری که در این معنی به ما رسیده است.

۲- قسم دوم از روایات:

پاره‌ای از روایات که در این مورد وارد شده به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آنحضرت تا موقعی که قیام می‌کند و سراسر زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از عدل و داد می‌نماید، اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می‌کنیم:

۱- علامه مجلسی رحمته الله در کتاب بحارالانوار از محمد بن زیاد از دی رضی الله عنه نقل می‌کند که امام موسی بن جعفر رضی الله عنه هنگامی که از امام قائم (عج) سخنی به میان آمد فرمود:

«خَفِيَ عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَلَا يَجِلُّ لَهُمْ تَسْمِيَتُهُ حَتَّى يُظْهِرَهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا؛

تولد حضرت قائم (عج) بر مردم پنهان است، نام بردن او برای آنان جایز نیست تا وقتی که خداوند متعال او را ظاهر کند، و

به وسیله او زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شده پر از

عدل و داد نماید.»^(۱)

۲ - علامه مجلسی رحمته الله از حضرت عبدالعظیم حسنی روایت می‌کند

که امام هادی (عج) درباره حضرت قائم (عج) فرمود:

«لَا يَحِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِ حَتَّىٰ يَخْرُجَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ
عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ... ؛

یاد کردن حضرت قائم (عج) بنام جایز نیست تا وقتی که

نهضت کند و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده پر از

عدل و داد نماید.»^(۲)

۳ - مرحوم کلینی رحمته الله به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم

جعفری رحمته الله نقل می‌کند که امام باقر رحمته الله در ضمن حدیثی فرمود:

«وَ أَشْهَدُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ لَا يُسْمَى وَلَا يُكْنَى
حَتَّىٰ يُظْهِرَ أَمْرَهُ فَيَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا إِنَّهُ الْقَائِمُ
بِأَمْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام ؛

گواهی می‌دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری رحمته الله که

نام و کنیه‌اش برده نمی‌شود تا قیامش ظاهر گردد، زمین را

همان گونه که پر از جور شده پر از عدل و داد کند، اوست که به

امر جانشینی از امام حسن عسکری رحمته الله می‌پردازد.»^(۳)

۱ - بحار، ج ۵۱

۲ - بحار، ج ۵۱

۳ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۳.

۴- مرحوم صدوق در کتاب اکمال الدین به سند خود از حضرت عبدالعظیم حسنی نقل می‌کند که وی (حضرت عبدالعظیم) اعتقادات خودش را در محضر امام هادی علیه السلام عرضه داشت و (در ضمن) به امامان یکی پس از دیگری بنام اقرار کرد تا اینکه به امام دهم عرض کرد: ای سرور من! پس از اینها امام من شما هستید؟
حضرت فرمود:

«وَمِنْ بَعْدِي إِبْنِي الْحَسَنِ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ؟

قُلْتُ: فَكَيْفَ ذَلِكَ؟

قَالَ: لِأَنَّهُ لَا يُرَى شَخْصُهُ وَلَا يُحِلُّ ذِكْرَهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا - إِلَى أَنْ قَالَ - هَذَا دِينِي وَدِينِ آبَائِي؛

امام بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است، پس حال مردم نسبت به جانشین بعد از او چگونه است، عرض کردم: (برای چه؟) چگونه است؟

فرمود: زیرا او دیده نمی‌شود و بردن نامش جایز نیست تا وقتی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید - تا اینکه فرمود - دین و عقیده من و پدرانم همین است. ^(۱)

۳- قسم سوّم از روایات:

پاره‌ای از روایات دلالت دارند که نام بردن حضرت مهدی (عج) جایز نیست و در همین روایات عدم جواز نام بردن حضرت به خوف و ترس از ضرر تعلیل شده است به عنوان نمونه به این چند روایت ذیل دقت کنید:

۱- مرحوم کلینی رحمته الله به سند خود از علی بن محمد از ابو عبدالله صالحی رحمته الله نقل می‌کند که گفت: پس از درگذشت امام حسن عسکری رحمته الله، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی (عج) را سؤال کنم (پس از سؤال) جواب آمد:

«إِنْ دَلَلْتُمْ عَلَى الْإِسْمِ إِذَا دَعَوْهُ وَإِنْ عَرَضُوا الْمَكَانَ دَلُّوا عَلَيْهِ»

اگر آنها را به اسم حضرت مهدی (عج) آگاه سازید آن را ظاهر

می‌سازند، اگر مکانش را بشناسند برضد او اقدام می‌کنند.»^(۱)

حدّث بزرگ شیخ حرّ عاملی رحمته الله پس از نقل این حدیث می‌گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمه اطهار رحمته الله از نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲ - نیز مرحوم کلینی رحمه الله از عبداللّه بن جعفر حمیری رحمه الله نقل می‌کند: که شخصی از محمد بن عثمان رحمه الله (نایب خاص دوم) پرسید: آیا جانشین حضرت امام حسن عسکری علیه السلام را دیده‌ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند، تا اینکه پرسید اسمش چیست؟
در پاسخ گفت:

«فَالِاسْمُ مَحْرَمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي
فَلَيْسَ لِي أَنْ أُحِلَّ وَلَا أُحْرِمَ وَلَكِنْ عَنْهُ عليه السلام فَإِنَّ الْأَمْرَ
عِنْدَ السُّلْطَانِ أَبِي مُحَمَّدٍ مَضَى وَلَمْ يَخْلُفْ وَوَلَدًا (إِلَى أَنْ
قَالَ) وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْمُ وَقَعَ الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْسُكُوا
عَنْ ذَلِكَ؛

اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی (عج)، پرسش کردن از آن، بر شما حرام است، این را از پیش خود نمی‌گوییم، برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم ولی حکم امام را گفتم، زیرا زمامدار وقت چنین تصور می‌کند که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی بجای نگذاشت تا اینکه گفت: هرگاه نام حضرت مهدی علیه السلام برده شود نتیجه‌اش طلب کردن (دشمنان) از اوست، پرهیزید از خدا و از این مطلب دم فروبندید.»^(۱)

این روایت همانند روایتی است که با صراحت و روشنی دلالت دارد بر اینکه نهی از نام بردن حضرت، به خاطر خوف و رسیدن ضرر به آن بزرگوار است، چه آنکه وقتی نام او شناخته شد، دنبالش به جستجوی او خواهند پرداخت از این رو امام علیه السلام از بردن نام آنحضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آنحضرت بطور مبهم رد شده، تا کسی که آن را نمی داند به آن مطلع نشود، لذا کسی که می داند بر او اظهار آن نام حرام است.

۳ - مرحوم صدوق رحمته الله در اکمال الدین از علی بن عاصم کوفی رحمته الله نقل می کند که در میان توقیعات (دستخطهای) امام زمان علیه السلام این جملات پدیدار شده:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَن سَمَّانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ؛

مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم
ببرد.»^(۱)

اینکه حضرت شمول لعنت را مقید بنام نموده در میان اهل سنت (و بنی عباس) دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها نام بردن آنحضرت جایز است.

بنابر این که بگوئیم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد (بنابراین) نهی امام علیه السلام به خاطر رعایت تقیه است.

۴ - نیز مرحوم صدوق علیه السلام از محمد بن همام علیه السلام نقل می‌کند که: محمد بن عثمان عمری گفت:

«خَرَجَ تَوْقِيعٌ بِخَطِّ عَرَفْتُهُ مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛

در توقیعی که آن را می‌شناختم از حضرت ولی عصر (عج) است چنین پدیدار شد: کسی که نام مرا در میان جمعیتی از مردم ببرد لعنت خدا بر او باد.»^(۱)

دلالت این حدیث بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) مخصوص موارد خوف و ضرر است همانند دلالت حدیث قبل است.
۵ - علامه مجلسی علیه السلام نقل می‌کند که ابن خالد کابلی علیه السلام گفت:

«هنگامی که امام سجاده علیه السلام از دنیا رفت، به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم قربانت گردم حتماً اخلاص و انس و الفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می‌شناسی.»^(۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: آری راست می‌گوئی اینک منظورت چیست؟

عرض کردم: قربانت گردم، پدرت آن چنان صاحب این

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۳ از باب ۳۳.

۲ - معمولاً در این گونه احادیث منظور از مردم (ناس) اکثریت مردم آن عصر که مخالفان امامان بودند

امر (حضرت مهدی (عج) را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی بینم دستش را می‌گیرم.

حضرت فرمود: ای ابو خالد منظورت چیست؟

گفتم: می‌خواهم نام حضرتش را برایم بگوئی تا او را بنام بشناسم.

فرمود:

«سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا أَبَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُّجْهِدٍ وَ لَقَدْ
سَأَلْتَنِي بِأَمْرِ مَا كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لِيُحَدِّثَكَ وَ لَقَدْ
سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرِ لَوْ أَنَّ بَيْتِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلَيَّ
أَنْ يَقَطِعُوا بَضْعَتَهُ؛

ای ابو خالد به خدا سوگند از من سؤال ناراحت کننده‌ای می‌پرسی، از موضوعی می‌پرسی که به کسی از آن خبر نداده‌ام تا بتو خبر دهم، از مطالبی سؤال می‌کنی که اگر فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام او را می‌شناختند حرص آن داشتند که او (حضرت مهدی) را قطعه قطعه کنند.»^(۱)

این که می‌گوید اگر فرزندان فاطمه علیها السلام او را می‌شناختند ... دلالت دارد بر این که عده‌ای از آنها قصد ضرر رساندن به حضرت مهدی (عج) را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر علیه السلام آنحضرت را به نام یاد نکرد تا نامش پوشیده بماند و شناخته نشود.

و دستهای مخالفان به آنحضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدّسش ضرری برسد ...

نتیجه اینکه: روایات قسم سوّم بیانگر این است که پوشاندن نام حضرت مهدی (عج) به خاطر امر تعبّدی خاص نیست، بلکه تنها بملاک تقیّه (با آن شرایطی که دارد)، می باشد.

۴- قسم چهارم از روایات:

پاره‌ای از روایات که در این مورد به ما رسیده دلالت دارند که خود ائمه اطهار علیهم‌السلام یا اصحابشان در موارد متعدّدی حضرت مهدی (عج) را بنام یاد کرده‌اند.

بی آنکه ائمه علیهم‌السلام اصحاب خود را از این کار نهی کنند به این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می‌کند دقت کنید:

«إِنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ بَعَثَ إِلَى بَعْضِ مَنْ سَمَّاهُ، شَاهِدًا مَذْبُوحَةً وَقَالَ: هَذِهِ مِنْ عَقِيْقَةِ ابْنِي مُحَمَّدٍ؛

حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام برای بعضی از افراد که نام آنها را برده، گوسفند ذبح شده‌ای را فرستاد و فرمود: این گوسفند عقیقه^(۱) فرزندم محمد (حضرت مهدی (عج)) است.»^(۲)

۱- گوسفندی را که به عنوان حفظ نوزاد و طفل از گزند حوادث قربانی می‌کنند عقیقه می‌گویند (وسائل

الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹ - حدیث ۱۵، باب ۳۳).

۲- مدرک پیشین، حدیث ۱۶.

این روایت دلالت دارد که ائمه علیهم السلام صریحاً اسم حضرت مهدی (عج) را می بردند و ضمناً اجازه به دیگران نیز داده اند.

۲ - مرحوم صدوق نقل می کند: ابوغانم خادم گفت:

«وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام مُوَلُودٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا وَ عَرَضَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّالِثِ وَقَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ (عج)؛

برای امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را محمد نامید، روز سوم او را به اصحاب خود نشان داده و فرمود: این نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم «عج» همین است.»^(۱)

این حدیث گرچه دلالت آشکار ندارد که ائمه اطهار علیهم السلام نام مبارک حضرت مهدی (عج) را برده اند، ولی اگر نام بردن آنحضرت ممنوع بود ابوغانم خادم، نام او را بر زبان نمی آورد، بلکه این حدیث «بطور اجمال» دلیل آن است که امام حسن عسکری علیه السلام برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی (عج) کرده است.

۳ - مرحوم صدوق رحمه الله از مرحوم کلینی رحمه الله و او از اعلان بن رازی رحمه الله و او از بعضی اصحاب نقل می کند:

«وقتی همسر حضرت امام عسکری علیه السلام باردار شد، امام حسن علیه السلام به او فرمود:

سَتَّحْمِلِينَ وَلَدًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي؛

بزودی پسری را حمل می‌کنی که نامش «محمد» است قائم بعد از من اوست.»^(۱)

نقل این احادیث بطور اجمال گواه برجواز نام بردن آنحضرت است.

۴ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله از ابن نصره رحمه الله و او از امام باقر رحمه الله نقل می‌کند که جابر بن عبدالله انصاری رحمه الله گفت:

«در نزد حضرت فاطمه زهراء رحمها الله صحیفه درخشانی یافتیم که در آن نام ائمه اطهار رحمهم الله از فرزندانش مذکور بود، آنگاه جابر آنها را به ردیف خواند تاگفت:

أَبُو الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ الْقَائِمِ،
أُمُّهُ جَارِيَةٌ إِسْمُهَا نَرْجِسٌ؛

ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکری، حجت خدا بر آفریده‌هایش که قائم است، مادرش کنیز و نرجس نام داشت.»

نقل کردن همه راویان این روایات به اضافه جابر، دلیل آن است که چنین نیست که نام بردن حضرت مهدی (عج) بطور کلی در همه جا و همه حالات ممنوع می‌باشد.

۵- نیز مرحوم صدوق علیه السلام از ابن جارود علیه السلام و او از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی علیه السلام روی منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم خروج و قیام می‌کند سپس اوصاف و احوال حضرت قائم (عج) را تشریح کرد و آنگاه فرمود:

لَهُ اسْمَانِ، إِسْمٌ يُخْفَى فَأَحْمَدٌ وَأَمَّا الَّذِي يُغْلَبُ فَمُحَمَّدٌ...؛

او دو نام دارد یک نامش پنهان است که عبارت از احمد می‌باشد، اما نام دیگری که آشکار است محمد است.^(۱)

این روایت دلالت دارد که تصریح بنام حضرت به گفتن محمد، حتی بالای منبر جایز است.

۶- نیز مرحوم صدوق علیه السلام با اسناد بسیار از حسن بن محبوب علیه السلام و او از ابن داود علیه السلام و او از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که جابر علیه السلام گفت:

«بمضور حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب شده در مقابل او لوح و صفحه‌ای دیدم که در آن نامهای اوصیاء از فرزندان آن بانوی بزرگوار مذکور بود، شمردم دوازده نفر بودند که آخر آنها حضرت قائم (عج) بود.

«ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَارْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ؛

نام سه نفر از آنها محمد بود (یعنی امام پنجم و امام نهم و امام مهدی (عج) و نام چهار نفر آنها علی بود یعنی امام اول و چهارم و هشتم و دهم).»^(۱)

۷ - نیز مرحوم صدوق علیه السلام از مفضل بن عمر رضی الله عنه نقل می‌کند که

گفت:

به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: برای ما ائمه بعد از خود را معرفی بفرمائید، فرمود:

«الْإِمَامُ بَعْدِي إِبْنِي مُوسَى وَالْخَلْفُ الْمَأْمُولُ الْمُنْتَظَرُ

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى؛

امام بعد از من فرزندان موسی علیه السلام است، جانشینی که مورد آرزو

و انتظار مردم است، او محمد فرزند حسن، فرزند علی، فرزند

محمد، فرزند علی، فرزند موسی می‌باشد.»^(۲)

۸ - علامه طبرسی رحمته الله در کتاب اعلام الوری از محمد بن عثمان

عمری رضی الله عنه و او از پدرش نقل می‌کند که امام عسکری علیه السلام در خبری که

از پدرانش نقل می‌فرمود بیان داشت:

«زمین هیچگاه خالی از حجت خدا بر مخلوقاتش نیست

۱ - مدرک پیشین، حدیث ۲۰.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، حدیث ۱۹.

و کسی که از دنیا برود ولی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است، و این مطلب حق است همانگونه که روز، حق است.

شخصی از آنحضرت پرسید: امام و حجت بعد از تو کیست؟
فرمود:

إِنِّي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي فَمَنْ مَاتَ وَلَمْ
يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

پسرم محمد امام و حجت بعد از من است کسی که از دنیا برود ولی او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است. (۱)

و روایات دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علامه بزرگوار شیخ حرّعاملی رحمته الله :

محدث و دانشمند معروف شیخ حرّعاملی صاحب کتاب وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف، مطلب بسیار خوبی گفته است آنجا که می گوید:

«دریاره تصریح بنام حضرت مهدی (عج)، امر بنام بردن آنحضرت به طور عموم، یا خصوص، یا صراحت، یا با اشاره ابتداء، و یا به

عنوان تقریر و بیان کردن، در روایات و زیارتها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میت و ... جداً بسیار است.»^(۱)

و در پاروقی (وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹۲) به نقل از شیخ حرّعاملی رحمته الله آمده: جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و ... تصریح بنام حضرت مهدی (عج) کرده‌اند که از آنها علامه حلی رحمته الله و محقق رحمته الله و مقداد رحمته الله و سید مرتضی رحمته الله و شیخ مفید رحمته الله و ابن طاووس رحمته الله و ... می‌باشند، ولی علمایی که نام بردن آنحضرت را حرام دانسته کم هستند، ما این مطالب را در رساله جداگانه‌ای بحث کرده‌ایم. این بود آنچه که در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است.

شکی نیست که قول به حرمت نام بردن آن حضرت (عج) تعبداً، سخنی خالی از تحقیق است، گرچه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده‌اند، بلکه ظاهر آن است که: ممنوعیت نام بردن آنحضرت بستگی به وجود ملاک تقیّه دارد، ولی در غیر موارد تقیّه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست.

ایرادی بر کلام علامه مجلسی رحمته الله

آنچه علامه مجلسی پس از ذکر پاره‌ای از روایات که دلالت

بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت تا هنگام ظهورش دارد^(۱) می‌گوید:

«قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصر (عج) مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آن را به اتکا برخی علل استنباط کرده و با استبعاد و همی اختصاص به این زمان داده‌اند» جداً مردود است، چه آنکه دانستی که این اختصاص به اتکاء علل استنباط شده و استبعاد و همی نیست بلکه در روایات متعدّد که کمتر از روایات دیگر نیست تصریح به عدم اختصاص ممنوعیت بردن نام آنحضرت به عصر غیبت صغری شده است، به اضافه روایاتی که به روشنی دلالت بر جواز و تصریح بنام آنحضرت دارند (که در قسم چهارم از روایات، آنها را شناختی که از نظر عدد زیادتر و از نظر دلالت قوی‌تر از روایات دیگر بودند).

نتیجه بحثها:

کوتاه سخن آنکه: ممنوعیت و حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به خوف و ترس رسیدن ضرر به خود آنحضرت یا طبق میزانهای معتبری که در تقیه گفته شده دارد و در غیر مورد تقیه جایز است بچند دلیل:

۱ - این مطلب (حرمت در موارد تقیه، جواز در غیر آن موارد) یگانه

۱ - علامه مجلسی رحمته الله این اخبار را در بحار طبع جدید، ج ۵۱ از ص ۲۱ به بعد آورده است.

راه جمع بین روایات و حمل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقید می‌باشد، (به عبارت روشنتر) روایات مطلق (بدون قید) یعنی همان قسم اول از روایات و قسم دوم نیز که خاطر نشان شد^(۱) به وسیله قسم سوم که دلالت داشتند بر این که حرمت نام بردن حضرت مهدی (عج) بستگی به موارد تقیه دارد، مقید می‌گردد نتیجه اینکه منظور از عدم جواز نام بردن، در قسم اول و دوم از روایات در مورد تقیه است.

و اگر این راه را نپذیریم (طبق دستور تعارض روایات) وقتی که قسم اول و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردند از اعتبار ساقط می‌شوند اگر گفتیم که هر یک از این اقسام به حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند.^(۲)

بنابر این که اسناد این روایات ظنی است (نه قطعی) قائل به تخییر (و انتخاب هر کدام از روایات) می‌شویم و در این صورت نیز حکم، به جواز تصریح به نام حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

قوی‌ترین قرائن و علائم بر صحت راه جمعی که خاطر نشان ساختیم قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت را داشتند.

کاش می‌دانستم که قائل به حرمت نام حضرت قائم (عج) بطور

۱- با توجه به اینکه قسم دوم از روایات از جهت خوف، مطلق بودند.

۲- در صورت تساقط، اصل، عدم حرمت نام بردن است.

مطلق در همه شرایط و زمانها درباره این روایات قسم چهارم که جداً بسیار هستند چه می‌گویند؟ آیا طرد و نادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیاری از اصحاب ما بر طبق آن روایات است، آیا ممکن است که در مقام تعارض غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟ چنین نیست، بلکه هیچ راه حلی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۲- احادیث بسیاری از طرق اهل بیت علیهم‌السلام و اهل تسنن وارد شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی (عج) همان اسم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و کنیه حضرت مهدی (عج) نیز همان کنیه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد.

و روشن است که این مطلب در قوه و ردیف نام بردن حضرت مهدی (عج) است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آنحضرت را دارند آن است که این ممنوعیت باید طوری باشد که انسانهای مورد خطاب ندانند که اسم شریف آنحضرت چیست، نه اینکه محض تلفظ بنام آنحضرت ممنوع باشد.

مگر این که گفته شود: گرچه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند نام حضرت مهدی (عج) چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفظ بنام امام علیه‌السلام را حرام

می‌دانند نه دلالت بر آن را اگر چه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد (دقت کنید).

۳- قول به حرمت تلفظ بنام شریف آن حضرت بی آنکه موارد تقیّه یا محذور دیگری باشد یا قول به جواز تلفظ به لفظ کنائی که دلالت بر اسم می‌کند و یا مثل: «م ح م د» احتیاج به تعبّد به اسم کنایه مانند کدورتی در تلفظ اسم آنحضرت است با اینکه تلفظ به اسم او به کنایه مانند این که بگوئیم او همنام رسول خدا ﷺ است یا با حرفی از هم جدا (م ح م د) جایز است، با فرض این که در ظاهر حتماً هیچگونه محذوری در کار نیست، آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفظ به اسم در همه جا یا جواز تلفظ با آن با کنایه گرچه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تأیید گفتار خود قرار دهیم.

نیز این مطلب را تأیید می‌کند بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه علیهم‌السلام دیگر غیر از امام قائم (عج) در مورد تقیّه وارد شده‌اند، بنابراین حکم عدم جواز، اختصاص به اسم شریف آنحضرت ندارد.

مانند روایتی که مرحوم کلینی رحمته‌الله با اسناد زیاد از عنبسه نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِيَّاكُمْ وَ ذِكْرَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَإِنَّ النَّاسَ لَيْسَ شَيْئُ
أَبْغَضُ إِلَيْهِمْ مِنْ ذِكْرِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ؛

پرهیز کنید از بردن نام امام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام چه آنکه
چیزی برای مردم مانند ذکر نام علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مبنغوضتر
نیست.»^(۱)

عجیب این که مطابق با آنچه از مرحوم صدوق رحمته الله حکایت شده،
ایشان بعد از اقرار به این که در روایت لوح^(۲) تصریح بنام مهدی (عج)
شده است گوید:

«این حدیث با تصریح بنام آنحضرت وارد شده ولی نظر من آن
است که از نام بردن او نهی شده است.»
قبلاً دانستی که تصریح به نام شریف آنحضرت منحصر به روایت
لوح بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنها
تصریح به اسم شده بود نیست، با این حال معلوم نیست که چرا
مرحوم صدوق رحمته الله قول به جواز را در غیر موارد تقیّه اختیار نکرده،
همان گونه که صاحب وسائل اختیار کرده است و این قول به جواز
از بیان بسیاری از اصحاب ظاهر می شود.

شاید مرحوم صدوق عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۲۸۶.

۲- روایت ششم از قسم چهارم از روایاتی که قبلاً ذکر شد.

گرچه قول به عدم جواز موافق احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند.

خلاصه اینکه: جداً این احتیاط ضعیف است و رعایت آن واجب نیست.

کوتاه سخن اینکه: از همه مطالبی که خاطر نشان گردید، استفاده می‌شود که بردن نام شریف حضرت مهدی (عج) که عبارت از محمد (عج) فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیّه نیست جایز است.^(۱)

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمّه عالم بزرگ تشیع (علی بن عیسی اربلی) نیز همین است چنانکه در کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۴۳۸، گوید: «فتوای من این است که منع تلفظ بنام مهدی (عج) (محمد) از روی تقیّه بوده است ولی اکنون اشکال ندارد.» (وَاللَّهُ أَعْلَمُ).



۱ - این فصل ترجمه مقاله‌ای است از کتاب «القواعد الفقهیه» جلد سوم، صفحه ۱۲۴، تألیف استاد معظم

﴿ انتظار، یا زمینه‌سازی ﴾

هر انقلابی وقتی به نتیجه می‌رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه‌سازی خوبی برای آن شده باشد، و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه‌سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) (ارواحنا فداه) که مهم‌ترین و وسیع‌ترین و عمیق‌ترین انقلابات جهانی است و مربوط به همهٔ جهان می‌باشد، از این قانون، مستثنی نیست بلکه بخاطر جهانی بودن و عمیق بودنش به طریق اولی باید برای آن زمینه‌سازی گردد.

مفهوم واقعی انتظار که در روایات ما به عنوان بالاترین عمل

شمرده شده^(۱) و آن «به شمشیر زدن در رکاب پیامبر ﷺ بر فرق دشمن» تشبیه شده^(۲) همین زمینه سازی است.

وگرنه انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آنکه در جامعه تحقق یابد و آثارش آشکار شود هیچگاه بهترین عمل و همانند شمشیر زدن در رکاب پیامبر خدا ﷺ نخواهد بود، چنانکه مفهوم واژه «عمل» و جنگیدن در رکاب پیامبر ﷺ حاکی از حضور در صحنه و فعالیت عملی و کار و کوشش و زمینه سازی عینی است، نه نیت بدون عمل، و امید ذهنی بدون آثار عملی.

«انتظار» به معنی آینده نگری است، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، و به راضی شدن از آینده بهتر است، همچون بیمار که انتظار صحت و سلامتی دارد یعنی امید آن دارد که از وضع موجود رهائی یابد و به وضع بهتری برسد، و پر واضح است، که چنین دگرگونی نیاز به زمینه سازی دارد.

در انقلابهای پیامبران ﷺ نیز زمینه سازی وجود داشت، و آنها در صورتی انقلاب را به ثمر می رساندند که در همه ابعاد زمینه سازی عملی شود وگرنه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می شد.^(۳)

و از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) جهانی و همه جانبه و دراز

۱ - أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ (پیامبر ﷺ - بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۸).

۲ - ... كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ (بحار، جلد ۵۲، ص ۱۲۶).

۳ - درباره فضیلت انتظار به کتاب اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۰ به بعد مراجعه نمائید.

مدت است و همه انقلابهای خدا پرستان تاریخ و پیامبران علیهم‌السلام در آن خلاصه می‌گردد، و هدف نهائی انقلابات مقدّس بشری است، حتماً نیاز به زمینه‌سازی وسیع‌تر و عمیق‌تر دارد.

به عبارت روشن‌تر وقتی در روایات اسلامی می‌خوانیم: در حکومت امام زمان علیه‌السلام علم و صنعت، عدالت، اخلاق، فکر و اندیشه، کشاورزی و دامداری و بطور کلی اقتصاد در همه زمینه‌ها زمینه‌سازی دراز مدّت و عمیق و پردوام لازم دارد، چرا که بنا بر اعجاز نیست، بلکه همانند انقلاب پیامبران علیهم‌السلام بنا بر فکر و عمل و کار و سعی مردم در همه ابعاد است چنانکه انقلابهای بشر در طول تاریخ همیشه بر این اساس بوده است.

و برای مثال وقتی در روایات می‌خوانیم: امام صادق علیه‌السلام فرمود: علم و دانش دارای ۲۷ شعبه است، تمام آنچه تاکنون از پیامبران به ما رسیده دو شعبه آن بیشتر نبوده و وقتی حضرت قائم (عج) ظهور کند آن دو را به ۲۷ شعبه می‌رساند.^(۱)

نتیجه می‌گیریم که برای چنین انقلاب دامنهدار و عمیق، زمینه‌سازی پردامنه و عمیق لازم است، که بسیار بسیار از زمینه‌سازیهای دیگر انقلابها وسیع‌تر و پردامنهدارتر است.

پاسخ به یک سؤال:

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که: طبق روایات وقتی جهان، پر از ظلم و فساد شد آنگاه امام زمان علیه السلام ظهور می‌نماید و جهان را پر از عدل و داد می‌کند، این موضوع نه تنها زمینه‌سازی نیست بلکه درست به عکس در جهت خلاف انقلاب مهدی (عج) می‌باشد.

پاسخ اینکه: خود این موضوع (غرق شدن جهان در ظلم و فساد) یک نوع زمینه‌سازی است، چرا که نوع مردم از این ظلم و فساد، ناراضی شده و به ستوه می‌آیند و همین موضوع آنها را تشنه انقلاب می‌کند، و این خود زمینه فکری و معنوی ایجاد می‌نماید.

علاوه، منافات ندارد که در کنار این ظلم و فساد جهانی، دوستان و هواداران آنحضرت با زمینه‌سازیهای مثبت و آینده‌ساز، در اندیشه خود و مردم، مقدمه چینی برای انقلاب کنند، در حالی که مخالفان انقلاب سرگرم فساد و ظلم و غافل از همه جا هستند، گروههای بیدار مسلمان از فرصت استفاده کرده با زمینه‌سازیهای مثبت بر روندکار خود بیفزایند، و رفته رفته جهان را که آتش زیر خاکستر است، ناگهان به نفع انقلاب، شعله‌ور سازند، چنانکه نمونه کوچک آن را در کشور اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ با چشم خود دیدیم، ولی نظر به این که انقلاب جهانی مهدی (عج)، جهانی

و بسیار وسیع و عمیق است، روشن است که زمینه‌سازی (بخصوص زمینه سازی فکری و فرهنگی) بیشتری در سطح کل جهان لازم دارد.

﴿ عوامل مهم زمینه سازی ﴾

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی (عج) همان انقلاب اسلامی است - منتهی در سطح وسیعتر و عمیقتر - و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ است و با توجه به اینکه طبق روایات عین همان انقلاب پیامبر ﷺ است.^(۱)

منتهی در سطح وسیعتر و در جهت تکمیل آن، در این جابه ذکر یازده عامل زیر که در انقلاب عظیم الشان اسلام به رهبری پیامبر ﷺ نقش مهم در زمینه‌سازی حکومت اسلامی داشت می‌پردازیم، تا با تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی، زمینه‌ساز انقلاب حضرت مهدی (عج) گردیم، و مفهوم عینی و واقعی «انتظار» را تحقق بخشیم (با توجه به اینکه عوامل دیگری نیز هست ولی عوامل زیر مهمترین آنها است):

۱ - یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روش حضرت مهدی (عج) چگونه است؟

فرمود: «یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیة و یتأنف الاسلام جدیداً! همان روش پیامبر خدا ﷺ را انجام می‌دهد، روشهای باطل را ویران می‌کند چنانکه پیامبر نمود و اسلام را نوسازی و تکمیل می‌نماید.» (بخار، ج ۵۲ ص ۳۵۲)

۱- جاذبه قرآن و حقایق اسلام:

همان گونه که در مثلها آمده «سرانجام، حقیقت جای خود را باز می‌کند» تکیه بر حقائق نورانی و استوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیاتبخش و سازنده یکی از عوامل مهم پیروزی است.

در صدر اسلام، درستی و واقعیت هماهنگی دستورات اسلام با عقل و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هرگونه آلودگی و فقر و بدبختی و بی عدالتی خودبخود یک جاذبه قوی داشت که انسانها را به سوی خود می‌کشانید، و پیامبر اسلام ﷺ از این راه پیروزی‌های چشمگیری به دست آورد، تا آنجا که گاهی می‌شد سرسخت‌ترین دشمنان اسلام مانند ولید بن مغیره وقتی چند آیه از آیات قرآن را که حکایت از قوانین اسلام می‌کند شنید دیوانه‌وار به مجلسی که از طرف دودمانش تشکیل شده بود آمد و گفت:

به خدا سوگند از محمد ﷺ سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار

انسانها دارد، نه جن‌ها؛

«وَإِنَّ لَهُ حَلَاوَةً وَإِنَّ عَلَيْهِ لِطَلَاوَةً وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُثَمَّرٌ وَ

إِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُغْدَقٌ وَإِنَّهُ يَغْلُوا وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ؛

گفتار او شیرینی خاصی دارد و زینائی مخصوصی، بالای آن

(همه شاخه‌های درختان برومندش) پر ثمر و پایین آن (مانند ریشه‌های درخت کهن) پرمایه است، گفتاری است که بر هرچیز پیروز می‌شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد.^(۱)

امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پر مایه و استوار و مقایسه علمی و منطقی آن بر سایر مکتبها، از نظر معنوی بزرگترین عامل حرکت و زمینه‌سازی برای یک حکومت عدل جهانی است، و به تنهایی کافی است که نیازهای مادی و معنوی انسانها را بر آورد و آنها را در همه ابعاد مثبت انسانی به پیش ببرد.

براستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشگاهها، قرآن به صحنه آید و حقائق نورانی آن به مردم برسد و پیاده گردد، ریشه‌دارترین زمینه برای آینده‌سازی و حکومت جهانی مهدی (عج) پدیدار خواهد شد.

۲- علم و اندیشه و به کار انداختن آن:

بدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسانتر کرده و بسیاری از راهها را نزدیکتر نموده و بسیاری از گرهها را در زمینه‌های گوناگون گشوده است و گاهی راه صدساله به وسیله علم و دانش یکشبه طی می‌شود.

برای پیشرفت و زمینه‌سازی برای حکومت ایده‌آل جهانی اسلام

به رهبری امام مهدی (عج) یکی از راههای محکم، تحصیل علم و دانش و کاراندازی آن است، در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویتهای و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود.

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده، در اینجا به دو گفتار ذیل از پیامبر خدا ﷺ توجه کنید:

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَ دِعَامَةُ هَذَا الدِّينِ الْفِقْهُ وَالْفَقِيهُ
الْوَاحِدُ أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ؛

هر چیزی، اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضعگیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکمتر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است.»^(۱)

امام علی علیه السلام در عبارتی فرمود:

«قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد: نخست ...
به دانشمندی که دانش خود را به کار اندازد.»^(۲)

بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۹۰.

۲- نهج البلاغه، کلیات قصار، شماره ۳۶۴.

و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) فراهم سازند.

۳- استقامت و پایداری و شجاعت:

در صدر اسلام، استقامت و پایداری و شهامت پر توان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث، از عوامل پیروزی بود، اینک نیز برای پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی (عج) نیاز به صبر و پایداری است.

نمونه‌های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار است و نمونه‌های صبر و استقامت در جنگهای اسلامی به خوبی در روحیه مسلمانان آشکار است، آنها با کمترین نفر و کمترین ابزار جنگی پوزه بزرگترین ارتش دشمنان را به خاک مالیدند.

مثلاً جعفر طیار رضی الله عنه برادر امام علی رضی الله عنه در جنگ موته (جنگ با ابر قدرت روم) با این که دو دستش قطع شده بود و نود زخم به بدنش رسیده بود، پرچم را با دو بازوی بریده‌اش نگهداشته بود و همچنان می‌جنگید.^(۱)

قرآن صد و چهار بار سخن از صبر و استقامت به میان آورده و در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

ای کسانی که ایمان آوردید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.»

مسئلاً برای زمینه سازی برای یک حکومت جهانی اجرای این دستورات نیز لازم و ضروری است.

۴- زهد و رعایت اخلاق و حقوق:

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی، و رعایت حقوق جانی و مالی و عرضی و ... که عالیترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است.

اخلاق پیامبر خدا ﷺ و امامان علیهم السلام و شاگردانشان بسیاری از گردنکشان را به سوی اسلام پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصف پیامبر خدا ﷺ می فرماید:

«از پیامبر ﷺ پاک و نازنین پیروی کن، او لقمه دنیا را با

اطراف دندان می خورد (نه اینکه دهانش را پر کند) و دنیا را

به چشم (دقیق) نمی‌نگریست، از جهت پهلو لاغر و از جهت شکم گرم‌ترین اهل دنیا بود، مانند بردگان سیاه بر روی زمین می‌نشست و کفش خود را با دست خود اصلاح می‌کرد و لباس خود را با دست خود می‌دوخت احیاناً بر الاغ برهنه سوار می‌شد و از شدت تواضع و فروتنی دیگری را هم ردیف خود سوار می‌کرد.

یکی از همسرانش روزی پرده‌ای نسبتاً زیبا و دارای نقش و نگار بر در خانه آویخته بود، به آن بانو فرمود: بی‌درنگ این پرده رنگارنگ را از در خانه بردار، چرا که من با نگاه به این پرده به یاد دنیا و زینتهای آن می‌افتم ...

اکنون مرا ببینید چگونه زندگی می‌کنم، بر این جامه پوشیده‌ام چندان وصله زده‌ام که از وصله‌کننده آن شرم دارم، روزی وصله‌کننده به من گفت: این پیراهن پاره را که دیگر وصله نمی‌خورد به دور اندازم، گفتم آهسته باش سبکباران زودتر به سر منزل مقصود می‌رسند.^(۱)

براستی اگر همه شاخه‌های اخلاق اسلامی رعایت گردد بهترین زمینه‌سازی معنوی برای ظهور امام زمان علیه السلام خواهد بود.

۵- ایمان و توکل به خدا:

روحیه قوی و اطمینان قلب و اعتقاد به نفس از عوامل سازنده و پیش برنده و زمینه ساز و سوزاننده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و استواری قلب در سایه ایمان به خدا و توکل به او به دست می آید که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده چنین ایمان و توکل است.

پس از آنکه مکه به دست ارتش اسلام به رهبری پیامبر ﷺ فتح شد، ابوسفیان کنار ارتش قوی اسلام قدم بر می داشت و می گفت:

«لَيْتَ شِغْرِي بِمَاذَا غَلَبْتِي؛

کاش می دانستم که محمد ﷺ با چه وسیله ای بر من پیروز شد؟ ما که سازماندهی و تشکیلات و پول و جهاز جنگی و جمعیت داشتیم چطور مغلوب شدیم، ولی پیامبر ﷺ با دست خالی بر ما پیروز گردید.»

پیامبر خدا ﷺ دست بر دوش او گذارد و فرمود:

«بِاللَّهِ غَلَبْتُكَ؛

من به کمک خدا بر تو پیروز شدم.»

آری ایمان و توکل به خدا است که اتحاد و انسجام و روحیه قوی

می‌سازد و کارهای ناممکن را ممکن می‌کند و مشیت خالی را بر تانکها پیروز می‌گرداند، به طور قطع می‌توان گفت که نقش ایمان و توکل بر جنگها به مراتب بیش از نقش وسائل و ابزار جنگی و تشکیلات است.

و ما نیز باید در سایه ایمان و توکل به خدا به پیش رویم و فکراً و عملاً زمینه‌ساز آینده درخشان باشیم، چنانکه مسلمانان در صدر اسلام در پر تو ایمان و توکل، به پیروزی‌های معجزه آمیز نائل شدند.

۶- تعاون و همکاری:

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پردامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و بهم پیوستگی هر چه بیشتر، زمینه ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیش برد هدفها دارد.^(۱)

پیامبر ﷺ فرمود: «مؤمنان در دوستی با مؤمنان دیگر همچون اعضاء یکدیگرند که اگر یک عضو بدرد آید عضوهای دیگر نیز ناآرام هستند.»^(۲)

اگر برستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی می‌داشتند

۱- جابر جعفی گوید به امام باقر علیهما السلام عرض کردم: فرج شما چه وقت است؟ سه بار فرمود: فرج ما تحقق نمی‌پذیرد تا غربال شوید و آزمایش گردید، تا آن وقتی که قلبها صاف شود. (بخار، ج ۵۲، ص ۱۰۱)

۲- بخار، ج ۶۱، ص ۱۵۰.

پیشرفت بی نظیری در زمینه‌های مختلف نصیبشان می‌شد.

۷- بر خوردها و روشهای منطقی با یکدیگر:

پیامبر ﷺ بر اساس علم و منطق با گروههای مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می‌کرد، امام صادق علیه السلام چهار هزار شاگرد در رشته‌های مختلف تربیت می‌نمود، و خود شخصاً با منکران خدا می‌نشست و به بحث و گفتگو می‌پرداخت.

این بحثها و تجزیه و تحلیل‌های روشنگرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

قرآن می‌فرماید:

«مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال

و بحث و انتقاد دعوت کن.»^(۱)

حکمت همان روشهای استدلالی و منطقی است.

موعظه نیک عبارت از اندرزهایی است که جنبه عاطفی و

احساسی دارد.

مجادله نیک بحثهای رو در رو و بر اساس انصاف و حسن نیت

است.

۱- أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

(سوره نحل، آیه ۱۲۵)

حضرت علی علیه السلام فرمود:

«طرفداران پنج دین مختلف به صورت گروه‌های پنج نفری به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای بحث و مذاکره آمدند به ترتیب: گروه یهود، سپس گروه مسیحی سپس گروه مادی، سپس گروه دوگانه پرست، سپس گروه مشرک، شروع به مناظره کردند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با کمال متانت سخن آنها را گوش داد و به پاسخ آنها پرداخت، و این مناظرات، سه روز بیشتر طول نکشید، که هر پنج گروه قانع شدند و به اسلام گرویدند، در پایان گفتند:

مَا رَأَيْنَا مِثْلَ حُجَّتِكَ يَا مُحَمَّدَ، نَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ؛

ای محمد صلی الله علیه و آله ما همچون حجّت و استدلال تو هرگز در جایی ندیده‌ایم، گواهی می‌دهیم که تو رسول خدا هستی.»^(۱)

آری! اگر برای جذب تحصیل کرده‌ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه‌ای رفتار شود، نقش مؤثری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه‌سازی فکری حساب شده‌ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

۱ - مشروح این مناظره در کتاب احتجاج طبرسی، ج ۱، از ص ۱۶ تا ۲۴ آمده است.

۸- توجه به طبقه مستضعف :

نوعاً انقلابها بر دوش مستضعفین به پیش می‌رود، چرا که مستکبران و سرمایه‌داران از وضع موجود خود راضی‌اند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهند بود.

اسلام هیچگاه روی خوش به مستکبران و طاغوتیان نشان نداده است، چنانکه در آغاز، حامی پیش برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال رضی الله عنه، سلمان رضی الله عنه جویری رضی الله عنه، خباب رضی الله عنه و عمار رضی الله عنه، سمیه رضی الله عنها و ... بوده‌اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به این گروه از افراد توجه خاصی داشت، حتی همه اموال همسرش خدیجه رضی الله عنها را در این راه مصرف نمود و خود عملاً همچون مستضعفان می‌زیست و بیشتر با آنها محشور بود.

بهر حال توجه به مستضعفان، و تأمین نیازهای آنها، و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استعمار و استثمار و استعمار، یکی دیگر از عوامل زمینه ساز برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

در حالی که این سطور را می‌نویسم: اخبار می‌گویند: امام خمینی فرمود: «من یک لاک موی گودنشینان را به همه کاخ نشینان نمی‌دهم.»

۹- اتحاد و انسجام مسلمانان:

بدون شک اتحاد نقش اعجاز آمیزی در پیشبرد اهداف دارد، جمعیت و اتحاد، قدرت را چندین صد برابر و هزار برابر و میلیون برابر می‌کند، مثل اتحاد همچون مَثَلِ سَدِّ عَظِيمِي است که مبدأ بزرگترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمینهای بزرگ و روشنائی شهرهای زیاد می‌شود، یک چنین نیروئی بر اثر بهم پیوستن قدرتهای ناچیز دانه‌های باران بدست آمده است.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يُشِيدُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛

افراد با ایمان، نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگاه می‌دارد.»^(۱)

حال اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند، همچون دریای خروشانى خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفانها ایستادگی خواهند نمود.

برای زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) و تشکیل حکومت

جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت و باید مسلمانان از هر گونه اختلاف فرعی و موسمی پرهیز کنند و در برابر دشمنان مشترک، با اتحاد و وحدت و هماهنگی خود بایستند تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کل جهانی هموار سازند.^(۱)

۱- رهبر شایسته:

در اسلام به «ولایت» اهمیت فراوان داده شده است به گونه‌ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست، بلکه باید برنامه‌های اسلام تحت نظارت ولایت باشد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او بگرددش در می‌آید، او نشان راه و پیشوا و جلو دار امت است، و همه گروه‌های اسلام را در یک خط به پیش می‌برد.

ولایت یعنی حکومت و سرپرستی دین و دنیای مردم، که بسیار مقام پر مسئولیت بزرگی است و تنها افراد شایسته و کامل می‌توانند عهده‌دار آن گردند.

همانگونه که در صدر اسلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش

۱ - باید توجه داشت که بنا بر این است که امور از روی طبیعی و خودجوش به پیش رود وگرنه اگر صحبت اعجاز باشد، امام حسین علیه السلام فرمود: «سوگند به خداوند، خدا چیزی را نیافریده مگر اینکه به او فرمان داده از ما پیروی کند» (بصائر الدرجات - بحار، ج ۲۳، ص ۲۸۷) البته اگر مردم وظیفه خود را انجام دهند، دست خدا بالای سر آنها است و امدادهای غیبی به کمک آنها خواهد شتافت چنانکه قرآن می‌فرماید: «ان تنصروا الله ینصركم و یثبت اقدامکم.» (سوره محمد، آیه ۷)

اساسی در پیشبرد داشت، امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی (عج) و زمینه‌سازی برای حکومت جهانی آن حضرت حتماً باید این خط حفظ گردد، تا مسلمانان در نظم و انسجام خاص تحت رهنمودهای رهبر شایسته که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود راه زمینه‌سازی صحیح را دریابند و با پشتگرمی معنوی خاصی آن را دنبال کنند. و به عبارت روشنتر، نائب و معاون به حق حضرت مهدی (عج) مسلماً به راه مهدی (عج) نزدیکتر و آگاهتر است، و رهنمودها و سرپرستی او می‌تواند نزدیکترین و حساب شده‌ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولی امام زمان علیه السلام باشد، با توجه به اینکه انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی‌تفاوتی بیرون می‌آورد، و وادار می‌کند که حضور فعال در صحنه داشته باشد.

به امید آنکه با به کار بستن این عوامل که در رأس عوامل دیگر است بتوانیم همچون مسلمانان صدر اسلام به پیش رویم و جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) سوق دهیم که خود در مسیر انقلاب، و تداوم انقلاب است که نهایت آن آینده درخشان و اهتزاز پرچم «لا اله الا الله» در کل جهان خواهد شد، و همین امید به آینده روشن - نه مبهم و تاریک - خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل درآید و به نتیجه عینی برسد.

باید توجه داشت که خود امام قائم (عج) نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال، اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهائی بخشد و بقدری در این مورد بی‌تاب است که حتی وقت خروج وارد مسجد الحرام می‌شود و بین مقام ابراهیم علیه السلام و کعبه دو رکعت نماز می‌خواند و پشت به حجر الاسود زده، سپس دستهایش را به سوی آسمان بلند کرده و آنچنان گریه و تضرع می‌کند که به زمین می‌افتد و این است فرموده خدا در قرآن:

«أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ
يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛

آیا خدای شما کسی است که دعای مضطر را اجابت می‌کند و گرفتاریها را برطرف می‌سازد و شما را خلفای زمین قرار می‌دهد؟» (یا معبودهای باطل) «^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدا «مضطر» همان قائم (عج) است.»^(۲)

آری امام قائم (عج) این چنین بی‌تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب جهانی است، تا جهان را از لوٹ آلودگیها و جنایات و ستمگریها نجات بخشد.

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۶ (سوره نمل، آیه ۶۲).

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۲، ذیل آیه ۶۲ نمل.

۱۱- لزوم برنامه ریزی:

می‌دانیم که مسأله مهدی موعود (عج) یک مسأله عادی و سطحی و اقلیمی و احتمالی نیست، بلکه مسئله بسیار مهم جهانی و عمیق و واقعی است که تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمانها در رأس مسائل مهم عقیدتی و سیاسی است و در اسلام به عنوان یک اصل استوار و خلل ناپذیر مطرح می‌باشد، و از آن به ثمره و نتیجه قیام تمام پیامبران و رسولان و رهبران الهی یاد می‌گردد، و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) با عنوان امید پیامبران و رسولان و مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و ... خوانده می‌شود.

حال که چنین است باید مسأله را جدی گرفت، در طول تاریخ در این باره حرف زیاد زده‌اند ولی برای وصول به این هدف باید همت کرده و آن هم همتی عمیق، همه جانبه در کل جهان، و همیشگی، و در عمل.

با مطالعه و بررسی آیات و روایات مربوط به نهضت و ظهور امام زمان علیه السلام به دست می‌آید که مسأله وصول به این ظهور مسأله راحت طلبی نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی‌آید در راه آن عرقها و خونها ریخته شود.^(۱)

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۸ (مضمون روایتی از امام باقر علیه السلام).

از طرفی این مسأله دارای ابعاد گوناگون است، مانند ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مکتبی، نظامی و خلاصه آمیخته با مسأله دین است، همانگونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه جانبه برای رشد در همه ابعاد است، مسأله قیام مصلح جهانی حضرت مهدی (عج) که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می‌شود دارای ابعاد گوناگون است.

﴿ عناصر اصلی برنامه‌ریزی قیام و ظهور ﴾

بر همین اساس باید برای تحقق آن یک برنامه‌ریزی حساب شده و جامع در سطح کل جهان صورت گیرد. با توجه به اهمیت فوق العاده آن باید در این برنامه‌ریزی، امور بسیار به طور عملی و جدی و حساب شده تعقیب شود که ما در اینجا امور نُه‌گانه زیر را که پایه‌های اصلی این برنامه‌ریزی است و باید به همت مسلمانان تحقق یابد تا زمینه‌ساز ظهور گردد خاطر نشان می‌کنیم:

۱- هدفداری:

یکی از عوامل پیروزی، داشتن هدف است به ویژه هدفی عالی و تأمین‌کننده تمام ابعاد سعادت بشر - در مورد مصلح آینده حضرت مهدی (عج) تمام پیامبران و امامان و کتب آسمانی و ادیان حقیقی، خبر از ظهور او را در آخر الزمان داده‌اند، و این عقیده در اسلام جزء بافت و ارکان اسلام است، بر همین اساس، هدف مشخص و غیر مبهم

است، و بروز نهضتها و قیامها برای رسیدن به این هدف، کورکورانه و مبهم نیست.

امام خمینی علیه السلام در یکی از سخنان خود که در روز نیمه شعبان ۱۳۶۰ شمسی ایراد نمود فرمود: «باید خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت، من نمی دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است، نمی دانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم، الا همین که (مهدی موعود «عج») است، آن کسی که خداوند متعال ذخیره کرده است برای بشر ...»

آری! این عنوان (مهدی موعود «عج») هدف دار بودن این عقیده را مشخص می کند، و هدف است که قیامها را خط و جهت داده و از سرنگونی در می آورد و به راه صاف و راست رهنمون می نماید، بنابراین باید در این برنامه ریزی به این هدف توجه گردد.

۲- توجه به جهانی بودن ظهور:

پایه دوم این برنامه ریزی این است که ظهور و امامت امام زمان علیه السلام مربوط به کل جهان است، و پس از ظهور اسلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان بدست با کفایت آنحضرت در سطح جهان حاکم و پیاده می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛

وقتی که قائم (عج) قیام کرد، هیچ نقطه‌ای از زمین نیست مگر این که آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در آن بلند است.»^(۱)

بنابراین در این برنامه ریزی باید همه جهان با انواع فرهنگ‌ها و سنتها و انحرافات و عقاید گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی همه فسادها و انحرافات همه جهان، که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسلامی می‌شود ارائه داد.

با توجه به این که جهان همچون حلقه‌های زنجیر در شئون مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تأثیرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارند، اگر ما نقطه‌ای را از انحراف بیرون آوردیم کافی نیست چرا که خواه ناخواه تأثیرات اطراف این نقطه، مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.

۳- جهش و انقلاب:

همان گونه که از نام انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) پیدا است

باید برای وصول به این انقلاب به صورت انقلابی کار کرد، با میانه روی و محافظه کاری و خط لیبرالی نمی توان به این هدف بزرگ رسید، چرا که پر واضح است برای برنامه ریزی یک چنین انقلاب عظیمی که موانع بسیاری سر راه دارد، باید جهاد کرد، جهادی پی گیر و بزرگ، و تبدیل انحرافات عقلی و عملی و اخلاقی به اعتدال و صراط مستقیم، که یک تحوّل بی نظیر و عظیمی است چنین تحوّل با میانه روی و محافظه کاری، به دست نمی آید.

بنابراین باید حرکت‌های این نهضت، اسلامی و مکتبی باشد، و از حرکت‌های غیر مکتبی چنین تحوّل میسر نیست.

چنانکه در روش انبیاء و پیامبران الهی علیهم السلام از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به خوبی این انقلاب و جهش را در سطح محدوده خودشان می بینیم، البته چنانکه خواهیم گفت این مطلب به این معنا نیست که مادر این کار عجله کنیم و سطحی به پیش رویم.

قابل توجه اینکه طبق بعضی از روایات، آنحضرت در روز عاشورا قیام می کند.^(۱)

و به فرموده امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوّم ماه رمضان بنام آنحضرت ندا شود و روز عاشورا قیام کند.^(۲)

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲ - انبیاة الهداة، ج ۷، ص ۴۱۲.

دقت در این نکته که در روایات اسلامی وارد شده در شب تولد امام زمان علیه السلام زیارت امام حسین علیه السلام را بخوانید، با توجه به محتوای این زیارت و ارتباط این دو، نتیجه می‌گیریم، که مسأله راحت طلبی در کار نیست بلکه مسأله قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سر حد شهادت و نفرت شدید از دشمن است و باید با چنین روشی خود را به امام زمان علیه السلام نزدیک کنیم، در اینجا نقل این روایت بجا است، امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتِ التَّقِيَّةُ وَجَرَّدَ السَّيْفُ وَ لَمْ يَأْخُذْ
مِنَ النَّاسِ وَ لَمْ يُعْطِهِمْ إِلَّا بِالسَّيْفِ؛

وقتی که قائم (عج) ما قیام کند تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرد) در داد و ستد جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد.»^(۱)

۴- پیشرفت عمیق و استوار:

در برنامه‌ریزی لازم است، توجه کامل شود که در تمام ابعاد به طور صحیح و عمیق و استوار به پیش رفت و واحدهای این بنای عظیم را از اساس و شالوده درست و محکم و خلل ناپذیر ساخت و به همین ترتیب رگه‌های دیگر این بنا با استواری به پیش رود و گرنه

کوچکترین طوفانی آن بنا را ویران خواهد کرد، بنابراین نباید در این کار عظیم، عجله کرد و به عبارت دیگر باید هر چه می‌توانیم بر کیفیت کار توجه کنیم، نه کمیت بدون کیفیت.

در اینجا بد نیست به یک فراز تاریخی عجیب «که می‌توان از آن درس نیکی گرفت گرچه از بیگانگان است» اشاره کنیم.

در جنگ جهانی دوم وقتی قوای متحدین (آلمان، ایتالیا، ژاپن) فرانسه را که جزء قوای متفقین (انگلیس، آمریکا، شوروی) بود شکست دادند، و در جولای سال ۱۹۴۰ میلادی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند، تنها ماند، در پاریس کنفرانس سرّی بین سه نفر از سران جنگ جهانی یعنی چرچیل (رهبر انگلستان)، هیتلر (رهبر آلمان) و موسولینی (رهبر ایتالیا) در قصر «فوتن بلوی» به وجود آمد. در این کنفرانس هیتلر به چرچیل گفت: حال که سرنوشت جنگ معلوم است و بزرگترین نیروی اروپا و متفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است، برای جلوگیری از کشتار بیشتر، بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضاء کند تا جنگ متوقف شود و صلح به جهان بازگردد.

چرچیل در جواب گفت: بسیار متأسفم که من نمی‌توانم چنین قراردادی را امضاء کنم، زیرا هنوز انگلستان شکست نخورده است و شما را فاتح نمی‌شناسم.

هیتلر و موسولینی از این گفتار چرچیل عصبانی می‌شوند، به تندی با او برخورد می‌کنند، چرچیل با خون‌سردی می‌گوید: عصبانی نشوید، انگلیس به شرط‌بندی، خیلی اعتقاد دارد، آیا حاضرید برای حلّ قضیه با هم شرط ببندیم؟ در این شرط هر که برنده شد باید بپذیرد که فتح با او است.

سران فاشیست (هیتلر و موسولینی) با خوشروئی این پیشنهاد را قبول کردند، در آن لحظه هر سه نفر در جلو استخر بزرگ کاخ نشسته بودند.

چرچیل گفت: آن ماهی بزرگ را در استخر می‌بینید هر کس آن ماهی را تصاحب کند برندهٔ جنگ است، هیتلر فوراً پارابلوم خود را از کمر کشید به این سو و آن سوی استخر پرید و شروع به تیر اندازی‌های پیاپی به ماهی کرد ولی سرانجام بی‌نتیجه و خسته و درمانده بر صندلی خود نشست، و به موسولینی گفت حالا نوبت تو است.

موسولینی لخت شد و به استخر پرید، ساعتی تلاش و تقلا کرد، او نیز بی‌نتیجه و درمانده بیرون آمد و بر صندلی خود نشست. همین که نوبت به چرچیل رسید، صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی به دست گرفت، در حالی که با تبسم سیگار برگ خود را دود می‌کرد شروع به خالی کردن آن استخر نمود.

رهبر آلمان و ایتالیا که می‌خواستند ببینید نخست‌وزیر سالخورده و چاق و سنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیکی جهت صید ماهی پیش خواهد گرفت، وقتی او را در چنین وضعی دیدند با تعجب پرسیدند: چه می‌کنی؟

چرچیل گفت: من عجله برای شکست ندارم با حوصله، این روش مطمئن خود را ادامه می‌دهم، سرانجام پس از تمام شدن آب استخر، بی‌آنکه صدمه‌ای به ماهی بخورد صید از من خواهد بود.^(۱)

این واقعه عجیب گرچه از بیگانگان است ولی می‌توان از آن این درس را آموخت که: برای وصول به هدف - آن هم هدف بزرگ - نباید عجله کرد و سطحی به پیش رفت، بلکه باید با برنامه‌ریزی عمیق و اطمینان بخش هر چند دراز مدت و در عین حال با کمترین ضایعات کار را ادامه داد، و این کار نیاز به طرح‌های بسیار استوار و محکم خواهد داشت. البته تحقق چنین امر مهمی نیاز به طول زمان دارد، از این رو خداوند متعال به حضرت مهدی علیه السلام طول عمر عنایت فرموده است (دقت کنید) تا آمادگی در مردم جهان پیدا شود.^(۲)

۱ - قربانیان استعمار، ص ۲۵، (به نقل از مجله ریدرزادایجست)

۲ - البته ناگفته نماند که امپریالیستها این برنامه‌های دراز مدت را به عنوان تاکتیکهای موزیانه خود در جهت منافع استعماری خودشان به کار می‌گیرند، مثلاً سالها قبل، یک فرد وجیه المله را در درون کشور تحت

۵- اخلاص:

برای پیشروی و دست یازی به مقدمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد امور، و پیمودن پلّه‌ها و پشت سر گذاشتن موانع مانند «اخلاص» در کار نیست، اخلاص، در کارها روح و نشاط می‌بخشد، و به طور اتوماتیک بدون دردسر، چرخهای عظیم موتورهای انقلاب را به حرکت در می‌آورد، اخلاص انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن بدون منت که همان انتظار ظهور است سوق می‌دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است، شیطان و هوسهای نفسانی که ضررها و ضربات سختی بر رشد انسانها وارد می‌آورند از افراد مخلص دورند.^(۱)

آزاداندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می‌آید، توکل به خدا و اعتماد به نفس، و عزت و شرافت که هر یک عاملی برای دستیابی به مقدمات ظهور حضرت بقیة اللّٰه (عج) است در پرتو اخلاص، جان می‌گیرند و تحقق می‌یابند.
در روایتی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم:

→ استعمار خود، به عنوان اینکه همصدا و همفکر با ملت است به طور سری نگه می‌دارند تا در آینده اگر سنگی به کاسه خورد، آن مهره به ظاهر ملی را روی کار بیاورند تا بتوانند به وسیله او استعمارگری خود را ادامه دهند. چنانکه فلسفه پدیده «فراماتوسری» (فراموشخانه) در تاریخ معاصر همین بود.

«هر بنده‌ای چهل روز در راه خدا مخلصانه قدم برداشت
خداوند درد و درمان را به او نشان می‌دهد و ریشه‌های حکمت
و دانش را در دلش استوار می‌سازد.»^(۱)

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

«إِذَا كَانَ مُخْلِصًا لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّىٰ هُوَامِ
الْأَرْضِ وَ سُبَاعِهَا وَ طَيْرِ السَّمَاءِ؛

هرگاه مؤمنی کارها را تنها برای خدا انجام دهد، خدا همه چیز
حتی جنبندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را از او
می‌ترساند.»^(۲)

بنابراین در این برنامه‌ریزی باید اخلاص در کارها سرلوحه
برنامه‌ها قرار گیرد.

۶- تخصص و تعهد:

تخصص و تعهد و به عبارت دیگر علم و ایمان، و توسعه دادن به
این دو در همه ابعاد زندگی، بهترین زمینه‌ساز برای فراهم شدن ظهور
امام زمان علیه السلام است، و این دو همچون دو بال پرنده‌اند که آن پرنده با
آن دو بال به پرواز درمی‌آید، اگر هیچیک از این دو نباشد، پروازی

۱- بحار، جلد ۷۰، صفحه ۲۴۳ و ۲۴۸.

۲- مدرک پیشین

نیست و اگر یکی باشد و دیگری نباشد باز نتیجه بخش نیست چرا که با یک بال نمی‌توان پرواز کرد.

تخصّص بدون تعهد، مثالش در این شعر مثنوی مولوی آمده:

تیغ دادن در کف زنگی مست به که آید علم، ناکس را بدست

تعهد بدون تخصّص نیز در بسیاری اوقات به جای پیشرفت بر مشکلات کار می‌افزاید و احیاناً خسارت جبران ناپذیری بر انسان وارد می‌سازد و مثالش همچون ماشینی است که بدون چراغ در بیابان هولناک و پر فراز و نشیبی حرکت می‌کند، که جز سقوط و سرگردانی نتیجه‌ای ندارد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَتْ، مَا يُفْسِدُهُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ؛

کسی که بدون علم و دانش کاری انجام می‌دهد، ضرر و زیان آن

بیش از نفع آن است.»^(۱)

از سخنان امیرمؤمنان علی علیه السلام است که فرمود:

«کمر مرا دو گروه شکستند:

۱ - دانشمندان منحرف

۲ - مردم نادان»^(۲)

۱ - مشکوٰۃ الانوار، صفحه ۱۲۵.

۲ - مدرک پیشین.

قرآن مجید در یک آیه، پیشروی و پیمودن درجات عالی و پیروزی را در سایه تخصص و تعهد (علم و ایمان) هر دو دانسته و می‌فرماید:

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
دَرَجَاتٍ؛

خداوند از شما، آنان را که ایمان آوردند و تحصیل علم و دانش

کردند، چندین درجه بر دیگران برتری می‌بخشد.»^(۱)

با توجه به اینکه علم و شناخت، انسان را به عوامل رشد و ترقی و دستورات حیاتبخش و سازنده مکتب حرکت آفرین و غنی اسلام آگاه می‌سازد، و تعهد و ایمان، آن عوامل را اجراء می‌نماید.

۷- مانع شناسی:

اکثراً عوامل حرکت فراهم می‌شود، ولی موانع سر راه، چرخهای آن عوامل را از حرکت باز می‌دارد، باید موانع را بشناسیم تا آنها را از سر راه برداریم، مثلاً انحطاط مذهبی و اخلاقی، عدم استفاده از علوم گوناگون و عفلت از وضع زمان، اختلاف و تفرق، کارهای اساسی و اصلی را فدای امور جزئی و فرعی کردن، مقدم داشتن منافع شخصی بر منافع عمومی و ... از موانع سر راه است، حتماً به این جهت نیز باید

در برنامه‌ریزی توجه گردد، همه پیامبران و اولیاء خدا علیهم‌السلام آرزو داشتند که به هدف برسند ولی موانع سر راه مانع وصول آنها به هدف عالیشان شد، شاید یک فلسفه اینکه خداوند عمر حضرت مهدی (عج) را طولانی کرده این باشد که در این مدت موانع شناخته گردند و از سر راه برداشته شوند.

بر همین اساس است که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ طَرِيقٍ وَ
لَا تَزِيدُ سُرْعَةً إِلَّا بُعْدًا؛

عمل و حرکت بدون بصیرت و شناخت مانند حرکت در غیر
راه اصلی است و سرعت در این راه جز دوری بیشتر از هدف،
نتیجه دیگری ندارد.»^(۱)

۸- هشیاری و هوشمندی:

یک فرد با ایمان باید «گپس» و هوشیار باشد و به جای دو چشم،
با چهار چشم اطراف خود را ببیند و کاملاً مراقب باشد، که از ناحیه
دشمن غافلگیر نگردد، و به طور خلاصه مؤمن در این دنیا باید خود
را همواره در جبهه مقدم جنگ با دشمن ببیند و مواظب باشد که اگر
دشمن از در رفت، از پنجره وارد نشود، اگر در جبهه نظامی شکست

خورد در جبهه اقتصادی پیروز نشود و...

به عنوان مثال؛ حکومت عثمانی یک حکومت مقتدر اسلامی بود، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نبود ولی بر اثر عدم هشیاری و به خاطر غفلت و غوطه‌ور شدن در امور گذرا و مادی، آنچنان غافلگیر شد که با یک پیش آمد یعنی جنگ جهانی دوم از هم پاشید و به چندین قسمت تجزیه شد و در نتیجه در مارس ۱۹۲۵ میلادی اسلام به معنی یک قدرت آشکار سیاسی و اجتماعی و کانون مشتعل از اندیشه‌ها و احساسهای نو و نیرومند زائیده از صحنه حوادث جهان رخت بر بست و از میدانهای گرم کار و پیکار به گوشه سرد و آرام خزید و رفته رفته راه سقوط و تفرق را پیش گرفته، نه تنها در جبهه نظامی و سیاسی شکست خورد بلکه اسلام جوشان و خروشان و حرکتزا و جنبش آفرین در میانشان به اسلام فرسوده و بی‌روح درآمد، دشمنان از فرصت استفاده کرده و به پیش تاختند.^(۱)

در این راه باید از عوامل بازدارنده و غافل‌کننده مانند سنت‌گرایی و گذشته‌نگری غلط، شخصیت‌گرایی، پیشداوری و گم بودن، عجب و خودبینی، پیروی از هوس‌های نفسانی، تکیه بر حدس و گمان، وابستگی‌ها و... به شدت پرهیز کرد.

این مطلب مهم را رسول اکرم ﷺ در یک عبارت کوتاهی فرموده است:

«وَلَوْ لَا كَثِيرُ كَلَامِكُمْ وَ تَخْرِيجِ فِي قُلُوبِكُمْ لَرَأَيْتُمْ مَا أَرَى وَ سَمِعْتُمْ مَا أَسْمَعُ؛

اگر زیاده‌روی در سخن شما (شعار تو خالی)، و هرزه‌چرانی در دل شما (پر کردن ذهن از امور واهی) نبود هرچه من می‌بینم شما هم می‌دیدید و هرچه من می‌شنوم شما هم می‌شنیدید.»^(۱)

۹- دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی و نتیجه بحث:

در اینجا با توجه به مطالب یادشده درباره امکانات مسلمانان فعلی دنیا به طور فشرده، سخنی به میان می‌آوریم که اگر به راستی این امکانات برای یک برنامه‌ریزی جامع و حساب شده در جهت اجرای اسلام که زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) است به کار گرفته می‌شد چقدر مثمر‌تر و نتیجه‌بخش بود!

امکانات مسلمانان را از چند جهت می‌توان بررسی کرد

الف: از جهت نیروی انسانی و اتحاد:

امروز حدود یک میلیارد نفر مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند و یک

چهارم جمعیت کره زمین را تشکیل می‌دهند و حدود ۴۷ کشور مستقل دارند، و در بسیاری از کشورها هم دارای نیروی عظیم می‌باشند، مثلاً هندوستان یک کشور اسلامی نیست ولی دارای یکصد و پنجاه میلیون مسلمان است و در شوروی (سابق) شصت تا هفتاد میلیون مسلمان وجود داشت و در سایر کشورها نیز تعدادشان بسیار زیاد است. اگر اینها متحد شوند، هیچ قدرتی در دنیا بدون جلب رضای اینها نمی‌تواند حاکم باشد، با توجه به اینکه اگر نفوس یک میلیارد مسلمان بوسیله عقیده به اسلام، مرتبط گردد چه قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد!

و با توجه به اینکه در دنیای امروز قدرتهایی که وجود دارد، یکی از آن قدرتها مارکسیسم است که در کشورهای مارکسیستی هستند، که با فروپاشی آن در شوروی، از هم پاشیدند، و آنها که باقی مانده‌اند، اگر تحت این عنوان با هم متحد شوند، چه می‌توانند بکنند، با اینکه بین آنها نیز تفرقه شدید است، کمونیستهای چین و کمونیستهای شوروی سابق را تکفیر می‌کنند و به عکس...

یکی از قدرتها، قدرت مسیحیت است، می‌گویند در دنیا بیش از یک میلیارد مسیحی وجود دارد، اما مسیحی‌ها هم با هم اختلاف شدید دارند، نیروی عظیم پروتستان، اصلاً کاتولیکها را قبول ندارند، به علاوه مکتبشان یک مکتب زاینده و حرکت بخش نیست، یهودیها

در دنیا حدود ده میلیون یا پانزده میلیون نفر می‌باشند که از تفرقه شدیدی برخوردارند.

بودائیه‌ها زیاد هستند، ولی یک تیپ خاصی می‌باشند و داعیه اجتماعی و سیاسی ندارند، سیکها نیز چیزی نیستند، تنها قدرت عظیمی که تحت پوشش آئین حرکت آفرین اسلام بی‌بدیل و رقیب می‌ماند، مسلمانان هستند، اگر اینها یک جریان خوب اجتماعی برای خود درست کنند، از ساخت حساسترین اسلحه‌های اتمی و سفینه‌های فضانوردی تا ساخت سوزن سنجاق برای خودشان امکان متخصص داشتن و تکنیک در سطح عالی وجود دارد...

بسیاری از همین مغزهای اسلامی، مراکز صنعتی اروپا و آمریکا را می‌گردانند، به آنجا رفته‌اند و مانده‌اند و فسیل شده‌اند.

و در مجامع بین‌المللی، مسلمانان ۴۵ - ۴۶ رأی مستقل دارند، که اگر هر نفرشان بتواند یک رأی از کشورهای دیگر را به دست آورند دارای ۹۰ رأی خواهند شد هیچ بلوکی در دنیا نیست که آن‌همه رأی داشته باشد.

قدرتهای غیر اسلامی، به عنوان یک قدرت نیرومند وجه مشترکی ندارند که آنها را به هم پیوند دهد، ولی اسلام با عنوان «حَبْلُ اللَّهِ» (رابط دینی خدا) همه را به هم پیوند می‌دهد، و از قطرات باران سیل بنیان‌کن جاری می‌سازد.

ب: امکانات جغرافیائی دنیای اسلام:

اسلام دارای امکانات جغرافیایی عظیمی است که با هیچ قدرتی در دنیا قابل مقایسه نمی باشد، خلیج فارس و تنگه هرمز، دو طرفش در دست مسلمانان است، دو طرف کانال سوئز، در دست مسلمانان است، یک طرف جبل الطارق در دست مسلمانان است، عبور از اقیانوس هند بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست، اقیانوسیه در دست مسلمانان است، و در جنوب آفریقا مهمترین خط کشتیرانی دنیا وجود دارد، اگر مسلمانان مایل نباشند، عبور در آن ممکن نیست، یکطرف دریای استراتژیکی مدیترانه در دست مسلمانان است، تنگه دارانل و بسفور هم در دست مسلمانان است و...

ج: امکانات اقتصادی دنیای اسلام:

وضع اقتصادی مسلمانان در حدی است که تنها در اوپک حداقل ۴۰٪ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تأمین می شود، و اگر این امر نباشد دنیا خاموش می گردد، قاره آفریقا (که ۷۰٪ آن مسلمانان هستند) انبار باروت اروپاست، اگر این انبار را ببندند اروپا خفه می شود و نمی تواند ادامه زندگی دهد.

مثلاً ژاپن یکپارچه به دنیای اسلام وابسته است و اگر دوماه

رابطه‌اش را با دنیای اسلام قطع کند به یک جزیره سرد و خاموش تبدیل می‌شود.^(۱)

کوتاه سخن اینکه: دنیای اسلام بدون نیاز اقتصادی به دنیاهای دیگر می‌تواند ادامه زندگی دهد اما دنیاهای دیگر بدون نیاز به دنیای اسلام نمی‌توانند ادامه زندگی دهند.

ما با سران حکومت‌های اسلامی که خود را فروخته‌اند حرفی نداریم، با ملت‌های مسلمان حرف می‌زنیم، اگر برآستی آنها با نهضت خود و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق آنهمه امکانات را برای تحقق آرمان اسلامی بکارگیرند و با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و برنامه‌ریزی‌های دقیق درجهت حکومت جهانی تحت رهبری یک مصلح عادل و عالم حرکت کنند، آن وقت است که دنیا آماده ظهور حضرت مهدی (عج) خواهد شد و همه آن چیزهایی که ناممکن تصور می‌کردیم، ممکن می‌شود و تحقق می‌یابد.

به امید یک چنین تحول عظیم و به کارگیری امکانات دنیای اسلام تحت فرماندهی عظیم و وسیع اسلام.



﴿ ویژگیهای یاران حضرت مهدی (عج) ﴾

مقدمه:

بر هیچکس پوشیده نیست که برای پیروزی انقلاب و شکست و نابودی حکومت‌های جور و ستم نیاز به عوامل بسیاری است، که در رأس آنها حضور در صحنه و حمایت و تلاش خستگی ناپذیر، و آگاهی و تحمل رنجها و امید به آینده درخشان است و به عبارت دیگر یاران حضرت مهدی (عج) دارای این ویژگیها هستند.

ما وقتی که زندگی و مراحل دعوت پیامبران علیهم‌السلام را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، می‌بینیم هرکجا آنها حامی و یاور داشتند و این حامیان و یاوران به طور آگاهانه و قاطع در صحنه بودند و با امید و توکل به خدا به پیش می‌رفتند، پیامبرشان - هر چند در بخشی از اهدافش -

به پیروزی می‌رسید و در غیر این صورت شکست ظاهری نصیبش می‌شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چندین مسئله مبهم را در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) روشن و ثابت کرد، از جمله اینکه در شرایط فعلی دنیا هر چند غرق در گناه و فساد باشد، انقلاب و دگرگونی، نه تنها ممکن بلکه عملی است و دیگر اینکه باید دنبال کار را گرفت و امید به آینده داشت، از همه روشنتر اینکه باید حمایت و بسیج همه جانبه شود و با وحدت و تجمع یاران مخصوص، به این کار بزرگ یعنی آماده کردن جهان برای ظهور حضرت قائم (عج) دست زد.

با توجه به اینکه بهترین حکومت آن است که به طور طبیعی و خودجوش روی کار آید نه به طور تحمیلی و زور، آنانکه می‌گویند حکومت حضرت مهدی (عج) بدون معجزه امکان پذیر نیست گویا به این اشکال توجه ندارند که اگر بنابر معجزه و اجبار - هر چند اجبار فکری - باشد آن حالت زیبای طبیعی و خودجوش خود را از دست می‌دهد و یک نوع حکومت تحمیلی می‌گردد.

البته ما منکر امدادهای غیبی نیستیم، وقتی مردانی با اخلاص و صداقت به پیش رفتند خداوند هم آنها را یاری می‌کند و به اهدافشان می‌رساند.^(۱)

۱- «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (ممتد - ۷).

بنابر این همان گونه که در بسیاری از روایات آمده^(۱) حکومت حضرت مهدی (عج) همچون حکومت پیامبر اسلام ﷺ است - منتها در سطح وسیعتر و عمیقتر - همانگونه که یاران آگاه و با استقامت آنحضرت در صدر اسلام شیران روز و پارسایان شب بودند و نقش مؤثر و مهم در تشکیل حکومت اسلامی را ایفاء کردند، حکومت حضرت حجت (عج) نیز از این قانون مستثنی نیست، و چنانکه در جای خود مشروحاً بیان شده معنای واقعی «انتظار» نیز آمادگی یاران و بسیج همه جانبه آنها در سطح وسیع مناسب با حکومت جهانی است.

ویژگیهای یاران آنحضرت در قرآن:

در قرآن این کتاب انسان‌ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه حضرت مهدی (عج) یک آیه است که بسیار امید بخش و سازنده است، این آیه در حقیقت بیانگر حقائق و واقعیهائی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعقیب گردد، موانع سر راه را بر می‌دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می‌دهد.

در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید:

۱ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۵۲ (یصنع کما صنع رسول ...).

«ای مؤمنان هرکس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می‌آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

- ۱ - هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.
- ۲ - در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.
- ۳ - در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.
- ۴ - به طور پی‌گیری در راه خدا جهاد و تلاش می‌کنند.
- ۵ - در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای نمی‌هراسند.

این فضل خدا است که به هرکس بخواهد (وشایسته ببیند) می‌دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.»^(۱)

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده از جمله اینکه: این آیه در مورد یاران حضرت مهدی (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت، در مقابل مرتدین و کارشکنان می‌ایستند، و برای برقراری حکومت عدل امام قائم (عج) و برقراری عدالت در کل جهان تلاش می‌کنند.^(۲)

۱ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَوْتِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ...

۲ - تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۷ - مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.

و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر (حضرت مهدی «عج») در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است.»^(۱)

ویژگی اول:

به عشق آن یاران به خدا اشاره می‌کند، آنها که جز به خدا نمی‌اندیشند، در حدی که خداوند نیز آنها را دوست دارد. روشن است که چنین روحیه‌ای که در پرتو ایمان و توکل بدست می‌آید، بزرگترین عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجاز‌آمیز و شگفت‌انگیز می‌باشد.

ویژگی دوم:

به پیوند اخلاقی و وحدت و یکپارچگی با مؤمنان اشاره می‌کند که نقش آن در پیشبرد کار بسیار مهم و چشمگیر است.

ویژگی سوم:

حاکمی از سازش ناپذیری مؤمنان در برابر کافران، و نه شرقی بودن و نه غربی بودن آنها است، که در پرتو آن هرگونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می‌گردد....

ویژگی چهارم:

جهاد و مبارزه پی‌گیر با کفار و دشمنان اسلام است.

بالاخره ویژگی پنجم:

که بسیار مهم است، قاطعیت و پایداری مؤمنان را بیان می‌کند که روح محافظه‌کاری و مجامله در آنها نیست، از عوامزدگی و محیط‌زدگی و غوغای اکثریت منحرف و استهزاء آنها نمی‌هراسند، و با گامهای استوار در صراط مستقیم حرکت می‌کنند و یاوه‌های چپ و راست در حرکت آنها اثر ندارد.

و باید به آغاز آیه نیز توجه داشت که ارتداد و بیعت شکنی عده‌ای وجیه المله، آنها را سست و نگران نمی‌کند، آنها شرایط سخت حاضر را معیار قرار نمی‌دهند امید به آینده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آنها را سست و لرزان نمی‌کند.

در میان این ویژگیها هر چند همه در جای خود از اهمیت بسیار برخوردارند ولی این ویژگی پنجم از همه مهمتر به نظر می‌رسد ابوذر غفاری، آن مرد نستوه و قاطع را در تاریخ با این لقب: **لَا يَخَافُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً** می‌خوانند، و خود می‌گوید: پیامبر ﷺ به من سفارش کرد که در راه خدا از یاوه‌سرائی یاوه‌سرایان و سرزنش‌کنندگان نه‌راسم.^(۱)

وقتی که حِجْر بن عدی آن بزرگمرد خدا با یارانش به فرمان معاویه به شهادت رسیدند، امام حسین علیه السلام بزرگترین چهره انقلابی تاریخ به عنوان اعتراض به معاویه نوشت و در آن نامه بخصوص این ویژگی حجر و یارانش را تذکر داد و نوشت:

«تو کسانی را کشته‌ای که امر به معروف و نهی از منکر

می‌کردند، گناه را بزرگ می‌شمردند **وَلَا يَخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً**

لَا تُؤْمِرُ؛ و در راه خدا از ملامت، ملامت کنندگان

نمی‌هراسیدند»^(۱)

بسیاری هستند از یاوه سرائیهای رسانه‌های همگانی شرق و غرب تحت تأثیر قرار می‌گیرند و خود را می‌بازند، ولی اگر دارای این ویژگی بودند، هیچگونه تحت تأثیر قرار نمی‌گرفتند بلکه بیشتر به راه خود ادامه می‌دادند.

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران اسلام در ایران:

در روایتی می‌خوانیم وقتی از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد آیه مذکور سؤال کردند پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر شانه سلمان رضی الله عنه نهاد و فرمود:

«منظور از این یاران، هموطنان این شخص هستند.»

سپس فرمود:

«لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَّاتِ لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنَ الْفَارِسِ؛

اگر دین به ستاره ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد،

مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت.»^(۱)

اگر کوششهای پی‌گیر و نتیجه‌بخش ایرانیان را در طول تاریخ

اسلام بررسی کنیم، بخصوص در قرن معاصر، و پیروزی انقلاب

اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم (عج) به

خوبی به حقانیت این پیشگویی پی‌می‌بریم، بعلاوه این پیشگویی

اعجاز آمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن

مردم جهان به سوی حکومت مهدی (عج) نقش مؤثر و اساسی دارند،

و چنانکه از نشانه‌هایش پیداست، نسبت به آینده امید بخش است.^(۲)

به هر حال همانگونه که در آخر آیه مذکور می‌خوانیم باید امید به

فضل و لطف خدا داشت، فضل و رحمت خدا وسیع است، و حتماً

شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد.

به این ترتیب نتیجه می‌گیریم که طرفداران جدی تشکیل

۱ - مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۲۰۸ - نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲ - در بعضی از روایات بجای دین «علم» آمده است (حلیه ابونعم اصفهانی، جلد ۶، صفحه ۶۴) - شرح بیشتر این مطلب را در کتاب «ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و ...» تألیف نگارنده بخوانید.

۲ - و طبق بعضی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام‌زمان علیه السلام از عجم هستند. (اثبات‌الهداة، ج ۷، ص ۹۲).

حکومت جهانی به رهبری قائم (عج) باید با کسب ویژگیهایی که در تفسیر آیه مذکور بیان شد، در هر جا ستاد مقاومت و تلاش تشکیل دهند و بدانند که حتماً با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود خواهند رسید.

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و بطور ملموس موضوع را ترسیم می‌کنیم:

از شما می‌پرسم برآستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قرارداد اسلام تحت رهنمودهای پیامبر ﷺ و آتش، تحت نظر مردان صالح و آگاه خود، همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند، و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم‌کم آنرا توسعه داده و به تهذیب و تکمیل آن پردازند چقدر به حکومت جهانی امام قائم (عج) نزدیک خواهند شد؟

امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه‌های عینی و ملموس، دنبال کار را بگیرد که مسلماً به نتیجه خواهد رسید.

تحلیل سخنی از امام سجاد علیه السلام:

امام سجاد علیه السلام درباره منتظران و یاران حضرت مهدی (عج) به یکی از دوستانش بنام ابو خالد رضی الله عنه چنین فرمود:

«مردمی که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می‌برند و معتقد به امامت و رهبری آنحضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش

هستند، از مردم هر زمانی برترند، چرا که خداوند آنها را آنچنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان همچون ظهور آنحضرت است، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر در پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند.»^(۱)

در این روایت مردم منتظر ظهور امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به عنوان «برترین مردم» همه زمانها خوانده شده‌اند و در پایان به عنوان «انسانهای خالص و شیعیان راستین» لقب گرفته‌اند به خاطر سه ویژگی:

نخست: به خاطر آگاهی و شناخت به گونه‌ای که غیبت امام زمان علیه السلام را همچون حضور او دانسته و تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست به انتظار می‌نشینیم تا امام زمان علیه السلام ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

۱ - قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام: يَا أَبَا خَالِدٍ إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنْ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا ضَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّيْفِ أَوْلِيكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالِدُّغَاةَ إِلَى اللَّهِ سَوًّا وَجَهْرًا.

دوم: به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که در پیشاپیش پیامبر اسلام ﷺ با دشمن می‌جنگیدند، بی‌تفاوت نیستند و تا آخرین حد توان در صحنه نبرد حضور دارند.

شوم: به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می‌خوانند:

اولاً دعوتشان به سوی خداست نه به سوی شرق و غرب، ثانیاً همواره در آشکار و نهان کارشان هدایت و روشنگری است تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه و ویژگیهای یاران امام زمان علیه السلام را می‌شناسیم و در یک جمع‌بندی کوتاه چنین نتیجه می‌گیریم که اگر هواداران امام زمان علیه السلام دارای چنین ویژگیهایی باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم (عج) نزدیک می‌شود و قدمهای بزرگ و مؤثری برای ظهور آنحضرت برداشته خواهد شد.

حرکت انقلابی نه گام به گام:

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی (عج) باید مورد توجه قرار گیرد این که از روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) کاملاً استفاده می‌شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفقورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی (عج)

پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی و اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می‌کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی (عج) باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخوردار نمود اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجه فرمائید:

۱ - پیامبر ﷺ فرمودند:

«مردمی از مشرق زمین بپا خیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (عج) شوند.»^(۱)

تعبیر «خروج» که در فارسی معادل؛ نهضت و شورش و انقلاب است دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی (عج) است نه حرکت گام به گام.

ضمناً از این روایت استفاده می‌شود، یاران زمینه‌ساز برقراری حکومت حضرت مهدی (عج) در مشرق زمین هستند.

۲ - شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید:

«مردم گویند وقتی که حضرت مهدی (عج) قیام کرد کارها به طور طبیعی به پیش می‌رود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نمی‌شود؟»

امام در پاسخ فرمود: به خدا سوگند چنین نیست اگر چنین چیزی ممکن بود در مورد پیامر اسلام صلی الله علیه و آله صورت می‌گرفت،

۱ - يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتِطُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَةً (کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶).

در صورتی که دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پیشانیش شکست، به خدا سوگند نهضت امام قائم (عج) تمام نمی‌شود مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خونها ریخته شود، پس دست به پیشانی مبارکش مالید.»^(۱)

۳- امام باقر علیه السلام در ضمن گفتاری فرمودند:

«وقتی قائم ما (عج) قیام کرد هر یک از شما به اندازه قوت چهل مرد نیرو پیدا می‌کند، و دلهای شما همچون پاره‌های آهن می‌شود که اگر به کوهها بزنند آنها را می‌شکافند...»^(۲)

۴- نیز فرمود:

«قیام حضرت مهدی (عج) از این جهت شباهت به لشکر حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد که با شمشیر قیام می‌کند و دشمنان خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و گمراه کنندگان را به قتل می‌رساند و با شمشیر و ترساندن، پیروز می‌گردد، آنچنان پیروزی که هیچ پرچمی از او شکسته نمی‌شود.»

۱- بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۵۸.

۲- بحار، جلد ۵۲، ۳۳۵- نظیر این روایت با کمی تفاوت از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: «إذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوة الرجل منهم قوة اربعين رجلا و يكونون حكام الارض و سنامها...»

وقتی که قائم ما قیام کند خداوند متعال، پیروان ما را از آفات حفظ کند و قلب آن را همچون پاره آهن محکم سازد و نیروی هر مردی از آنها را به اندازه نیروی چهل مرد کند، و آنها حاکمان و سران مردم روی زمین خواهند بود (بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷).

روشن است که کلمه شمشیر، کنایه از جنگ یا اسلحه است.

۵- روایاتی که درباره ویژگیهای منتظرین حضرت مهدی (عج) آمده نیز مطلب فوق را تأیید می‌کنند که در بسیاری از این روایات آمده:

«منتظرین همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا ﷺ

بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می‌سازند.»^(۱)

ضمناً لقب قائم «عج» (قیام کننده) برای حضرت مهدی (عج) و

اوصافی که در مورد او آمده مانند اینکه: حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«قائم «عج» در سن پیران ولی به صورت جوانان ظاهر می‌شود،

بقدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگترین درخت روی

زمین دست دراز کند آن را از ریشه می‌کند و اگر در میان کوهها

فریاد بزند سنگهای سخت آن متلاشی می‌گردند.»^(۲)

۶- در بعضی از تعبیرات ائمه علیهم السلام آمده:

«وَلَوْ مَرُّوا الْجِبَالَ مِنْ حَدِيدٍ لَيَقَطُّوهَا لَا يَكْفُونَ

سُيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛

اگر این یاران به کوههایی از آهن عبور کنند آنها را قطعه قطعه

کنند، اسلحه‌هایشان همواره در کار است تا خداوند راضی

شود.»^(۳)

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۱۹.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

اینها همه حاکی است که قیام حضرت مهدی (عج) یک حرکت عمیق انقلابی در کل جهان است و باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر ارتش عمومی و مجهز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه‌ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتواند او را به عنوان سرباز امام زمان علیه السلام خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجه کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

(همراه ظهور قائم «عج») بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت مهدی «عج» می پیوندند)، پانزده نفر آنها از قوم موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف‌اند و بقیه عبارتند از: یوشع بن نون علیه السلام، سلمان علیه السلام، ابودجانه انصاری علیه السلام، مقداد علیه السلام و مالک اشتر علیه السلام اینها در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و فرماندهان آنحضرت به شمار می آیند. ^(۱)

با توجه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی علیه السلام که همه جا حامی موسی علیه السلام بودند و تسلیم دعوت سامری

نشدند و همواره در این فکر بودند که از خط موسی علیه السلام خارج نشوند، چنانکه در قرآن (آیه ۵۹ سوره اعراف) اشاره‌ای به این گروه صالح و در خط حق و عدالت شده است، همان پانزده نفر مذکور در روایت فوق می‌باشند.

و همچنین با توجه به داستان زندگی آزاد مردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منی آنها با طاغوت زمانشان ... و همچنین با توجه به حمایتها و فعالیت‌های یوشع بن نون (وصی حضرت موسی علیه السلام) در راه توحید چنانکه در تاریخ آمده و با توجه به زندگی برجسته مردانی همچون ابوذبحانه انصاری، سلمان رضی الله عنه، مقداد رضی الله عنه و مالک اشتر رضی الله عنه در می‌یابیم که یاران راستین حضرت مهدی (عج) باید چگونه افرادی باشند؟ و در چه خطی باشند و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟

- ﴿ تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران ﴾
- ﴿ مخصوص امام زمان علیه السلام و دیگر یاران آن حضرت ﴾

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجه کنید:

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر:

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السلام نوشته شده که هنگام ظهور آنحضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (عج) هستند، اکنون بجااست که در این کتاب درباره این افراد خاص به بررسی فشرده‌ای پردازیم، برای روشن شدن مطلب نخست صحت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده سپس ویژگیهای این یاران را بیان می‌کنیم.

به طوری که در کتب مربوطه مانند بحارالانوار، (طبع قدیم، جلد ۱۳، و نیز چاپ جدید جلد ۵۲)، اثبات الهداة، جلد ۷، و منتخب الاثر و... آمده، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاص حضرت قائم (عج)

به آنحضرت، هنگام ظهور در مکه «متواتر» است، یعنی به اندازه‌ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می‌کند که این حدیث صحیح است، و از پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ نقل شده است.

بنابر این نباید شکمی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین ﷺ نمود.

توضیح بیشتر اینکه: این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده و در مجموع به اصطلاح، تواتر معنوی بر صحت صدور آن از معصومین ﷺ داریم، اکنون با توضیحات کوتاه، ویژگیهای این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم (عج) را در امور ده‌گانه زیر بررسی می‌کنیم:

۱- امام در انتظار آنها بسر می‌برد:

هنگام ظهور امام قائم (عج) آنحضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه (کانون و مرکز توحید) کند و صدای دل‌آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی بنام «ذی طوی»^(۱) در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می‌کند، تا اینکه آنها می‌آیند و به آنحضرت می‌پیوندند...^(۲) و از آنجا همراه امام به کنار کعبه می‌روند...^(۳)

۱- ذی طوی در حدود یک فرسخی مکه در راه تنعیم قرار گرفته است (مجمع البحرین مادة طوی).

۲- این حدیث از امام باقر علیّه نقل شده (بخار، ج ۵۲ ص ۳۰۴ و ۳۰۷).

۳- اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۹۲.

۲- آنها از اطراف جهان جمع می‌شوند:

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه‌ها جمع شده و به امام قائم (عج) می‌پیوندند چنانکه در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده:

«يَجْمَعُ اللَّهُ مِنْ أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ
ثَلَاثِمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا؛

خداوند - برای حضرت قائم - از دورترین شهرها، به تعداد

جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می‌کند.»^(۱)

۳- آنها نخستین بیعت‌کنندگان با امام قائم (عج) هستند:

هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین علیه السلام با امام قائم (عج) بیعت می‌کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند، چنانکه این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود.^(۲)

البته باید توجه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفرند، وگرنه به طور سریع بر یاران آنحضرت افزوده می‌شود به طوری که در همان آغاز به ۱۰/۰۰۰ نفر می‌رسند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۰- به همین مضمون در کتاب اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۷۶، نقل شده با این بیان که حضرت قائم (عج) کنار در حرم می‌ایستد و با فریاد، یارانش را می‌طلبد، خداوند در یک شب ۳۱۳ نفر یارانش را از دورترین نقاط زمین در آنجا به گردهم می‌آورد.

۲- بحار، ج ۲، ص ۳۱۷- أَوَّلُ مَنْ يَأْتِي جِبْرَائِيلَ ثُمَّ ثَلَاثِمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا.

«مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوَّلِهِ قَوْمٌ وَ مَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ
مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛

امام زمان علیه السلام خروج و ظهور نمی کند مگر همراه یاران نیرومند

و رشید، و این یاران کمتر از ۱۰/۰۰۰ نفر نیستند.»^(۱)

۴- آنها جانبازان سلحشورند:

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان قائم (عج) جمع می شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه و جانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می دهند، چنانکه این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است.^(۲)

۵- آنها پرچمداران و حاکمان روی زمیبلند:

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفار و دشمنان اسلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشمنان چنین

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ص ۳۲۷.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

شکستی از اسلام نخورده بودند، و اصلاً تصور چنین شکستی را نمی‌کردند.

به علاوه، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می‌باشند، این ویژگیها حکایت از آن می‌کند که این افراد علاوه بر سلحشوری و شجاعت، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه‌ها را دارند و شایستگی آن را دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت: هنگام برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد، و در هر یک از این ایالتها و استانها این مردان بزرگ رهبر آنجا گردند، اینک به اصل روایت توجه کنید:

«عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام وَ كَانِي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ (عج) عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثِمِائَةً وَ ثَلَاثَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ الْبَدْرِ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ ...»

امام صادق عليه السلام فرمود: گویا امام قائم (عج) را بر بالای منبر کوفه می‌نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد به تعداد جنگاوران مسلمان جنگ بدر، اطرافش را گرفته‌اند، این یاران پرچمداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند.»^(۱)

۶. آنها امت معدوده و همچون پاره‌های ابرهای متراکم هستند:

در قرآن می‌خوانیم:

«هر جا که باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند.»^(۱)

در تفسیر این آیه، امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ (عج)، الثَّلَاثِمِائَةَ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ
رَجُلًا وَاللَّهِ هُمْ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهِ
فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَنْعٌ كَقَنْعِ الْخَرِيفِ؛

منظور یاران قائم (عج) اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور
از امت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا
سوگند در یک ساعت همگی جمع می‌شوند همچون پاره‌های

ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می‌گردد.»^(۲)

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می‌گوید: خدائی که قدرت دارد
ذرات پراکنده خاک انسانها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع
آوری کند به آسانی می‌تواند یاران مهدی (عج) را در یک روز و یک
ساعت برای افروختن نخستین جرقه‌های انقلاب به منظور تأسیس
حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع نماید.

۱ - سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲ - تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹، به نقل از روضة کافی و اثبات الهداة، ج ۷، ص ۵۰ - بحار ج ۵۲.

تعبیر «امة معددة» و همچنین به پاره‌های ابر پائیزی که توده‌های آن جمع و متراکم می‌گردند، حاکی است که این ۳۱۳ نفر خود یک «امت» هستند و همچون توده‌های ابرهای متراکم، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می‌باشند.

۷- آنها رکنها و پایه‌های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکم‌اند:

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود علیه السلام که در آن آمده حضرت لوط علیه السلام به قوم سرکش و تبهکار خود گفت:

«لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ؛

(افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه‌گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می‌دانستم که با شما پس فطرتان چه کنم)».

فرمود: منظور از «قوة» همان قائم «عج» است و منظور از

«رکن شدید» (پشتیبانان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند.^(۱)

آری حضرت لوط علیه السلام آرزو می‌کند که ای کاش مردانی مصمم، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم‌پیمانهای نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) را تشکیل می‌دهند در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

۱- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۸ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۰.

و طبق روایتی می‌خوانیم آنها همچون پاره‌های آهن «محکم و استوار» هستند.^(۱)

۸- چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر:

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران مخصوص «مفضل» رضی الله عنه فرمود:
 «وقتی که امام قائم (عج) از سوی خدا اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره‌های ابر پائیزی به سوی او می‌شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبحگاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده می‌شوند که بر روی ابر حرکت می‌کنند... تا آنجا که فرمود:

این آیه «هر کجا باشید خداوند همه را حاضر می‌کند»^(۲)
 درباره آنها نازل شده است»^(۳)

یکی از اصحاب می‌گوید: در مسجد الحرام در مکه در حضور امام باقر علیه السلام بودم آنحضرت دستم را گرفت و فرمود:
 «بزودی خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همین مسجد حاضر کند،

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

۲- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۴.

مردم مکه می‌دانند که هنوز پدران و اجداد آنها خلق نشده‌اند، همراه آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسبش نوشته شده، سپس به دستور امام (عج) شخصی اعلام می‌کند:

این مهدی (عج) همچون داود علیه السلام و سلیمان علیه السلام قضاوت می‌کند و گواهی نمی‌خواهد.^(۱)

و در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«بر شمشیرهای آنها هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن کلید هزار کلمه دیگر است و آنحضرت، باد را در هر درّه‌ای بفرستد که ندا کند: این مهدی (عج) است که قضاوت و حکومتش همچون قضاوت و حکومت داود علیه السلام است و گواهی از متخلفین نمی‌خواهد.»^(۲)

و بالاخره امام باقر علیه السلام فرمود:

«امام قائم (عج) دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از نژاد «عجم» هستند، بعضی از آنها در روز بر روی ابر سوار شده و راه می‌روند، و بنام و پدر و اوصاف و نسب معروفند^(۳) و بعضی از آنها در بستر خود خوابیده‌اند و بدون وعده قبلی در مکه به حضور امام قائم (عج) شرفیاب می‌گردند.»^(۴)

۱ - مدرک پیشین، ص ۹۰.

۲ - مدرک پیشین، ص ۹۱.

۳ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۲ و بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۰ و المجالس السنیة، ج ۵، ص ۲۴.

۴ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۲.

این روایات حاکی است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انسانی، افراد شایسته و شخصیت‌های ممتاز و قاطع و دلیر و دارای امکانات وسیع بوده و شایستگی آن را دارند که نخستین دسته گروندگان به آنحضرت باشند و هسته مرکزی حکومت حضرت قائم (عج) و سران ارتش انقلاب جهانی ایشان را تشکیل می‌دهند.

۹- دست خدا بالای سر امام (عج) و یارانش:

از آنجا که این مردان آزاده، برآستی به امام قائم (عج) می‌پیوندند تا در راه او هرگونه جانبازی لازم را بنمایند، خداوند نیز یار و یاور آنها است و با نیروهای غیبی آنها را کمک می‌کند.
چنانکه قرآن می‌فرماید:

«ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اقدامکم؛

اگر شما خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می‌کند و گامهای شما را استوار می‌دارد.»^(۱)

امام سجاده علیه السلام فرمود:

«گویا صاحب شما (حضرت قائم «عج») را می‌بینم که همراه سیصد و اندی نفر در پشت کوفه به نجف مشرف شده، جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ

واسرافیل علیه السلام در پیش روی او است، پرچم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را برافراشته و آن پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان متمایل نکند، مگر اینکه خداوند آنانرا به هلاکت می‌رساند.^(۱)

نیز در ضمن روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«هنگام خروج قائم (عج) منادی خدا از آسمان فریاد می‌زند: ای مردم! مدت ستمگران تمام شد، و کار بدست بهترین امت محمد صلی الله علیه و آله افتاد، روانه مکه شوید.»^(۲)

به این ترتیب می‌بینیم دست خدا همراه مهدی (عج) و یارانش است، در این صورت پیروزی آنها حتمی است از طرفی در روایات می‌خوانیم خداوند خروج قائم (عج) را در یک شب سامان می‌بخشد.^(۳) به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر علیه السلام این انقلاب نیاز به یاران قهرمان و رشید دارد، و باید در این راه خونها ریخته شود و عرقها در بدن جاری گردد.^(۴)

یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسول خدا را به دست گرفته و اسلحه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را با خود حمل می‌کند، و پیراهن خونی شده‌ای را که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ احد در تن داشت به تن دارد.^(۵)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲ - مدرک پیشین.

۳ - مدرک پیشین، ص ۱۱۴، يصلح الله امره في ليلة.

۴ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۵ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۲ - ۳۰۱.

۱۰- نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی (عج):

جالب اینکه از امام باقر علیه السلام نقل شده فرمود:

«... و یحییٰ واللّه ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم
خمسون امرئة یجتمعون بمكة علی غیر میعاد قزعا کقزاع
الخریف؛

سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می آیند در میانشان ۵۰
نفر زن هستند، در مکه اجتماع می کنند بی آنکه قبلاً وعده داده
باشند، آمدنشان همچون ابرهای پائیزی است (که با حرکات
تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند).^(۱)

شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثر
و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور در
دامان پاک خود می پروراندند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان
محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین
خود شهیدپرور باشند، آتش انقلاب را شعله ور سازند، و در کنار
جبهه ها به پانسمان زخمی ها پردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.

در روایات آمده پس از جنگ اُحد بدن حضرت علی علیه السلام پر از
زخم شد به طوری که ۶۰ مورد از بدن مولا علی علیه السلام بریدگی سخت

پیدا کرد، پیامبر خدا ﷺ دو زن بنام امّ سلیم و ام عطیه را مأمور مداوا و پانسمان زخمهای بدن مبارک امام علی علیه السلام نمود، آنها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند بقدری بدن حضرت علی علیه السلام پر از زخم شده که هر زخمی را می‌بندیم در کنارش زخم دیگری شکافته می‌شود.^(۱)

نیز در روایات آمده پنجاه نفر از اصحاب (یاران خاص) حضرت قائم (عج) زن هستند.^(۲)

به این ترتیب: زنان نیز باید شخصیت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می‌توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب امام مهدی (عج) گردند، و در جبهه‌های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعال نمایند، و همچون زینب کبری علیه السلام مسؤولیت‌های سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. (به امید آن روز).

به این حدیث جالب نیز توجه کنید:

مفضل علیه السلام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«همراه مهدی (عج) سیزده زن هست.

عرض کردم این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج)

هستند؟

۱ - تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۶۹، به نقل از اصول کافی.

۲ - ویروی ان خمسين امرّة من اصحاب الامام المهدی (عج) (المجالس السنیه، ط، نجف ج ۵ ص ۵۵۱).

فرمود: اینها مجروحان را مداوا می‌کنند و از بیماران جنگی پرستاری می‌نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام ﷺ همراه آنحضرت در جنگها این کارها را به عهده می‌گرفتند.»^(۱)

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبة البیان منسوب به امام علی علیه السلام آمده نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر علیه السلام می‌رسد دو نفر بصری بنام علی و محارب، و شش نفر دیگر از ابدال بنام عبدالله هستند.^(۲)

و بالاخره در وصف یاران مهدی (عج) از امام صادق علیه السلام به این مضمون آمده است:

«آنچنان در برابر فرمانده کَلّ قوا خبردار ایستاده‌اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی‌خورند غذایشان تمام شده، در عین حال آثار سجده در پیشانی‌شان پیدا است، شیران روز و پارسایان شب هستند و قلبشان همچون پاره آهن محکم است. همراه آنها پرچمی است که جبرئیل علیه السلام در جنگ بدر برای پیامبر ﷺ آورد ... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بردشمنان مسلط می‌کند از مکه بیرون نمی‌آید تا اینکه

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۷۱.

۲ - الاوائل، ص ۲۳.

«حلقه‌ای» در اطرافش باشند، شخصی پرسید: این حلقه از چند نفر تشکیل شده؟

امام صادق علیه السلام فرمود: از ده هزار نفر که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام علیه السلام پرچم فتح را برافرازد و حرکت کند و در مشرق و مغرب کسی نماند جز اینکه «از روی عناد» بر آن پرچم لعنت کند.^(۱)

نتیجه بحث و بررسی بیشتر:

از گفتار گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که یار و یاور، آنهم یاران جانباز و مخلص و آگاه و متعهد از شرایط اولیه ظهور حضرت مهدی «عج» است باید در همه نقاط جهان، افرادی از مرد و زن آماده شوند و خود را با یاران حقیقی (عج) تطبیق دهند، یارانی ممتاز و آگاه در همه زمینه‌ها، یارانی ایشارگر و رزمنده و دشمن برانداز. و باید علاقمندان به ظهور قائم (عج) چنین باشند و چنین یارانی در همه جا به وجود آورند تا زمینه خوبی برای نزدیک شدن ظهور گردند.

۱- بحار، ج ۵۲ ص ۳۶۷- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۸- گویا اشاره به شرقیهای طرفدار سیستم کمونیسم و

غربیهای طرفدار کاپیتالیسم - که با این پرچم مخالفت می‌کنند - می‌باشد.

برای این که بیشتر به سلحشوری یاران حضرت مهدی (عج) پی
ببریم، در پایان به این روایت نیز توجه کنید:
امام باقر علیه السلام فرمود:

«القی الرعب فی قلوب شیعتنا من عدونا، فاذا وقع امرنا
و خرج مهدینا کان احدهم اجری من اللیث و امضی من
السنان و یطاعدوننا بقدمیه و یقتله بکفیه؛

امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و
چون امر ما واقع شود و حضرت مهدی (عج) ما خروج کند، هر
کدام از دوستان ما از شیر، دلیرتر و از نیزه برانتر شوند و
دشمنان را پا مال کنند و با دست و چنگ بکشند.»^(۱)

به هر حال چنانکه از روایات استفاده می شود: فتح و پیروزی
همراه امام قائم (عج) است و هر کجا که می رود فتح و پیروزی در آنجا
به دست می آید.^(۲)

سرانجام در غرب و شرق به حمایت از آن حضرت بر
می خیزند.^(۳)

و طبق روایتی سیصد و شصت مرد کامل الهی در بین حجرالاسود
و مقام ابراهیم علیه السلام با امام قائم (عج) بیعت می کنند ... و آنها وزیران اویند

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۲ (تألیف علامه بزرگ سید محسن جبل عاملی رحمته الله - چاپ بیروت).

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۹.

که بار سنگین مسئولیتهای کشور جهانی را اداره می‌نمایند.^(۱)

آنحضرت در فتح روم دارای هفتاد هزار سپاه است که تکبیر گویان آنجا را فتح می‌کنند، غرّش تکبیر اول یک سوم روم را، و غرّش دوم یک سوم دیگر روم را و غرّش سوم که همراه یورش قهرمانان است همه مردم را تحت پرچم امام قائم (عج) قرار می‌دهد، اسلام و مسلمین سربلند و پیروز می‌شوند، و کفر و کافران ذلیل و خوار می‌گردند، و تنها دین خالص حکومت خواهد کرد.^(۲)

صلیبها شکسته می‌شوند و خوکها نابود می‌گردند، عصر او عصر پرهیزکاران است، یارانش پاک و خالص هستند و از آلودگیها بدورند و در خط حق که خط آنحضرت و یارانش می‌باشد گام بر می‌دارند و به عنوان «رجال الهی و وزیران آنحضرت» یاد شده‌اند.^(۳)

و به فرموده امام باقر علیه السلام هفتاد هزار نفر از افراد راستین و خالص از اهل کوفه به حمایت امام زمان علیه السلام بر می‌خیزند.^(۴)

اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقاء و اعاجم؟

جالب این که در وصف یاران مهدی (عج) واژه‌هایی مانند: «اوتاد،

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۱۱.

۲- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳ - ۷۲۴.

۳- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۲۳ - ۷۲۴ - ۷۱۱.

۴- بحار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و اعاجم» آمده که با توجه به معانی این عناوین با ویژگی‌های یاران حضرت مهدی (عج) نیز آشنا تر می‌شویم.

* اوتاد *

قبلاً گفتیم که ایشان طبق روایات سی نفرند که همواره در خدمت امام عصر (عج) به سر می‌برند، هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می‌گردد.^(۱)

با توجه به کلمه «اوتاد» که جمع «وَتَد» به معنی میخ است و با توجه به آیه ۷ سوره نبا قرآن که خداوند می‌فرماید:

«والجبال اوتاداً؛

ماکوهها را میخهای زمین قرار دادیم.» (که زمین را نگهدارند و

بوسیله آن، زمین از هم نپاشد)

نتیجه می‌گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوه استوار، در خدمت آن حضرت بسر می‌برند.

* عصائب *

طبق بعضی از روایات، اینها یاران حضرت مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آنحضرت خود را به مکه می‌رسانند و با او

بیعت می‌کنند.^(۱)

با توجه به معنی «عصائب» که جمع عصبه به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، به دست می‌آوریم که یاران مهدی (عج) باید چنین باشند.

ناگفته نماند که در بعضی از روایات یاران حضرت مهدی (عج) با عنوان «اخیار» خوانده شده‌اند.^(۲)

* ابدال *

اینها از یاران حضرت مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آنحضرت خود را به مکه می‌رسانند و با آنحضرت بیعت می‌کنند.^(۳)

معنی ابدال چنانکه مرحوم طریحی در مجمع البحرین می‌گوید: آنها جمعی از صالحان می‌باشند، که همواره در زمین هستند، وقتی یکی از آنها فوت کرد، خداوند بدل او شخص صالح دیگر را می‌گذارد، اینها

۱ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۹ در مورد وفاداری مردم کوفه (که شامل نجف نیز خواهد شد) روایات دیگری نیز رسیده از جمله اینکه پنجاه هزار نفر از دلیران مردم کوفه مدافع خاص امام قائم (عج) در برابر دشمن هستند (بجاء، ج ۵۲، ص ۲۰۶)، و اینکه مقر حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) کوفه است (اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۹۴) نیز حاکی است که مردم کوفه در پشتیبانی آنحضرت جدی و شجاع هستند. و امام باقر علیه السلام ضمن روایتی فرمود: خوشبخت‌ترین مردم نسبت به امام قائم (عج) مردم کوفه هستند. (اثبابة الهداة، ج ۷، صفحه ۱۶۹).

۲ - اثبابة الهداة، ج ۷، ص ۲۸.

۳ - المجالس السنیة، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۹.

۴۰ یا ۷۰ نفر در شام هستند و یا ۳۰ نفر در جای دیگر.^(۱)
 بنابراین اینها مردان خالص و کامل و صالح روی زمین هستند.
 ضمناً ناگفته نماند که شخصی از حضرت رضا علیه السلام در مورد ابدال
 پرسید، آنحضرت فرمود: ابدال، اوصیاء پیامبران هستند.^(۲)

* نجباء *

طبق روایتی که از امام علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده: اینها یاران
 مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند.^(۳)
 نیز در روایتی آمده که اینها از کوفه هستند.^(۴)
 با توجه به معنی «نجباء» که جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت
 و خوش نفس و جوانمرد است، نیز به ویژگی دیگر یاران مهدی (عج)
 پی می‌بریم.

* رفقاء *

یاران حضرت مهدی (عج) از کوفه هستند و خود را هنگام ظهور

۱ - مجمع البحرین (ماده بدل).

۲ - سفینه البحار، (ماده بدل).

۳ - امام علی علیه السلام فرمود: الابدال بالشام و انجباء بمصر و العصائب بالعراق (مجمع البحرین ماده
 عصب).

۴ - بحار، ج ۵۲ ص ۳۲۷.

به مکه رسانده و با آنحضرت بیعت می‌کنند و همچون پاره‌های متراکم ابر پاییزی به سوی مکه روانه می‌شوند.^(۱)

با توجه به اینکه پنجاه نفر از سیصد و سیزده نفر اهل کوفه هستند^(۲) و با توجه به معنی «رفق» و «رفاقت» که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص حضرت مهدی (عج) نیز پی می‌بریم.

* اعاجم *

یعنی غیر عرب، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه‌هایش را در ایران، افغانستان و پاکستان و ... می‌بینیم، امام زمان علیه السلام یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین‌ها می‌توانند هسته مرکزی ارتش نیرومند امام (عج) را در کشورهای عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه آن اقدام جدی کنند.^(۳)

با توجه به اینکه حکومت جهانی ارتش نیرومند و قوی و کامل می‌خواهد. آن هم در اطراف امامی که غرق در اسلحه‌های

۱- المجالس السنیة، ج ۵، ص ۷۰۹.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

۳- ضمناً ناگفته نماند که طبق بعضی از روایات پس از ظهور آنحضرت جبرئیل علیه السلام و فرشتگان و نجباء جن و نقباء مردم با او بیعت می‌کنند (بحار، ج ۵۳، ص ۸ و ۹) به این ترتیب واژه «نقباء» که بمعنی مردان آگاه و متمهد است نیز بر یاران خاص امام افزوده می‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ است و حتی اسب و شتر و دلدل و براق و پرچم پیامبر خدا ﷺ همراه اوست و مصحف مخصوص امیر مؤمنان علی علیه السلام را در دست دارد.^(۱)

این نیز قابل توجه است که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: اصحاب مهدی (عج) جوآنند و پیر در آنها یافت نمی‌شود، جز مثل سرمه در چشم و نمک در غذا، که کمترین چیز در غذا، نمک است.^(۲)

امدادهای غیبی به کمک الغلابیون:

از آنجا که مردان خدا به یاری حضرت قائم (عج) می‌شتابند و شب و روز برای برقراری حکومت جهانی تحت رهبری آنحضرت تلاش می‌کنند، خداوند نیز با امدادهای غیبی خود بهترین حمایت را از آنها خواهد کرد، چنانکه در قرآن کریم می‌فرماید:

«اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند، و

قدمهای شما را ثابت و استوار می‌دارد.»^(۳)

اینک به این روایت که فشرده روایات بسیاری است توجه کنید:

«هنگام ظهور امام قائم (عج) فرشته‌ای بالای سر آن

حضرت فریاد می‌زند این مهدی (عج) خلیفه خدا است، پس از

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۳۶.

۲- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۳۷.

۳- سوره محمد، آیه ۷.

او پیروی کنید، مردم به سوی او سراسیمه می‌شوند، و او حکومت شرق و غرب را به دست می‌گیرد، خداوند او را به سه هزار فرشته کمک می‌نماید، اصحاب کهف از یاران او هستند، جبرئیل در پیشاپیش سپاهش، و میکائیل در کنار سپاهش می‌باشند، و حضرت مهدی (عج) صندوق سکینه را از غار انطاکیه بیرون آورد، و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و با آن یهود، احتجاج و استدلال می‌کند و بسیاری از یهودیان مسلمان می‌شوند.^(۱)

به این ترتیب می‌بینیم: بزرگترین امدادهای غیبی به کمک حضرت مهدی (عج) و یارانش می‌شتابند و همه سختیها و ناگواریها برای او و یارانش آسان می‌شوند.

چنانکه امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«يَذُلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛

همه مشکلات در برابر امام قائم (عج) تسلیم و رام می‌گردد.»^(۲)
و این موضوع باید مسلمین را قوی دل و محکم کند آنها نهراسند و بدانند کمک خدا پشت سر آنهاست.



۱ - المجالس السنيه، ج ۵، ص ۷۱۰ به نقل از اسعاف الرّاغبين - در این باره مطالبی در بحار، ج ۵۲ ص ۳۲۸، نیز آمده است.

۲ - بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

﴿ دیدار کنندگان امام (عج)، در غیبت کبری ﴾

در اینجا مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت به حضور حضرت قائم (عج) شرفیاب شده‌اند و به این سعادت عظمی رسیده‌اند پردازم تا شاید رهگشایی برای روشندلان پاک سیرت باشد و آنها نیز با ایجاد شرایط و التماس از در این خانه، به این سعادت نائل گردند و ناامید نشوند.^(۱)

۱- امام زمان علیه السلام به صابونی اجاره دیدار داد:

مردی صالح و خیراندیش در بصره عطاری می‌کرد وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطر نشان می‌گردد:

۱ - قسمتی از داستان این شرفیاب شدگان در کتاب دارالسلام مرحوم عراقی رحمته الله و اثبات الهداة شیخ حرّ عاملی رحمته الله ج ۷، از صفحه ۲۷۰ تا ۲۸۲ و نیز در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۸ به بعد و بحار، ج ۵۲، صفحه ۳۰۰ تا ۳۳۱ و نجم الثاقب حاجی نوری آمده است.

عطار می‌گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور به در دکان من آمدند از گفتار و سیای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصیت‌های بزرگوار می‌باشند (أَثْرُ النَّجَابَةِ سَاطِعُ الْبُرْهَانِ) از حال و دیار آنان پرسیدم آنها کتمان کردند، من هر چه اصرار می‌نمودم آنان نیز اصرار به پاسخ ندادن می‌کردند.

آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول ﷺ دادم که خود را معرفی کنند چون دیدند من دست‌بردار نیستم گفتند ما از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجة بن الحسن العسکری (عج) هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه با عظمت از دنیا رفته است صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آن حضرت هستند بی‌اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرع و زاری کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید.

یاران حضرت گفتند مشرف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

عطار گفت: مرا نزدیک آن حضرت ببرید اگر اجازه داد زهی سعادت و گرنه هیچ؟!

آنان از اقدام به این کار خودداری کردند ولی چون من با کمال

پافشاری دست بردار نبودم آنگاه به من رحم کرده و منت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند.

بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای عمان رسیدیم.

آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم، آنان متوجه شدند و گفتند: مترس! خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم بده و رهسپار شو!

من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها رفتم.

در وسطهای دریا بودیم، دیدم ابرها به هم درآمدند و هوا صورت بارانی گرفت و شروع به باریدن کرد، اتفاقاً من همان روز صابون ریخته بودم و بر پشت بام مغازه به خاطر آنکه به وسیله تابش آفتاب خشک شود گذارده بودم همین که باران را دیدم خیال صابونها را نمودم و پریشان خاطر شدم، به محض این خیال مادی ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و به کمک هنر شناوری به دست و پا و تضرع افتادم آن دو نفر به من توجه کرده و عجز و ذلت مرا مشاهده نمودند فوراً به عقب برگشته دست مرا گرفتند و از آب بیرون کشیدند و گفتند: این پیشآمد، اثر آن خاطره صابون بود، بار دیگر خدا را به حضرت مهدی (عج) قسم ده تا تو را در آب حفظ کند، من نیز استغاثه

نموده و چنین کردم مثل اول روی آب با آنان رهسپار شدم، وقتی که به ساحل رسیدیم، خیمه چادری را دیدم که همانند «شجره طور» نور از آن ساطع بود و آن فضا را روشن نموده بود.

همراهان گفتند: تمام مقصود در میان همین پرده است.

با هم به راه خود ادامه دادیم تا نزدیک چادر رسیدیم یکی از همراهان پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد.

چادر را خوب دیدم و صدای آن بزرگوار را می شنیدم ولی وجود نازینش را نمی دیدم، آن شخص درباره مشرف شدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد، آن جناب فرمود:

«رُدْوَةٌ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صَابُونِيٌّ؛

به او اجازه ندهید و او را در عداد خدمه این درگاه ملک پاسبان

نشمزید، زیرا او مردی صابون دوست و مادی است.»

یعنی او هنوز دل از تعلقات دنیای دنی خالی نکرده و لیاقت حضور در این درگاه را ندارد.

عطار ادامه می دهد: چون چنین شنیدم، ناامید گشتم و دندان طمع از دیدار آن حضرت کشیدم و دانستم که، وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگی های مادی و معنوی زدوده و صاف گردانم.^(۱)

۲- علامه حلی رحمته الله علیه در خدمت امام زمان علیه السلام :

پیش از آنکه ملاقات عجیب عالم و محقق بزرگ جهان تشیع علامه حلی رحمته الله علیه با امام زمان علیه السلام را شرح دهم، اجازه دهید مختصری از شرح حال این مرد خدا را به نظر تان برسانم:

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر حلی رحمته الله علیه معروف به «علامه حلی» از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ هجری از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع تقلید عالیقدر، سلطان محمد خدابنده پادشاه مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بسیار بزرگی به مذهب جعفری نمود.^(۱) او در تمام علوم اسلامی، استاد ماهری بود و تألیفات او را بیش از ۵۰۰ جلد کتاب تخمین زده‌اند.

اینک توجه کنید که این مرد دینی چگونه مورد عنایت امام عصر (عج) قرار می‌گیرد:

او در حله یکی از شهرهای عراق سکونت داشت، هر شب جمعه از حله با وسایل آن زمان به کربلا می‌رفت. (با اینکه بین این دو شهر بیش از ۱۰ فرسخ است) با این کیفیت که پنجشنبه سوار بر الاغ خود

۱- چگونگی شیعه شدن شاه خدابنده به دست علامه را در کتاب پنجهایی از تاریخ تألیف نگارنده،

به راه می افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین علیه السلام می ماند و بعد از ظهر روز جمعه به «حله» مراجعت می کرد.

در یکی از روزها که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه شخصی به او رسید و همراه علامه با هم به کربلا می رفتند علامه با رفیق تازه اش شروع به صحبت کرد و مسائلی را بیان نمود از آنجا که به فرموده امام علی علیه السلام:

«الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛

شخصیت مرد در زیر زبانش نهفته است.»

علامه درک کرد که با مردی بزرگ و عالمی سترگ، هم صحبت شده است، هر مسئله مشکلی می پرسید، رفیق راهش جواب می داد به طوری که علامه که خود را یگانه دهر می دانست، از علم رفیق راهش متحیر ماند گرم صحبت بودند تا آنکه در مسئله ای، آن شخص بر خلاف فتوای علامه فتوا داد علامه گفت: این فتوای شما بر خلاف اصل و قاعده است دلیل هم که این قاعده را از بین ببرد نداریم.

آن شخص گفت:

«چرا دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی رحمته الله در کتاب تهذیب در

وسط فلان صفحه، آن را نقل کرده است.»

علامه گفت: چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده ام.

آن شخص گفت:

«کتاب تهذیبی که پیش تو هست در فلان صفحه و سطر این

حدیث مذکور است!!»

علامه در دنیایی از حیرت فرو رفت از این رو که این شخص ناشناس به تمام علائم و خصوصیات نسخه منحصر به فرد کتاب تهذیب آگاهی داشت.

علامه درک کرد که در برابر استاد علامه‌ها قرار گرفته، لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله‌ای که برای خودش حل نشده بود، در این موقع تازیانه‌ای را که در دست داشت به زمین افتاد، در همین حین این مسئله را از آن شخص پرسید که آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام هست؟

آن شخص تازیانه را برداشته بود و به علامه می‌داد و دستش به دست علامه رسید فرمود:

«چگونه نمی‌توان امام زمان را دید در صورتی که اینک دست

او در دست توست.»

علامه چون متوجه شد، خود را به دست و پای امام زمان علیه السلام انداخت و آنچنان محو عشق آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید، پس از آنکه به حال خود آمد کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن حدیث با همان علائم

از صفحه و سطر، تطبیق می‌کند، در حاشیه این کتاب در همان صفحه نوشت: این حدیثی است که مولایم امام زمان علیه السلام مرا به آن خبر داده است.

عده‌ای از علماء همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده‌اند.^(۱)

* * *

همین علامه شنید یکی از علمای بزرگ اهل تسنن کتابی در رد شیعه نوشته که عده‌ای را با آن گمراه نموده ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی‌دهد، علامه مدتها به طور ناشناس در پیش آن عالم سنی، شاگردی کرد تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیع بر آن رد بنویسد تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را در دسترسش قرار دهد، آن عالم، کتاب را در اختیار علامه نمی‌گذارد، سپس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علامه بدهد و گفت من نذر کرده‌ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند (تا بعداً به رد آن پردازد) مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه‌ای نوشت، خسته شد و خواب او را گرفت در همین حال ناگهان دید مرد عربی وارد اتاق شد و گفت:

«ای علامه! تو کاغذها را خط کشی کن، من برایت می نویسم.»
 علامه بی درنگ مشغول خط کشی شد ولی در همین حال خوابش
 برد وقتی که بیدار شد دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته و در آخر
 آن این جمله به چشم می خورد: «کتبه الحجّة؛ این کتاب را حجت (عج)
 نوشته است.»^(۱)

العجل ای صاحب محراب و منبر العجل
 العجل ای حامی دین پیمبر العجل
 العجل ای باعث ایجاد عالم العجل
 العجل ای وارث شمشیر حیدر العجل
 شهسوارا زودتر بشتاب که از انبوه کفر
 کشور ایمان شده یکسر مسخر العجل
 تا یکی ما را بماند بر سر راه وصال
 چشم حسرت روز و شب چون حلقه بردر العجل
 مهدی آخر زمان، ای پادشاه انس و جان
 خیز و میکن دفع دجال بداختر العجل
 از پی خونخواهی آل محمد ﷺ از نیام
 برکش آن صمصام و بنشین بر تکاور العجل

۳- فریادرسی امام زمان علیه السلام در بحرین:

کشور «بحرین» که مدتی است اعلام استقلال کرده، در طول تاریخ، از نظر سیاسی و جغرافیایی و غیره در حال تغییر و تبدیل بوده از نظر تاریخی یکی از کشورهای پر حادثه جهان بوده است.

این کشور که امروز از هشت جزیره تشکیل شده و از ناحیه شمال هم‌مرز با کشور «قطر» و از ناحیه جنوب هم‌مرز با کشور عربستان سعودی می‌باشد، دارای شهرهای بزرگ و تمدن اقتصادی خوبی است، در «منامه» که پایتخت این کشور می‌باشد، بالغ بر صد هزار نفر ساکن هستند شهر عوالی در بحرین مرکز بزرگ نفتی آن کشور است، و طبق آثار باستانی کشف شده، این کشور بیش از هزار سال قبل از میلاد تا کنون دارای ثروت‌های سرشاری بوده و هر زمان از نظر اقتصادی، درخشش داشته است.^(۱)

ما در اینجا کاری به ریشه تاریخی این کشور و تغییر و تبدیل سیاسی آن و اینکه چگونه و چه وقت جزء کشورهای اسلامی قرار گرفت و چه وقت جزء ایران بوده و چند سال تحت‌الحمايه انگلیس و یا دیگران بوده نداریم، به هر حال چنانکه از کتب تاریخی استفاده می‌شود این کشور از نظرات مختلف دیار شگفتیها و قصه‌ها بوده،

و مردم آن همواره در سایه ثروت سرشار آن از نعمتهای الهی برخوردار بوده‌اند.

این مختصری از دورنمای این کشور تازه مستقل بود، ولی آنچه در در اینجا منظور است، داستان مردم بحرین در حدود ۳۵۰ سال قبل یعنی در زمان سلطنت خاندان صفویه در ایران می‌باشد.

در این زمان مردم بحرین، به نیکی و پاکی مشهور بودند شدت علاقه اکثر مردم بحرین به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اخلاص آنان در این مسیر به اندازه‌ای است که شیخ بهایی برای پدرش در ضمن نامه‌ای نوشت:

«اگر دنیا می‌خواهی به هند برو و اگر آخرت می‌خواهی به بحرین نزد ما بیا و اگر نه دنیا می‌خواهی و نه آخرت در میان عجم بمان» از این رو شیخ حسین بن عبدالصمد پدر بزرگوار شیخ بهایی در بحرین توقف کرد تا به جوار رحمت پروردگار شتافت و اینک قبر او در یکی از روستاهای بحرین معروف بوده و مزار او مورد توجه ساکنان اطراف آن قریه است.

در اواخر حکومت سلسله شاهان صفوی در ایران دستهای استعمار، کشور آباد و غنی بحرین را به سوی خود برد، و آن را تحت‌المحمایه بیگانگان قرار داد، در این دوران دری به تخته خورد و حوادثی پیش آمد و اوضاع سیاسی اقتضاء کرد که والی و فرماندار

بحرین، شخصی ستمکار و دست‌نشاندهٔ بیگانگان شد که به دشمنی با امیر مؤمنان علی علیه السلام و علاقمندان آن حضرت معروف بود، اتفاقاً او معاون و وزیری داشت که از رئیس خود هم بیشتر با امام علی علیه السلام و دودمان و شیعیانش دشمن بود، این دو نفر همواره موجب مزاحمت و آزار و شکنجهٔ مردم بحرین شده و آنان را که به ولاء و دوستی اهل بیت علیهم السلام مشهور بودند با عوامل مختلف تحت شکنجه و آزار قرار می‌دادند، این روش ادامه داشت و لحظه به لحظه شدیدتر می‌شد، تا آنکه وزیر، نقشه‌ای بسیار مرموز و خائنانانه طرح کرد و به خیال خام خود خواست در وقت خود آن نقشه را پیاده کند و بر ضد مردم شیعهٔ بحرین به کار اندازد و به طور کلی سلب آزادی از آنان کند ولی اینک ببینید چگونه این نقشه را ایفا کرد؟ و چگونه نقشه‌اش نقش بر آب گشت؟

درخت انار شهادت می‌دهد:

وزیر که نقشهٔ خود را با موفقیت کامل در مرحلهٔ نتیجه‌گیری رسانده بود با کمال خرسندی در حالی که در دستش اناری بود نزد فرماندار^(۱) آمد و گفت: این انار را بگیرد و ببینید که حتی به وسیلهٔ این انار، درخت انار شهادت داده است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱ - منظور از فرماندار در اینجا امیر و رهبر بحرین است.

جانشین آن جناب ابوبکر است بعد عمر، بعد عثمان و در مرحله چهارم علی علیه السلام می باشد.

فرماندار خیلی دقیق انار را واریسی کرد، دید روی پوست آن دور تا دور، این کلمات نقش بسته است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خُلَفَاءُ رَسُولِ اللَّهِ»

ملاحظه کرد که به قلم خلقت و طبیعت این کلمات نگاشته شده و به هیچ وجه ممکن نیست که ساختگی باشد، روبه وزیر کرد و بالحن جدی گفت: این مطلب از دلیل های روشن و واضحی است که ما را به بطلان مذهب رافضی ها (شیعه ها) رهنمون می شود.

وزیر گفت: آری! همانگونه است که شما فرمودید ولی افسوس که این طائفه (شیعه ها) بر اثر تعصب زیاد به مذهب خود به آسانی زیر بار این دلیل واضح نمی روند، به نظر من بهتر این است که آنان را حاضر کنید و در یک مجلس باشکوهی در ملاءعام این انار را به ایشان نشان دهید، اگر بدین وسیله به حقانیت مذهب تسنن پی بردند و به آن گرایش پیدا کردند، زهی موفقیت! و معلوم است که در این صورت شما به ثواب و پاداش خوب و بسیاری رسیده ای و اگر امتناع ورزیدند و با مشاهده این برهان قاطع، باز از گمراهی خود دست برنداشتند، آنان را به انتخاب یکی از سه چیز مجبور کنید:

یا بسان یهود و نصاری به ما «جزیه» بدهند و در برابر ما ذلیل و خوار باشند و یا پاسخ قانع کننده این دلیل روشن را بدهند و یا آنکه مردان آنان را به قتل برسانیم و زنان و فرزندانشان را اسیر بنماییم و اموالشان را به غارت ببریم.

فرماندار که با دقت، گفتار وزیر را گوش می داد، گفت: پیشنهاد خوبی کردی و باید چنین کرد، به دنبال این پذیرش دستور داد علماء و سادات و نیکان مردم بحرین در مجلس باشکوهی به گردهم آیند تا آن انار کذائی را به آنان نشان داده و از آنها پاسخ بخواهد.

مجلس تشکیل شد وزیر و عده‌ای از شخصیت‌ها در حضور فرماندار قرار گرفتند، در همین هنگام فرماندار انار را به بزرگان شیعه نشان داد و گفت: ببینید درخت انار چگونه شهادت بر حقانیت مذهب ما داده است، باید یا پاسخ این دلیل را بیاورید و یا جزیه داده و ذلیل و خوار زندگی کنید و یا آماده قتل و غارت باشید!

بزرگان بحرین که در ظاهر دلیل قانع کننده‌ای بر بطلان دلیل انار نداشتند و خود را در فشار و بن بست سخت می دیدند با خواهش و تمنا سه روز مهلت خواستند، فرماندار نیز سه روز به آنها مهلت داد تا شیعیان پاسخ آن دلیل را بیاورند و گرنه خود را برای اطاعت اوامر فرماندار حاضر نمایند، به این ترتیب تا اینجا ترفند و نقشه وزیر در مسیر خود قرار گرفته و از اینکه به مرحله اجزاء و نتیجه‌گیری برسد، نزدیک می شد.

مشورت و راه حل:

شیعیان و تربیت شدگان مذهب جعفری به خوبی فرموده رئیس مذهب خود امام صادق علیه السلام را درک کرده بودند که:

«لَا ظَهَرَ كَالْمُشَاوِرَةِ؛

هیچ یاری چون مشورت و از فکر همدیگر استمداد جستن

نیست.»

اینان همگی در یک مجلس به گرد هم آمدند، پراکنده نشدند که گویند بادا باد هرچه شد که شد، در این باره به فکر راه حل افتادند و هر کسی چیزی گفت تا سرانجام گروهی گفتند: این مطلب، راه حلّی جز توسّل به امام عصر (عج) که در پشت پرده غیبت است و چون فورشیدی در پشت ابرها است و به ما روشنی و نشاط بخشیده دارد، باید از ایشان دادخواهی و استدعا کرد تا به داد ما برسد.

در میان تمام جمعیت خود، ده نفر از زاهدین و شایستگان را انتخاب کردند و در میان آن ده نفر سه نفر که از نظر تقوی و عمل یک، لیاقت ملاقات با امام زمان علیه السلام را داشتند برگزیدند، تا هر یک بی را در این سه شب به بیابان برود و مشغول عبادت و تضرّع و اری گردد و متوسّل به امام عصر (عج) شده و از آن جناب تمنا کند لکه عنایت خاصّه آن بزرگوار دردها را درمان بخشد.

به این ترتیب در شب اول یکی از آن سه نفر به بیابان رفت و مشغول تضرع و زاری گردید ولی آن شب صبح شد و او نتیجه نگرفت، شب دوم، یکی دیگر از آن سه نفر رفت این شب هم بسان شب اول بی نتیجه به پایان رسید، تا شب سوم شد که آخرین مهلت بود و شیعیان در جوش و خروش بودند تا سومین نفر به نام «محمد بن عیسی علیه السلام» در آن شب به بیابان رفت، تضرع و زاری را به آخرین درجه رسانید، در شب تاریک با سر و پای برهنه و حالتی خاص به امام زمان علیه السلام استغاثه کرد، با تضرع و زاری توأم با اخلاص کامل، عرض می کرد: ای ولی عصر (عج) به فریاد ما شیعیان برس!...

زمان دقیقه به دقیقه می گذشت لحظات آخر شب فرا رسیده بود، توسل محمد بن عیسی علیه السلام به درجه نهائی رسیده بود هنگام سحر ناگاه شنید در بیابان شخصی به او گفت:

ای محمد بن عیسی! این چه حالتی است که تو پیدا کرده ای و

در این شب تاریک به این بیابان خلوت آمده ای؟

محمد بن عیسی علیه السلام: ای مردا به من کاری نداشته باش، من برای

امر بزرگی به اینجا آمده ام و آن را جز برای امام زمان علیه السلام هرگز

اظهار نمی کنم و از آن بزرگوار فقط می خواهم که به داد من و به داد

یک مشت شیعه برسد!

هنوز گفتار محمد بن عیسیٰ علیه السلام تمام نشده بود که از جانب همان مرد، شنید که:

«یا محمد بن عیسیٰ انا صاحب الامر؛ ای محمد من همانم که

او را طلب می‌کنی، حاجت خود را بگو تا برآورم.»

محمد گفت: اگر تو امام زمان من هستی، حاجت مرا می‌دانی، نیازی به اظهار آن نیست.

امام علیه السلام فرمود:

آری! تو به اینجا آمده‌ای تا پاسخ انار کذائی را از من بگیری و

شیعیان را از این مهلکه نجات دهی.

محمد بن عیسیٰ گوید: تا درک کردم که او حضرت ولی عصر (عج)

است به سوی او شتافتم بر زانویش سر نهادم، دست بر دامن پر

مهرش زدم و عرض کردم ای سرور ما تو پناه ما هستی به داد ما

برس ای دادرس پریشان احوالان.

آنجا که پرده‌ها کنار می‌رود

آری برای هر نقشه خائنانه روزی هست که پرده بردار پرده

بردارد و صورت نازیبای زیر پرده را نشان دهد، عاقل آن است که

دوراندیش بوده و همواره در صدد باشد تا قبل از آنکه پرده‌ها

برداشته شود، زیر پرده‌ها را اصلاح نماید، قائم آل محمد (عج) گوشه‌ای

از پرده‌ها را بالا زد طاقت نیاورد به سؤال بنده‌ای دلداده چون محمد بن عیسی توجه نکند رو به او کرد و فرمود:

«ای محمد بن عیسی! وزیر فرماندار درخت اناری را در حیاط خانه خود نشانده است آن درخت چون به ثمر رسید، او قالبی را با گل به شکل اناری درست کرد و آن قالب را که تو خالی بود دو نصف کرد و در دیوار داخل آن دو نصف قالب همان کلمات^(۱) را به صورت برجسته نوشت، آنگاه آن دو نصف قالب را روی یکی از انارهای کوچک درخت گذارد و آنها را محکم بست، آن انار در میان آن دو نصف غالب بزرگ شد تا درون قالب را پر کرد و در نتیجه آن نوشته‌های برجسته دیواره داخلی دو نصف قالب، روی پوست انار قرار گرفت، رفته رفته توأم با رشد انار، آن کلمات بر پوست انار به طور طبیعی نقش بست، فردا که روز موعود هست هنگامی که نزد فرماندار رفتید به او بگو من جواب دلیل انار را دارم ولی این جواب را جز در خانه وزیر اظهار نمی‌کنم، فرماندار خواه ناخواه می‌پذیرد، چون به خانه وزیر رفتید، در طرف دست راست خانه وزیر، بالاخانه‌ای هست بگو جواب را نمی‌گویم مگر در این بالاخانه، در این هنگام، وزیر خود را در بن بست

۱- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ خُلَفَاءُ رَسُولِ اللَّهِ.

می‌بیند و اصرار می‌کند که به بالاخانه نروید، تو هم اصرار تمام کن، به ناچار وزیر قبول می‌کند هنگامی که به بالاخانه رفتید نگذار تا وزیر تنها برود وقتی داخل بالاخانه شدید، روزنه‌ای را می‌بینی و در میان آن کیسه سفیدی را می‌نگری با عجله تمام آن کیسه را بردار، و در میان آن، قالب نامبرده را که از گل ساخته شده و با آن نقشه خائنانه وزیر، طراح گشته بیرون بیاور، نزد فرماندار بگذار و به او بگو که این انار به وسیله این قالب به این صورت در آمده است، در نتیجه فرماندار از حيله و خیانت وزیر مطلع شده و حقانیت شما و بطلان عقائد آنان آشکار می‌گردد.

ای محمد بن عیسی! به فرماندار بگو که ما برای تصدیق گفتار خود علامت دیگری داریم و آن اینکه داخل انار از خاکستر و دود پر است، اگر قبول نداری، این انار را بشکن! در این هنگام وزیر، انار را برداشته و می‌شکند خاکستر و دود آن بیرون آمده و ریش و صورت وزیر را فرا می‌گیرد (این هم علاوه بر روسیاهی معنوی وزیر روسیاهی ظاهری او)».

محمد بن عیسی بسیار خوشحال شد، به دست و پای امام (عج) افتاد و تشکر کرد و به سوی رفقای خود با کمال خوشحالی مراجعت نمود، هنگام صبح مردم بحرین در مجلس فرماندار حاضر شدند، وقت

پاسخگویی شیعه از دلیل انار اعلام شد، محمد بن عیسی آنچه را که امام عصر (عج) به او دستور داده بود یکی پس از دیگری انجام داد تا آخرین مرحله که در نزد فرماندار و وزیر انار را شکست و خاکستر و دود میان انار به صورت وزیر پاشید.

فرماندار که سخت مجذوب و تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت:

«ای محمد بن عیسی! این پاسخ را چه کسی به تو یاد داد؟»

محمد بن عیسی گفت: امام و حجت زمان علیه السلام به من آموخت.

فرماندار گفت: امام زمان کیست؟

محمد بن عیسی گفت: امام زمان علیه السلام از جانب خداوند، حجت

روی زمین است و دوازدهمین امام ما می باشد (آنگاه اسامی همه

ائم علیهم السلام را یکی پس از دیگری شمرده تا به صاحب الامر (عج) رسید).

گواهی فرماندار:

با اینکه فرماندار در عقیده باطل خود سخت استقامت می ورزید، و

سرسخت با شیعیان مبارزه می کرد، و حتی حاضر بود رهبران و ائمه

آنان را به فحش بکشد اما اینک در برابر حادثه ای عجیب قرار

گرفته است، اینک خود را در مقابل قدرت عظیم می بیند.

عجز سراسر او را فرا گرفت، ناگزیر سر فرود آورد، ورق قلبش

برگشت سخن قلب به وسیله زبانش اظهار شد:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ
الْخَلِيفَةَ بَعْدَهُ بِإِذْنِ الْأَقْصَلِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ؛

گواهی به یگانگی خداوند می‌دهم، گواهی می‌دهم که

محمد ﷺ بنده و رسول خدا است، جانشین بلافصل بعد از

او امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب ﷺ می‌باشد.»

سپس ائمه پس از امام علی ﷺ را یکی پس از دیگری تا امام

زمان ﷺ اسم برد و اعتراف به امامت آنها نمود.

آنگاه دستور داد تا آن وزیر خائن و دسیسه‌گر را اعدام کردند، تا

همواره خاطره بطلان باطل و احقاق حق تجلی کند، سپس از اهل

بحرین عذرخواهی کرد و به آنان احسان نمود.

به این ترتیب به قول معروف «پایان شب سیه سپید است» این

واقعه چون درخششی بود که در تاریخ شیعه ده‌های دلدادگان را تا

روز قیامت سفید کرد.^(۱)

۴- شفای بیمار

داستان اسماعیل هرقلی ﷺ نیز عجیب است که به زخم و درد

شدید و طولانی گرفتار شده بود و تمام دکترهای آن زمان او را

۱- اقتباس از اثبات‌الهدایة، جلد ۷، صفحه ۳۷۵، به نقل از بحارالانوار و نجم‌الشاقد، صفحه ۳۱۴، این

داستان اینک هم در میان مردم بحرین مشهور است. مرقد پاک محمد بن عیسی همواره مزار و مورد احترام اهالی

آنجا است که شکوه این مرقد لحظه به لحظه با یادآوری خاطره داستان فوق بیشتر می‌گردد.

جواب کردند، سرانجام با توسل به امام قائم (عج) در سامرا و کنار قبر امام حسن عسکری علیه السلام و در سرداب معروف، بالاخره به نتیجه رسید و امام قائم (عج) او را شفا دادند.^(۱)

۵- تشرّف یکی از فرزندان آیه الله اراکی (قدّس سرّه)

مرجع عالیقدر آیه الله العظمی شیخ محمد علی اراکی (قدّس سرّه) عالم زاهد و سلمان عصر که قبلاً در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت می خواند برای یکی از علماء حضرت آیت الله شیخ محمد رازی نقل می کند که اکنون از زبان آقای رازی بشنوید:

آیه الله اراکی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ (هجری قمری) برای این جانب نقل فرمود که دخترم، که همسر حجة الاسلام حاج سید آقای اراکی است می خواست مشرّف به مکه شود ترس داشت از تراحم حجّاج، که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد، من به او گفتم این ذکر را مداومت کن، «یا حفیظ یا علیم» و مشرّف شد و بعد از مراجعت به من گفت: آن ذکر را مداومت نمودم و در موقع طواف، با ازدحام مردم مخصوصاً سودانی ها روبرو شدم. ترسیدم که من در اینجا محرمی ندارم تا مواظب باشند که به من تنه نزنند و مرا نیاندازند یک وقت دیدم کسی به من گفت: توسل به امام زمان علیه السلام پیدا کن.

۱- مشروح این ماجرا در کشف الغتّه، ج ۳، ص ۲۹۸ به بعد آمده است.

من گفتم: امام زمان علیه السلام!! گفت: همین آقا که جلو تو می رود، امام زمان علیه السلام است.

من دیدم آقای بزرگواری جلو من است و اطراف او به قدر یک متر تقریباً حریم است و خالی است و احدی جرئت ورود به این حریم را ندارد به من گفته شد در این حریم وارد شو، پشت سر آقا من فوراً قدم به حریم گذارده به طوری که دستم به پشت آقا می رسید و دست بر پشت آقا گذارده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم قربانت بروم، ای امام زمان علیه السلام به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت و اینکه دست یا بدن کسی به من بخورد انجام دادم و تعجب می کردم که چطور از این همه جمعیت کسی وارد حریم نمی شود و در هر مرتبه که خواستم طواف کنم به همین کیفیت بود منتهی به صورتهای دیگر.^(۱)

۶- راهنمایی حضرت مهدی (عج) در مسجد جمکران:

یکی از افراد موثق، از مرجع تقلید، مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی (وفات یافته ۷ صفر ۱۴۱۴ هـ . ق) نقل کردند که ایشان فرمودند:

یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود، برای من نقل کرد، مشکلی داشتم، به مسجد جمکران رفتم، درد دلم را در عالم معنی به حضرت ولی عصر (عج) عرض کردم و از او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند تا مشکل من حل گردد. برای این منظور به طور مکرر به مسجد جمکران رفتم، ولی نتیجه‌ای نگرفتم، تا اینکه روزی در آن مسجد، در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به امام زمان علیه السلام عرض کردم: «مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسل شوم؟ شما امام من می‌باشید، آیا زشت نیست با وجود امامی مانند شما حتی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟» از شدت ناراحتی، بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم، ناگهان با چهره نورانی قلب عالم امکان حضرت حجت (عج) روبرو شدم، بیدرنگ سلام کردم، جواب سلامم را داد و فرمود:

«نه تنها زشت نیست و ناراحت نمی‌شوم که به علمدار کربلا متوسل گردی، بلکه به شما راهنمایی نیز می‌کنم که هنگام توسل به علمدار کربلا چه بگویی؟ هنگامی که برای روای حاجت به آن حضرت متوسل شدی بگو:

يَا اَبَا الغُوْثِ اَذْرِكُنِي؛

ای پدر پناه دهندگان به فریادم برس و به من پناه ده.»^(۱)

۷- نتیجه تواضع به مسجد جمکران، پایگاه مقدّس امام زمان علیه السلام

یکی از اعضای هیئت امنای مسجد مقدّس جمکران در قم نقل کرد: در کنار مسجد جمکران تنها یک نفر مدفون است، و قبرش در نزدیک درِ شمالی مسجد داخل صحن می‌باشد، این شخص به نام «حاج ابوالقاسم زاهدی فر» آدم بی ریا و بدون تکبر و بدون توقع در مسجد جمکران خدمت می‌کرد، حتی با اینکه انسان موقّر و حاجی بود، توالت‌های مسجد را پاک می‌نمود.

این شخص بیمار شد و در بیمارستان آیت الله العظمی گلپایگانی، بستری گردید. به بالینش رفتم دیدم وضع وخیمی دارد، به من وصیّت کرد که مرا در قبرستان بقیع (دو کیلومتری مسجد جمکران) دفن کنید. او از دنیا رفت پس از تجهیزات، جنازه او را به مسجد آوردند و نماز بر جنازه خوانده شد و همه جمعیت تشییع کننده آماده شده بودند که او را به قبرستان بقیع برای دفن ببرند، ناگاه آقای لطیفی (از افراد برجسته امناء مسجد) تلفن کرد که دفن جنازه را به تأخیر بیندازید، دفن جنازه تأخیر افتاد، سرانجام بعد از ساعتی، آقای لطیفی آمدند و فرمودند: «ایشان را در کنار مسجد دفن کنید.»

گفتم چرا؟ اینجا هنوز کسی دفن نشده است فرمود: «حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی تلفن کرد که مرحوم حاج ابوالقاسم

زاهدی فر را در کنار درگاه مسجد دفن نمایند.» به این دستور عمل شد.

آری اخلاص و تواضع آن مرحوم - که حتی مستراحهای مسجد را تمیز می‌کرد باعث شد که قبرش در بهترین جا قرار گرفت، و همواره زیر پای زائران مسجد مقدّس جگران است. به این ترتیب، آقا امام زمان علیه السلام خادمی او را قبول کرد، این است نتیجه بندگی خالصانه که انسان را به معراج می‌برد. به گفته شاعر:

تواضع سر رفعت اندازدت تکبر به خاک اندر اندازت

۸. محبت امام زمان علیه السلام به شیخ مفید:

محمد بن محمد بن نعمان که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد قبول شیعه و اهل تسنن بود و مرجع خاص و عام به شمار می‌رفت و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود و در همه رشته‌های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می‌آمد: روزی در خانه بود، شخصی به حضورش آمد و پرسید زنی حامله فوت کرده ولی بچه در رحمش زنده است، آیا او را همانطور دفن کنیم، یا شکمش را شکافته و بچه‌اش را بیرون آوریم؟

شیخ مفید رحمته الله گفت: همانگونه دفنش کنید، آن شخص برگشت و در وسط راه دید سواری به او نزدیک شد و گفت:

شیخ مفید رحمته الله علیه فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچه را بیرون آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدتی جریان را برای شیخ مفید نقل کردند، شیخ گفت من کسی را نفرستاده بودم، معلوم است که آن سوار صاحب الامر (عج) بوده است، اکنون که در احکام اشتباه می‌کنم خوب است دیگر فتوا ندهم، در خانه‌اش را بست و از خانه بیرون نیامد. ساعاتی نگذشت که از طرف امام زمان علیه السلام توقیعی (نوشته‌ای) به خدمت شیخ مفید گذاشته شد:

«ای شیخ! برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد، و نمی‌گذاریم که در خطاء و اشتباه بمانی، آنگاه در مسند فتوا نشست.»^(۱)

می‌نویسند: وقتی که شیخ مفید رحمته الله علیه در سن ۸۵ سالگی در سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ قمری از دنیا رفت، آنچنان جمعیت از شیعه و سنی برای تشییع جنازه‌اش اجتماع کردند که تا آن روز بی‌نظیر بود و همه از شدت ناراحتی گریه می‌کردند^(۲) وی را در حرم کاظمین علیه السلام دفن کردند.

چندین بار از جانب امام زمان علیه السلام برای این مرد بزرگوار،

۱ - قصص العلماء، صفحه ۳۹۹.

۲ - قاموس الرجال، جلد ۸، صفحه ۳۶۴.

نوشته‌ای به خط شریف آن حضرت (عج) صادر شد، در آغاز یکی از آنها آمده:

«لِلْأَخِ السَّدِيدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ ... سَلَامٌ
اللَّهُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ فِينَا بِالْيَقِينِ ... ؛

به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولی
خالص در راه ما و دارای یقین به ما»

و در توقیع دیگری آمده:

«سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ بِكَلِمَةِ
الصِّدْقِ ... ؛

سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان
راستین»^(۱)

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت، با خط شریف امام
زمان علیه السلام بر روی قبرش نوشته شده بود:

«لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّمَا
يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غَيَّبْتَ فِي جَدِّهِ الثَّرَى،
فَالْعِلْمُ وَ التَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ

۱ - مشروح این دو توقیع در احتجاج طبرسی رحمته الله، جلد ۲، ص ۳۲۲، به بعد آمده است در مورد توقیعات
دیگر به بحار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ تا ۱۹۸ مراجعه شود.

وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كَلَّمَا
تَلَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدُّرُوسِ عُلُومٌ ... ؛

خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل
محمد ﷺ روز مصیبت بزرگی است.

اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی، علم و توحید همراه تو
اقامت کرد.

قائم مهدی (عج) خوشحال می شود هر وقت که درسها و علوم تو
را برایش می خوانند (کتابهای تو را طالبان، مورد مطالعه و
بحث قرار می دهند).»

بالاخره در ضمن یکی از نامه‌ها (توقیعات) به شیخ مفید رحمته

می نویسد:

«ما به مناجاتهای تو توجه داریم، خداوند تو را به خاطر آن
وسیله (و موفقیتی) که به تو از دوستانش بخشید حفظ کند و از
توطئه دشمنان نگهدارد.»^(۱)

گفتار امام قائم (عج) به شیخ مفید رحمته :

در ضمن یکی از توقیعات یعنی نامه امام (عج) به شیخ مفید آمده:
«ما گرچه در مکانهای دور از ظالمان، به سر می بریم،

خداوند متعال (فعلاً) صلاح ما و شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است، چنین خواسته^(۱) ما به ماجرای زندگی شما کاملاً اطلاع داریم و از اخبار و آزاری که از ناحیه دشمنان به شما می‌رسد با خبریم، چنانکه با گذشتگان صالح چنین می‌شد... ولی ما شما را فراموش نمی‌کنیم و توجه کامل به شما داریم و گرنه سخت در فشار (دشمن) قرار می‌گرفتید، یا دشمن شما را نابود می‌کرد، تقوا و پرهیزکاری را پیشه کنید...»^(۲)

امام علیه السلام در ضمن توقیع دیگر برای شیخ مفید رحمته الله چنین می‌نویسد:

«کسی که از برادران دینیت، تقوا پیشه کند و از خدا بترسد و آنچه که بر عهده‌اش است به مستحقش واگذار نماید از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتفاق با صدق قلب، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی‌افتد، و سعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکو نگهبان است، و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده، محمد صلی الله علیه و آله و دودمان پاکش باد.»

۱- این جمله حاکی است که تا دنیا در دست رهبران فاسق است، امام (عج) پنهان است و باید دنیا را از

دست رهبران فاسق گرفت تا زمینه‌سازی ظهور امام (عج) فراهم گردد.

۲- احتجاج طبرسی، جلد ۲، صفحه ۳۲۲.

این نامه در آغاز شوال سال ۴۱۲ هجری قمری از ناحیه مقدسه امام عصر (عج) برای شیخ مفید رحمته الله صادر شده است.^(۱) این گفتار حاکی است که پنهان شدن امام قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه است، اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند به ملاقات امام (عج) خواهند رسید. ضمناً ناگفته نماند که تویق (نامه) امام عصر (عج) برای بعضی از علمای دیگر نیز صادر شده از جمله برای «علی بن الحسین بن موسی بن بابویه» معروف به (ابن بابویه) (پدر بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله) که در قم در قسمت شمال اول خیابان چهارمردان مدفون است و حرم و بارگاه دارد، وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده است و به گفته ابن ندیم، وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشته است، در سال ۳۲۹ به دیار ابدی مسکن گزید.

برگ سبزی از نگارنده، خطاب به امام زمان علیه السلام :

بیا بیا که دل عاشقان برفت از دست
بیا بیا که چه بسیار غم به قلب نشست
بیا که فصل دراز خزان و غم تا کی؟
بکش تو از دل جانکاه، تیرها با شست
بیایا که فراغت بکشت پیر و جوان
نجاتشان بده جانا ز دست حاکم پست

تو ای عزیز خداوند و سرور ثقلین
 تو ای نواده آن کو به آسمانها رفت
 عنایت و کرمی کن به چاکران درت
 اگر چه لایق درگه نبود غافل و مست
 فسوس و آه، بهاران گذشت و غنچه ندید
 هر آنچه بلبل محزون پرید و بیرون جست
 و لیک خوی نکویت دلش به شور افکند
 خطاب کرد به خود، کی ز غصه در تب خست
 بشارتی دهمت ای ضعیف و درمانده
 که مدتی است بینم به رویت این در، بست
 ندای وقت تولد که بود جاء الحق
 چنین ندا و چنان صوت را ز مانی هست
 خوش آن زمان که به جوش و خروش افتد راز
 خوش آن مکان که بریده شود رگ تر دست
 خوش آن دمی که بنورش جهان شود تابان
 خوش آن مهمی که به گردش چو هاله مردم رست
 بیا بیا که چه اندازه افتخار بود
 محمدی به حضورت شود غلام دست^(۱)



۱ - سروده نگارنده در عید نوروز سال ۱۳۵۱ - شمسی امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ نوروزی نیست مگر

این که ما در آن منتظر فرج هستیم، زیرا این روز از روزهای ما است (اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۲).

﴿ حکومت درخشان امام مهدی (عج) ﴾

ما نمی‌توانیم درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم (عج) را
آنطور که هست نشان دهیم، ولی شاید با ذکر چند ویژگی از
ویژگیهای این حکومت در همه زمینه‌ها، دورنمایی از این نظام بهشتی
و سراسر عدل آن را توصیف نموده و در معرض دید خوانندگان قرار
دهیم.

به طور کلی همانگونه که ائمه علیهم‌السلام و امام صادق علیه‌السلام فرمودند:
«إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا؛

خداوند زمین را پس از مرگش زنده می‌کند.»^(۱)

و این آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند:

«خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران
ستمگر زنده می گرداند.»^(۱)

با مقایسه زمین خشک و مرده با زمین پر از گل و گیاه و میوه و
سبزه و آب و مقایسه آن با حکومت مهدی (عج) به دست می آوریم که
حکومت جهانی آن حضرت تا چه اندازه ای از عدل و صفا و امنیت
و شادمانی در همه زمینها برخوردار است.^(۲)

اکنون برای آشنایی بیشتر با این دوران سراسر درخشان که
خداوند به آن سوگند یاد کرده^(۳) به ویژگیهای زیر که نمایانگر
دورنمایی از آن است توجه کنیم، تا زمینه ساز این ویژگیها باشیم:

۱- توحید سراسری در همه زمینها:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی شود
مگر اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد - ولی کار به
جایی می رسد - که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت،
پنهان شده باشند، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در شکم من کافر
است مرا بشکن و او را بکش.»^(۴)

۱ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۶۳ الی ۱۳۰.

۲ - ویژگیهای این زمان در کتاب بحار، جلد ۵۳، از صفحه ۱ الی ۲۸ آمده است.

۳ - والعصر (سورة عصر، آیه ۱) که یکی از تفاسیر آن سوگند به عصر درخشان حکومت حضرت
مهدی (عج) است.

۴ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۴.

و در عبارت دیگر فرمود:

«قائم (عج) همه دین را در همه عالم آشکار می سازد.»^(۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: امام قائم (عج) هر منافق شکاک را به قتل می رساند.^(۲)

نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

«حکومت‌های باطل نابود گردد، حکومتش شرق و غرب را فرا گیرد، دین خدا به وسیله قائم (عج) زنده گردد و بدعتها و باطلها نابود شود.»^(۳)

امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی به مفضل رضی الله عنه فرمود:

«به خدا سوگند! اختلاف از میان ادیان برداشته می شود و همه دینها به صورت یک دین درمی آیند چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: تنها دین در نزد خدا اسلام است.»^(۴)

به این ترتیب وحدت جهانی معنوی پدید می آید.

و به این ترتیب می بینیم توحید در حکومت و سیاست و دین

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲ ص ۱۱۰.

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۶۱ - بحار، جلد ۵۲ ص ۱۱۰.

۳ - منتخب الاثر، صفحه ۴۷۱ الی ۴۷۳ - البته در آغاز، امام (عج) بر اساس دلیل و منطق با مردم برخورد می کند و حجّت را بر آنها تمام می نماید، امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «امام قائم (عج) به یارانش می فرماید: «مردم مکه، به سوی من نمی آیند، ولی من می فرستم سراغ آنها، و به آنچه که شایسته من است بر آنها استدلال می کنم.» (بحار، جلد ۵۲ طبع جدید، صفحه ۳۰۷).

۴ - بحار، جلد ۵۲ ص ۴.

وقانون و در یک کلمه توحید در تمام زمینها که شالوده اساسی یک حکومت درخشان است، در حکومت حضرت مهدی (عج) تحت رهنمودهای آن بزرگمرد الهی پدیدار می شود، به عبارت دیگر، نفوس مردم، تکامل و رشد می یابد که در این صورت پایه نخستین حکومت عدل جهانی برقرار شده است، آن هم در سطح کل جهان، چنانکه در ذیل روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: در تمام نقاط مشرق و مغرب کسی باقی نمی ماند جز اینکه معتقد به یکتایی خدا است. (۱)

و چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛

وقتی که قائم (عج) ما قیام کرد، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگانش می گذارد و به وسیله آن عقلها و اندیشه هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می سازد.» (۲)

در اینجا اضافه می کنیم که آن حضرت اسلام را مو به مو و با کمال قاطعیت اجراء می کند، زناکار همسردار را سنگسار می نماید، و مانع زکات را گردن می زند. (۳)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۶.

۲ - اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۵.

۳ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

۲- پیشرفت عجیب علوم:

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش به سزایی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل را رفع می‌کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی (عج) یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه‌ها است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اصول علم و دانش دارای بیست و هفت حرف (رشته) است، تمام پیامبران آنچه برای مردم تا حال آورده‌اند دو حرف بوده، وقتی که قائم (عج) ما قیام کند بیست پنج حرف دیگر علوم را نیز آشکار می‌سازد و در میان مردم رواج می‌دهد و ضمیمه آن دو حرف می‌کند تا بیست و هفت حرف تکمیل گردد.»^(۱)

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و غیره نیز پدید خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ
بِالْمَشْرِقِ؛

مؤمن در عصر حکومت مهدی (عج) در حالیکه در مغرب سکونت دارد، برادرش را که در مشرق است می‌بیند.»^(۲)

۱- بحار، ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲- منتخب الاثر، صفحه ۴۸۳ - بحار، ج ۵۲ صفحه ۳۳۶.

خود امام قائم (عج) نیز همچون حضرت علی علیه السلام اعلام می‌کند:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّ بَيْنَ جَوَانِحِي عِلْمًا جَمًّا؛

قبل از آنکه از میان شما بروم هرگونه سؤال دارید از من بپرسید

چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است.»^(۱)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مردم چگونه به قیام آن

حضرت آگاه می‌شوند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «هر یک از شما وقتی

از بستر برخاست، در کنار بسترش دعوتنامه‌ای می‌بیند که در آن آیه

۵۳ نور نوشته شده و سپس در آن آمده؛ اطاعت خالصانه نشان

دهید.»^(۲)

مفهوم این روایت به تکنیک «فاکس» که از وسایل مهم مخابراتی

امروز است بسیار نزدیک می‌باشد.

اینها نمونه‌هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت و رشد

همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)

می‌کند.

۳- پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات:

در تعبیری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است:

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۲۷۲.

۲- مدرک پیشین، ص ۳۲۴.

«وَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعَمَّرُهُ»

در همه زمین جای خرابی نماند بلکه همه را آباد خواهد ساخت. (۱)

و در عبارتی آمده پیامبر ﷺ فرمود:

«در آن زمان زمین گسید و اشیاء گرانقیمت خود را بیرون می فرستد و ثروت فراوان در میان مردم پخش می شود.» (۲)

و دامداری نیز در این عصر به طور چشمگیر پیشرفت می کند. (۳)

۴- برادری و صفا و صمیمیت:

در آن زمان نه تنها مردم در جهت ظاهر مادی پیشرفت عجیبی می کنند بلکه از لحاظ معنوی نیز که بسیار مهم و هدف اصلی است رشد شایانی دارند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُرَامِلَةُ وَ أَتَى الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ»

وقتی که قائم (عج) قیام کرد، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی دارد. (۴)

۱ - اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰ - كشف الغمة، ج ۳، ص ۳۷۶.

۲ - منتخب الاثر، صفحة ۱۶۸.

۳ - المجالس السنیه، جلد ۵، صفحة ۷۰۷.

۴ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱۳ - بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

کوتاه سخن اینکه یک اقتصاد سالم ضد طبقاتی بر اساس عدل و مساوات اسلامی برقرار می‌گردد.^(۱)

۵- امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت:

در جهان مفاهیم، واژه‌هایی بهتر از عدالت، برکت، امنیت و وفور نعمت نداریم.

در حکومت درخشان حضرت مهدی (عج) تمام این مفاهیم به نحو احسن محقق می‌گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«در آن زمان اگر پیرزنی از مشرق به مغرب برود کسی به او کار

ندارد.»^(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کرد، داوری به عدالت می‌کند و ظلم و جور از میان می‌رود، و راهها امن می‌شود، زمین برکتهای خود را آشکار می‌سازد، و هر حقی به صاحبش برمی‌گردد، و همه مردم معتقد به اسلام می‌شوند.»^(۳)

۱- بحار، ج ۵۲ ص ۳۴۵.

۲- المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۶.

۳- المجالس السنیه، جلد ۵، صفحه ۱۱۰ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۵.

پیامبر خدا ﷺ در ضمن گفتاری فرمود:

«تُنْعَمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يُنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتِي الْأَرْضُ أَكْلَهَا (كُنُوزَهَا) وَلَا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَالْمَالُ يَوْمَئِذٍ كَدَّوْسٍ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ؛

آنچنان در میان امت من وفور نعمت می شود که مثل آن هرگز نبوده است، زمین گنجها و میوه های خود را آشکار می سازد و از آنها چیزی کم نکند، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر دست و پا افتاده باشد، شخصی می آید و می گوید: ای مهدی (عج) از اموال به من بده امام به او می فرماید: بگیر»^(۱)

و در عبارت دیگر فرمود:

«خداوند باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد و از زمین چیزی از گیاه نماند مگر این که سبز گردد.»^(۲)

حضرت رضا عليه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«قائم (عج) وقتی که ظهور کرد نورش جهان را روشن می کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می دهد، هیچکس به کسی ظلم نمی کند، زمین برای او در نور دیده می شود (یعنی به هر جای زمین برود فوری و آسان است) و او سایه ندارد و ...»

۱ - کشف الغمّه، صفحه ۳۸۲، - المجالس السنیّه، ج ۵، ص ۷۲۲.

۲ - کشف الغمّه، صفحه ۳۷۶ الی ۳۹۰.

باز نقل شده که در سال قیام آن حضرت بیست و چهار بار باران
بیارد که آثار و برکات آن دیده شود.^(۱)

جالب اینکه: وفور نعمت و به عبارت دیگر اقتصاد خوب و
خودکفایی در حدی است که مردم بی نیاز می شوند و کسی برای
صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی کند، چرا که همه
مردم خودکفا و بی نیازند.^(۲)

علاوه بر این پیشرفتها، پیشرفتهای دیگری نیز در شهرسازی و
راهسازی و نوسازی و توسعه نهضت سوادآموزی و پیشرفت
قضایی و در یک کلمه پیشرفت در همه زمینه ها به وجود می آید.^(۳)
کوتاه سخن آنکه: یک نهضت به تمام معنی پر از صفا و صمیمیت
در دنیا به وجود خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) ما قیام کند سراسر زمین به نور پروردگارش
روشن می شود، یعنی عدل و داد در سراسر زمین تا آنجا که
طبیعت زمین پذیرا باشد اجرا خواهد شد.»^(۴)

۱ - کشف الغمّه، صفحه ۳۵۶ و ۴۴۶ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۹.

۲ - کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۳۶۵.

۳ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۱۱ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹.

۴ - تفسیر نورالثقلین، ذیل آیه ۸۶، سوره زمر.

۶- توجه کامل به اماکن مقدّسه و توسعه شهرها و بهداشت:

از آنجا که اماکن مقدّسه مانند مسجد و ... پایگاه مرکزی برای عبادت و تعلیم و تعلّم در جهت تکامل نفوس است، امام قائم (عج) در این جهت نیز توجه خاص دارد، به طوری که امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم (عج) ما ظهور کند در پشت کوفه، مسجدی می سازد که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو نهر کربلا متصل می گردد.»^(۱)

ایجاد مسجد بزرگی در پشت کوفه (صحرای نجف) در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که مضمونش چنین است:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«گویا حسنی^(۲) را (در کوفه) با حسینی (ظاهراً منظور امام قائم (عج) است) می بینم که حسنی با یارانش با حسینی بیعت می کنند و در اطراف آن حضرت هستند، تا در جمعه دوّم مردم گویند نماز پشت سر امام قائم (عج) مساوی با نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است اما بر اثر کثرت جمعیت در مسجد کوفه جا پیدا نمی شود، امام (عج) به پشت کوفه رفته و خطّ مسجد

۱- اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۱۰۹ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰ - کشف الغمّه، جلد ۳، صفحه ۳۶۱.

۲- منظور، سید حسنی است که شرح قیام او را قبلاً ذکر کردیم.

بزرگی را می‌کشد که آن مسجد هزار در دارد، تا مصلاهی بزرگ و

فراگیر برای همه جمعیت باشد.»^(۱)

در نوسازی و شهرسازی، خانه‌های کوفه به خانه‌های کربلا

متصل می‌شوند.^(۲)

کوتاه سخن اینکه: آن چنان شرایط زندگی سالم در تمام ابعادش

در زمان حکومت امام عصر (عج) فراهم خواهد شده که به فرموده

امام صادق علیه السلام: «یک مرد در این عصر چنان عمر طولانی می‌کند که

دارای هزار فرزند می‌شود.»^(۳)

امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم قیام کرد به کوفه می‌رود و چهار مسجد را در

آنجا ویران می‌نماید. هر مسجدی که در زمین مُشرف

(بر خانه‌های مردم) باشد،^(۴) ویران می‌کند، راهها را وسیع

می‌نماید.»

به این ترتیب می‌بینیم حتی اگر مسجد هدف غیر

اسلامی داشت ویران می‌شود.

۱ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.

۲ - بحار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۷.

۳ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۴.

۴ - گویا منظور چهار مسجدی است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام هر یک از آن را برای تشویق به نام یکی از

دشمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین علیه السلام ساختند که عبارتند از مسجد ثقیف (به نام مغیره بن شعبه

ثقیفی) و مسجد اشعث (به نام اشعث بن قیس «سرکرده منافقین») و مسجد جریر (به نام جریر بن عبدالله مخالف

امام علی علیه السلام) و مسجد سهاک (به نام سهاک بن مخزومه اسدی «که از فرمانروایان جنگ صفین است») - تهذیب،

جلد ۲، ص ۲۵۰.

آری هر مانعی را که در راهها است از میان برمی‌دارد و عوامل ناپاکی و نادرستی و حتی ناودانهایی را که موجب این کثافتها می‌شوند از بین می‌برد، هر بدعتی را نابود و هر سنت نیکی را احیاء می‌سازد، قسطنطنیه (واقع در ترکیه) و کوههای گیلان و چین را فتح می‌کند...^(۱)

جالب اینکه: در این عصر درخشان، امکانات یک فرد صالح و مؤمن، پرنده را از هوا فرود می‌آورد و او آن را ذبح کرده و می‌پزد و از گوشتش بهره‌مند می‌شود.^(۲)

در میان این امور، آنچه که بسیار مهم است و امور دیگر مقدمه و وسیله آن است، تکمیل نفوس و بالا بردن سطح معلومات و معنویات است، که هدف تمام پیامبران و اولیاء خدا همین بوده است. (البته در پرتو تکمیل نفوس، سایر مواهب مادی نیز به دست می‌آید.)

ما وقتی که آیه ۵، سوره قصص «وَأُتْرِيذُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا فِي الْأَرْضِ...» را که در مورد حکومت حضرت ولی عصر (عج) می‌باشد تحت مطالعه قرار می‌دهیم، واژه مستضعف را در روایات امامان علیهم‌السلام می‌نگریم می‌بینیم بیشتر روایات، مستضعف را به معنی کم عقل، کم سواد، هدایت نشده، بی‌خبر از قرآن و ناتوانی در فکر و شناخت گرفته‌اند.^(۳)

۱ - اعلام الوری، صفحه ۲۲۲ - بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۹.

۲ - اثبات‌الهدایة، جلد ۷، صفحه ۱۲۶.

۳ - این روایات در معانی الاخبار، صفحه ۲۰۰ به بعد آمده است.

امام باقر علیه السلام در معنی مستضعف فرمود:

«الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا،
لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةَ الْكُفْرِ وَ لَمْ يُهْتَدُوا فَيَدْخُلُوا فِي
الْإِيمَانِ فَلَيْسَ هُمْ مِنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ؛

آنانکه چاره‌ای ندارند و به راه هدف، هدایت نمی‌یابند، توانایی
تشخیص تزویر کفر را ندارند، و راهی به هدایت نبرده‌اند تا
ایمان آورند، آنها نه کافر و نه مؤمن هستند.»^(۱)

نتیجه می‌گیریم که اهمّ هدف امام قائم (عج) تکمیل نفوس و آگاه
کردن مردم و خط دادن به آنها و هدایت کامل معنوی و علمی آنها و
نجات دادن آنها از استضعاف در جهت معنی و فکر و اندیشه است، در
اینجا سخن را کوتاه کرده و آن را با اشعار ذیل و چند سخن از
بزرگان پایان می‌بریم.

سراسر صحن آن آرامگه جنات موعودی

بعینه چون بهشت کردگار آن ساحت غیبا

نه دردی هست و نه رنجی نه آلامی نه اسقامی

نه سودایی تنی افزون شود نه کاهش صفرا

هزاران گل شکفته گردد از آسیب گل چینان

به صد شادی کنار گل کشد صد عندلیب آوا

چریدی و چمیدی در امان ز آسیب صیّادان

غزال کوهی و آهوی دشتی، شادر در صحرا

و بالاخره به فرموده امام صادق علیه السلام:

«فَيَأْتُوْنِي لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَالْوَيْلُ كُلُّهُ
الْوَيْلُ لِمَنْ نَاوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ؛

ای خوشا به سعادت آنکس که امام مهدی (عج) را درک کند و از
یاورانش شود، و ای، وای از هر جهت وای بر کسی که با او
مبارزه و مخالفت کند، و از فرمانش سرپیچی نماید و در صف
دشمنانش قرار گیرد.»^(۱)

و به قول ابن عباس رضی الله عنهما صحابی معروف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مفسر
بزرگ:

«فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ؛ خوشا به سعادت کسی که زمان
ظهور قائم (عج) را درک کند.»^(۲)

و به فرموده امام علی علیه السلام : آیه

«وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ
نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛

می خواهیم بر آنانکه در زمین مستضعف شمرده شدند منت
نهمیم و آنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم.»

در مورد آل محمد صلی الله علیه و آله است که مهدی (عج) آنها پس از رنج
و سختی آنها، نهضت کند و به آنها عزت بخشد و دشمنان آنان
را خوار نماید.^(۳)

۱ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳

۲ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۱

۳ - اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰

دولت کریمه

یکی از دعاهایی که شبهای ماه مبارک رمضان می خوانیم، دعای افتتاح است، این دعا را حضرت ولی عصر (عج) به محمد بن عثمان (دومین نائب خاص از نواب اربعه) تعلیم داده و او منتشر نموده است. سید بن طاووس رحمه الله در اقبال خود در ذکر اسناد دعاهای ماه رمضان، دعای افتتاح را پس از ذکر یک سلسله از ناقلین به محمد بن عثمان می رساند که محمد بن عثمان رحمه الله آن را از امام زمان علیه السلام گرفته است.

علامه مجلسی رحمه الله در زادالمعاد نیز همین سند را نقل کرده و آن را سندی معتبر می داند و می گوید: امام زمان علیه السلام آنرا برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند.

نکته جالب اینکه: در این دعای شریف به طور جامع به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) که به عنوان «دولت کریمه» خوانده شده اشاره شده است، توجه عمیق به معنی این دعا برای منتظران مهدی (عج) لازم است.

دولت کریمه عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند، و در پرتو آن

دولت، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می‌کند.
حضرت رضا علیه السلام در انتظار رسیدن چنین حکومتی، دو آیه از قرآن را ذکر فرمود:

۱ - «وَأَرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ؛ شما در انتظار بمانید، من هم در انتظارم.»^(۱)

۲ - «فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظَرِينَ؛ شما منتظر باشید من هم با شما منتظر هستم.»^(۲)

گرچه آیه اولی از قول حضرت هود علیه السلام و آیه دومی از قول حضرت شعیب علیه السلام به قوم خود است، ولی حضرت رضا علیه السلام تأویل فرمودند به ظهور امام زمان علیه السلام که همه باید در انتظارش باشیم، و فرمود:

این انتظار نیکو انتظاری است.^(۳)

توجه امام علیه السلام به مکه، کوفه و قم:

یکی از شؤون یک حکومت جهانی، و یا فراهم آوردن مقدمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، به خصوص از نظر معنوی است.

۱ - سوره هود، آیه ۹۳.

۲ - سوره اعراف، آیه ۷۱.

۳ - توضیح بیشتر در کتاب «بیان حقیقت» که در شرح همین دعای شریفه است.

این مراکز همچون پایگاه و هسته‌های اصلی هستند که می‌توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد.
در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز به خصوص اسم برده شده:

۱ - مکه ۲ - کوفه ۳ - قم که اینها در پیشبرد نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) اثر به سزایی دارند.

ما در اینجا با رعایت اختصار، شرحی درباره این سه مرکز ذکر می‌کنیم، تا رهنمودی برای مسلمین و آینده‌سازان منتظران حضرت مهدی (عج) باشد و روز به روز بر رونق این سه مرکز در ابعاد مختلف بیفزایند.

۱- مکه مرکز اولین جرقه‌های انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) :

در روایات می‌خوانیم: حضرت مهدی (عج) در مکه کنار کعبه ظهور و خروج می‌کند.^(۱)

هنگام ظهور به کعبه تکیه می‌کند و صدایش را بلند می‌نماید که:

«هان ای مردم جهان، کسی که می‌خواهد به آدم علیه السلام و شیث علیه السلام

بنگرد به من بنگرد، کسی که می‌خواهد به ابراهیم علیه السلام و

اسماعیل علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می‌خواهد به

موسی علیه السلام و یوشع علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می‌خواهد

به عیسی علیه السلام و شمعون علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمد صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علی علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به امامان علیهم السلام از فرزندان حسین علیه السلام بنگرد به من بنگرد و به ندای من پاسخ مثبت دهید، من از آنچه که آنها خبر داده اند و آنچه که خبر نداده اند به شما خبر می دهم.»^(۱)

خلاصه این روایت این است که تمام صفات پیامبران بزرگ و رسولان و اوصیاء آنها در وجود من جمع است، من غیر از آنچه آنها آورده اند، شما را به زیاده تر از آن آشنا می کنم، و اهداف آنها را تکمیل می نمایم.

شما پیرو هر دینی هستید، گم شده شما در وجود من است به گرد من جمع شوید که به هدف کامل زندگی خود خواهید رسید.
امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه:

«وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ
اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ؛

و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند.»^(۲)

۱ - بحار، ج ۵۳، ص ۹.

۲ - سوره توبه، آیه ۳.

فرمود: «منظور خروج قائم (عج) و دعوت او از مردم به سوی رهبری خود است.»^(۱)

ناگفته نماند امام باقر علیه السلام در این حدیث یکی از مصادیق روشن این دعوت عمومی را بیان می‌فرماید، که در آن وقت این دعوت به صورت کامل جامه عمل می‌پوشد و تحقق عینی می‌یابد.

موضوع دیگر اینکه: یاران امام زمان علیه السلام پس از ظهور در مکه (چنانکه قبلاً گفتیم) به آن حضرت می‌پیوندند که از جمله آنها سیصد و سیزده نفر یاران خاص هستند و سرانجام ده هزار نفر شده و به سوی مدینه رهسپار می‌شوند...^(۲)

موضوع دیگر اینکه امام زمان علیه السلام مسجد الحرام را خراب کرده به اصل خود برمی‌گرداند و همچنین، مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی خود برمی‌گرداند.

در این مورد امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم (عج) قیام کند، مسجد الحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد، مقام ابراهیم علیه السلام را به محل اصلی خود می‌گذارد، دستهای کلیدداران (خائن..)) را قطع کرده و در کعبه آویزان می‌نماید و بر آنها می‌نویسد اینها دزدان کعبه هستند.»^(۳)

۱- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۹۹.

۲- اعلام الوری، ص ۳۳۱.

۳- اعلام الوری، صفحه ۲۳۱ - اثبات الهداة، جلد ۷، صفحه ۳۵ - ۱۱۸.

و سه هزار نفر از خائنان و چپاولگران مکه را در شش نوبت به قتل می‌رساند.^(۱)

از این مطالب نتیجه می‌گیریم که نخستین جرقه‌های انقلاب جهانی آن حضرت در مکه بروز می‌کند. و به این ترتیب می‌بینیم آن حضرت مسائل تشریفاتی و تزئینی و فرعی را از بین برده، و مردم را به ابعاد اصلی حج که مهمترین آن، بُعد سیاسی و عبادی آن است متوجه می‌سازد.

با توجه به اینکه در اسلام، بُعد سیاسی نیز عبادت است. و این یک درس بزرگی است برای طرفداران مهدی (عج) که مکه این مرکز استراتژیکی و مهم دنیای اسلام را به صورت کانون آتشفشان عدالت و معنویت و اتحاد بر ضد استکبار جهانی درآورند. و آنرا آماده ظهور امام عصر (عج) کنند و از زیر یوغ استکبار، خارج نمایند.

در اینجا سخن را رها کرده و به گفتار پرمغز امام خمینی علیه السلام که در پیام مهم خود به مسلمانان در آستانه برگزاری کنگره عظیم جهانی حج سال ۱۳۶۳ (چهارم شهریور مطابق ۲۸ ذی القعدة ۱۴۰۴) ابلاغ فرموده اشاره می‌کنیم.

«... ابعاد مختلف این فریضه الهی عظیم سرنوشت‌ساز «حج» به واسطه انحرافهای حکومت‌های جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه کشورهای اسلامی و کج‌فهمی‌های بعضی از معتمین و مقدس‌نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است، کج‌فهمانی که حتی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف و آن را از حکومت طاغوت بدتر می‌دانند...

... از همه ابعاد حج، مهجورتر و مورد غفلت‌تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است که دست خیانتکاران برای مهجوریت آن بیشتر در کار بوده و هست و خواهد بود و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگل است، بیشتر از هر زمان، موظف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند...

روزی که ولی‌الله اعظم امام عصر (عج) ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و بر خلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر و از ستمگران پشتیبانی می‌نمایند.»^(۱)

... مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را

۱ - جالب اینکه در روایات آمده اولین دسته‌ای که با قیام امام زمان علیه السلام مخالفت می‌کنند، علما هستند.

(ظاهراً مراد همین دسته از علما درباری می‌باشند.)

به افق توحید و تنزیه، نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود...

... اگر در این کنگره جهانی که همه اقشار ملت‌های مظلوم اسلامی از هر قشر و ملت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر ولی با روش واحد و لباس مشابه، دور از هر آرایش و آرایش اجتماع نموده‌اند، مسائل اسلامی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان، از هر فرقه حل نشود حکومت‌های مستکبر و زورگو نیز جایشان نشینند، از اجتماعات کوچک منطقه‌ای و محلی کاری برنخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد...

بیتی که برای قیام، تأسیس آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف بزرگ انجام داد، مجرد کلید دارای بیت و سقایت حجّاج و عمارت مسجد الحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست، ساده بودن بیت و مسجد همچون زمان ابراهیم علیه السلام و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی‌آرایش و وافدین بی‌پیرایشش هزاران مرتبه بالاتر از تزئین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است می‌باشد.»

﴿ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ
عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴾^(۱)

گویی این آیه در عصر ما نازل شده و گویای حال ما است، در عصر حاضر سرگرمی به سقایت و معیشت حجّاج و به عمارت و تزئین مسجدالحرام و غفلت از ایمان به خدا و روز قیامت و کناره‌گیری از جهاد فی سبیل‌الله را شعار خود قرار داده‌اند و کسانی که به این آیه عمل کنند آنها را ظالم می‌خوانند.

و آیه ۳، سوره توبه ﴿ وَ أَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ... ﴾ درست بر خلاف رفتار آخوندهای درباری و تأمین‌کننده منافع شیطان بزرگ آمریکا است... که فتوا می‌دهند حج باید از این مسائل به دور باشد...

مسأله، مسأله حضور در محضر است و شاهد جمال محبوب، گویی گوینده از خود در این محضر بی‌خود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند، و دنباله آن سلب شریک به معنی مطلق آن می‌نماید.

باید متوجّه باشند که حج آنها حج ابراهیمی عليه السلام «ابوالانبیاء صلوات الله علیه» باشد و حج محمدی صلی الله علیه و آله و سلم

۱ - آیا سیراب کردن حجّاج و آباد کردن مسجدالحرام را همانند عمل کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه او جهاد کرده است؟ (این هردو) هرگز نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند. (توبه، آیه ۱۹)

«وَالْأَمَّا أَكْثَرُ الضَّجِيجِ وَ أَقَلُّ الْحَجِيجِ»^(۱) چقدر ناله کن زیاد است ولی حاجی حقیقی کم است ...»

از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر و بیداری مسلمانان و تعهدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم.^(۲)

«روح الله الموسوی الخمينی علیه السلام»

نتیجه اینکه مسلمانان دوستدار حضرت قائم (عج) باید به مکه و کعبه و حج، اهمیت فراوان بدهند و فلسفه حج را درک کنند و اجرا نمایند و بدانند که عرفات مرکز شناخت و مشعر مرکز شعور و منی مرکز عشق و قربانی و ترور شیاطین تجسم یافته است در این صورت کمک بزرگی به فراهم شدن اسباب کار در مورد ظهور آن حضرت کرده‌اند.

در اینجا این مطلب را با سخنی از وصیت امام علی علیه السلام به دو فرزندش امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پایان می‌بریم.

«اللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرِكَ لَمْ تُنَاطِرُوا؛

خدا را، خدا را، در مورد خانه پروردگارتان (کعبه) آنرا تا زنده هستید خلوت نکنید، زیرا اگر این خانه ترک شود، کرامت و عزت خود را (از طرف خدا و مردم) از دست خواهید داد.»^(۳)

۱ - اشاره به سخن امام باقر علیه السلام - مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۱۸۴.

۲ - نقل فرازهایی از پیام حضرت امام علیه السلام از روزنامه اطلاعات، شماره ۷۳۸۷، پنجشنبه هشتم شهریور ماه

صفحه سوم که به مناسبت ایام حج بیان فرمودند.

۳ - نهج البلاغه، نامه ۴۷.

آری باید مسلمانان با طرح جامع ایجاد شورای اسلامی اداره امور حج، با موج عظیم میلیونی، همه ساله مسلمانان را خط بدهند و نتایج سودمندی از این مرکز عبادی سیاسی بگیرند، و بدانند که مراسم حج تنها بُعد عبادی آن نیست و گرنه امام حسین علیه السلام روز هشتم ذی الحجه حج را رها نمی‌کرد و به سوی جهاد نمی‌رفت.

ناگفته نماند که مدینه نیز از مراکز مهم در رابطه با حکومت حضرت مهدی (عج) است که آنحضرت با یاران خود از مکه به مدینه آمده و در آنجا جمعیت‌های زیادی به آن حضرت می‌پیوندند و عده‌ای از مخالفان سرکوب می‌شدند. (از اینکه مدینه را مستقلاً ذکر نکردیم چون آن را جزء حجاز و در قلمرو مکه به حساب آوردیم).

اینک به این روایت توجه کنید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مکه، حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و حرم امام علی علیه السلام است و یک نماز در مکه معادل با صد هزار نماز است، انفاق یک درهم در مکه معادل با انفاق با صد هزار است، مدینه حرم خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است و یک نماز در آن معادل با هزار نماز، و انفاق یک درهم در آن معادل انفاق هزار درهم است.»^(۱)

روایات دیگری نیز در شأن و مقام مدینه آمده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

۲- کوفه مقر حکومت حضرت مهدی (عج) :

قبلاً گفتیم، امام قائم (عج) پس از ظهور از مکه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می‌شوند و مقر حکومت آن حضرت کوفه است یعنی همان محلی که مقر حکومت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«گویی قائم (عج) را می‌بینم در نجف کوفه که از مکه به آنجا آمده در حالی که پنج هزار فرشته که جبرئیل علیه السلام در طرف راستش و میکائیل علیه السلام در طرف چپش و مردم با ایمان در حضورش هستند، و آن حضرت لشکرها را در شهرها گروه گروه پراکنده می‌کند.»^(۱)

در کوفه حدود ده هزار نفر که «بتریه» نام دارند، جلو آن حضرت را می‌گیرند و به او می‌گویند از همانجا که آمده‌ای برگرد ما نیازی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم، امام (عج) با آنها جنگ می‌کند و همه آنها را به هلاکت می‌رساند، و آنگاه وارد

کوفه شده و هر منافق شکاک را می‌کشد، و کاخ‌های عظیم ظلم را ویران می‌سازد، و جنگ افروزان را به قتل می‌رساند تا خداوند خشنود گردد.»^(۱)

آن حضرت در کوفه به توسعه راهها و خیابانها و شهرها و مساجد می‌پردازد، بیست و هفت نفر که اصحاب کهف و یوشع علیهم السلام و سلمان رضی الله عنه و ابو دجانة رضی الله عنه و مقداد رضی الله عنه و مالک اشتر رضی الله عنه در میانشان است در نجف به آن حضرت می‌پیوندند و در صف یاران آن حضرت قرار می‌گیرند.

بالآخره آنچنان در جهت ظاهر و باطن مردم به طور سریع و وسیع کار را به پیش می‌برد که خداوند سراسر زمین را به نور الهی روشن می‌کند و دیگر مردم نیازی به نور خورشید ندارند، ظلمت و تاریکی (ظلم و فساد) از بین می‌رود، یک نفر مرد در زندگی خود آنقدر عمر می‌کند که دارای هزار فرزند می‌شود...^(۲)

موضوع دیگر توسعه دادن به شهر کوفه است که خانه‌های کوفه به رود کربلا متصل می‌شود، و مسجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می‌شود که هزار در دارد.

وسعت کوفه به حدی می‌شود که اگر مردی در کوفه سوار بر استر راهوار بشود تا خود را به نماز جمعه برساند، نماز جمعه را درک نمی‌کند

۱ - اعلام الوری، صفحه ۴۳۲.

۲ - اعلام الوری، صفحه ۴۳۳ - ۴۴۴.

در صورتی که آن مرد در کوفه سکونت دارد.^(۱)

به این ترتیب می‌بینیم کوفه (که عبارت دیگر آن شامل نجف و عراق است) پایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) است، همان جایی که در طول تاریخ پایگاه مردان بزرگ چون ادریس علیه السلام، نوح علیه السلام، ابراهیم علیه السلام، عیسی علیه السلام و حضرت امام علی علیه السلام و امامان دیگر بوده است.

که در روایات آمده امام صادق علیه السلام فرمود:

«کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر حضرت نوح علیه السلام و

ابراهیم علیه السلام و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصی و قبر سرور

اوصیاء حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کوفه است.»^(۲)

قبر مردان بزرگی همچون حضرت مسلم علیه السلام نماینده اول امام

حسین علیه السلام و قبر حضرت هانی علیه السلام و مختار علیه السلام نیز در کوفه می‌باشد.

و حضرت امام علی علیه السلام در تفسیر آیه ۵۰ سوره مؤمنون:

«وَأَوْتَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَ مَعِينٍ؛

ما حضرت عیسی علیه السلام و مادرش مریم علیه السلام را پناه دادیم

در مکانی بلند و خوب.»

۱ - ارشاد اهل القبلة الی ما ورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار.

۲ - ارشاد اهل القبلة الی ما ورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار، (هم اکنون نجف اشرف به کوفه متصل شده

است).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان و محل اصلی جوشیدن آب در طوفان نوح و محل تجمع

پیامبران در مسجد کوفه بوده است. (تهذیب، ج ۳، ص ۳۵۲)

فرمود: «منظور از این مکان (رَبْوَه) کوفه است و منظور از

«قرار» مسجد است و منظور از «معین» فرات است.»^(۱)

موضوع دیگر اینکه مهمترین مسجد، پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه قرار گرفته است.

در روایات آمده حضرت ادریس پیامبر، در این مکان (که اکنون مسجد سهله است) خیطاطی می‌کرد، و حضرت ابراهیم علیه السلام از آنجا به سوی عمالقه بیرون رفت و...

امام صادق علیه السلام فرمود:

«گویا می‌بینم، حضرت قائم (عج) را در مسجد سهله همراه خانواده خود. سپس فرمود: هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر اینکه در این مسجد نماز خواند...»

یکی از یاران به نام ابوبصیر رضی الله عنه عرض کرد: آیا امام

قائم (عج) همواره و همیشه در این مسجد خواهد بود؟

فرمود: آری.

امام صادق علیه السلام فرمود: مسجد سهله خانه امام قائم (عج)

است.^(۲)

۱- ارشاد اهل القبله، صفحه ۳۰.

۲- ... أَمَا إِنَّهُ (مسجد سهله) مَنَزَلٌ ضَاحِحُنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ (تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۵۲)

او عرض کرد: (امامان) بعد از قائم (عج) چگونه چطور؟

حضرت فرمود: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت

خواهند کرد.^(۱)

از این حدیث استفاده می‌شود که در دوران رجعت، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان علیهم‌السلام نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می‌دهند.

در مورد فضائل و مقدّس بودن سرزمین کوفه روایات بسیار به ما رسیده است، و همچنین در مورد اهل کوفه امام صادق علیه‌السلام در این مورد فرمود: «مؤمنین کوفه حجت مردم سایر بلاد هستند، و نیز خداوند قم و اهلس را حجت بر سایر مردم قرار داد.»

و یک قسمت از روایات حاکی است که هیچکس قصد سوء به کوفه نداشته مگر اینکه به هلاکت رسیده، کوفه محل امن است و خداوند بلا را از آن رفع نموده است.

و در روایتی که مرحوم صدوق علیه‌السلام در کتاب معانی الاخبار نقل می‌کند، امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمود: خداوند چهار سرزمین را اختیار و

امتیاز بخشید چنانکه در قرآن فرمود:

«وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ - وَطُورِ سِينِينَ - وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ؛

سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهر با امن.»
 منظور از تین، مدینه است و منظور از زیتون، بیت المقدس
 است و منظور از طور سینین، کوفه است و منظور از شهر با
 امن مکه می باشد.^(۱)

و در موضوع دفع و رفع بلا از این شهر روایات بسیار است از
 جمله در نهج البلاغه آمده که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«گویی تو را می بینم ای کوفه، که همچون چرم بازار عکاظ که
 مالش داده و کشیده می شود، محل تاخت و تاز حوادث و
 حمله قرار می گیری، من به طور حتم می بینم که هر ستمگری به
 تو نظر سوئی داشت، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل
 می رساند.»^(۲)

همانگونه که حضرت علی علیه السلام فرمود همانطور شد، کسانی که قصد
 خیانت به این شهر را داشتند، همه ذلیل و به هلاکت رسیدند.
 جنایتکار معروف «زیاد» جذام گرفت، شکم حجّاج پر از مار شد،
 عمر بن هبیره و پسرش یوسف به برص مبتلا شدند، عبیدالله بن
 زیاد و مصعب و ابوالسّرایا به قتل رسیدند.^(۳)

شرکت کنندگان در خون حضرت مسلم علیه السلام و امام حسین علیه السلام

۱ - ارشاد اهل القبله، صفحه ۲۹.

۲ - نهج البلاغه، خطبه ۴۷.

۳ - منهاج البراعه، جلد ۴، صفحه ۲۶۶.

هر یک به دست مختار علیه السلام مفتضحانه به دَرک واصل شدند. به هر حال این شهر پر سابقه و مقدّس و در کنارش حوزه عملیّه نجف اشرف و قبر مقدّس حضرت علی علیه السلام، این شهر حماسه‌ها و خاطره‌ها، پایگاه مرکزی حکومت مهدی (عج) قرار می‌گیرد، و با توجه به موقعیت استراتژیکی سرزمین عراق و اتصال آن به سوریه و فلسطین و سپس سرزمین حجاز، و از یک طرف به ترکیه و شهرهای مسلمان‌نشین شوروی سابق و ایران و... مرکز بسیار مناسبی در جهان اسلام برای مرکز حکومت جهانی اسلام و برای مرکزیت حکومت جهانی است، نتیجه اینکه طرفداران امام قائم (عج) باید عراق را از لوٹ طاغوتیان پاک سازند، و حوزه علمیّه نجف را توسعه دهند و زمینه‌ساز خوبی برای ورود امام قائم (عج) باشند.

۳- قم، آشیانه اهل بیت علیهم السلام و مرکز نشر اسلام:

در مورد قم و فضیلت این سرزمین نیز، مطالب بسیاری گفته شده است از جمله:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای خدا حرمی است و آن مکه است و برای پیامبر صلی الله علیه و آله حرمی است و آن مدینه است و برای علی علیه السلام حرمی است و آن کوفه است و برای ما حرمی است و آن قم است و به زودی

بانویی از فرزندان من در آن سرزمین دفن شود که نامش فاطمه علیها السلام است، هرکس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می‌شود.»

امام صادق علیه السلام این سخن را قبل تولد امام کاظم علیه السلام فرمود. ^(۱)

و نیز در ضمن گفتاری امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حق ما هستند، آنگاه امام صادق علیه السلام سرش را به سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: خدایا این مردم را از هر فتنه‌ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده.»

موضوع دیگر در قم وجود حوزه علمیّه مقدّسه قم است، که توسط آن، اسلام به جهان منتشر شده و می‌شود. و همچنین حدود ۴۴۴ امامزاده در این شهر مدفون هستند و اصحاب ائمه علیهم السلام و علماء و مراجع و شهدای بزرگ که هر یک بر رونق و صفای معنوی این شهر افزوده است، تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«دری از بهشت در قم گشوده می‌شود.» ^(۲)

۱ - بحار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۲ - سفینه البحار، جلد ۲، صفحه ۴۴۶.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می‌گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می‌شود، و حجت خداوند بر همه مردم تمام می‌گردد و کسی نمی‌ماند که از این سرزمین بهره‌مند نشده باشد.»^(۱)

قم چندین نام دارد از جمله نامهای آن «مجمع انصار القائم (عج)» (محل تجمع یاران امام زمان علیه السلام) و «ماوی للفاطمین» (پناهگاه منصوبین به فاطمه زهرا علیها السلام) و بلد الاثمه - و بلد شیعة الاثمه علیهم السلام (شهر امامان علیهم السلام و شهر پیروان امامان) «مقصد الجبارین مذاب الجبارین» (شکننده ستمگران جبار، و خورد کننده آنها و ... که همه این نامها از روایات گرفته شده است)^(۲)

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود:

«مردی از قم برمی‌خیزد و مردم را به سوی حق دعوت می‌کند، گروهی همراه او هستند همچون پاره آهن، طوفانهای تند حوادث آنها را از پای در نمی‌آورد، و از جنگ خسته نمی‌شوند و نمی‌ترسند و توکلشان بر خدا است و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است.»^(۳)

۱ - سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

۲ - در این باره به ج ۶۰، بحار، ص ۲۱۰ به بعد رجوع شود.

۳ - سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

و بالاخره امام صادق علیه السلام فرمود:

«اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل

کوفه اوتاد (مردان استوار) ما هستند.»^(۱)

سابقه درخشان قم و ورود حضرت رضا علیه السلام به قم و دوستی مردم قم با امامان معصوم علیهم السلام در هر زمان و حوزه علمیه قم و مراجع بزرگ تقلید و علماء برجسته که از قم برخاسته‌اند، قبر منور حضرت معصومه علیها السلام در قم همه و همه بر شکوه این مرکز می‌افزاید، و هم‌اکنون که از نشانه‌هایش پیداست زمینه‌سازی فرهنگی و معنوی و سیاسی و غیره که از ناحیه ساکنان و علماء قم برای قیام جهانی مهدی (عج) می‌شود در جای دیگر سراغ نداریم.

مسجد جمکران پایگاه عظیم حضرت مهدی (عج) در قم حضرت ولی عصر (عج) به این مرکز توجه خاص دارد، و وجود مسجد جمکران در قم (که چند سالی نمی‌گذرد که مرکز قم خواهد شد) به دستور امام زمان علیه السلام به یک شخص صالح به نام حسن بن مثله رضی الله عنه ساخته شده، که وی می‌گوید: در شب هفده ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در سرای خود خوابیده بودم، ناگاه گروهی از مردم، نصف شب به سرای من آمده و مرا بیدار کردند و گفتند برخیز

امام زمان علیه السلام تو را خواسته، برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی که اینک مسجد است رفتیم، دیدم امام زمان علیه السلام با گروهی روی تختی نشسته و فرمود:

«برو به حسن مسلم رضی الله عنه بگو چند سالی است این زمین را زراعت می‌کنی و ما خراب می‌کنیم دیگر اجازه نداری در این سرزمین زراعت کنی، این زمین شریفی است خداوند این سرزمین را برگزیده است و اگر دیگر بار اینجا را کشت کنی عذابی به تو خواهد رسید.»

عرض کردم: مردم مرا تصدیق نمی‌کنند، نشانه‌ای قرار بده.
فرمود:

«ما در اینجا علامتی می‌گذاریم به مردم بگو به این محل احترام کنند و آنرا بنا و تعمیر نمایند و چهار رکعت نماز بخوانند... در آخر فرمود: کسی که دو رکعت نماز (امام زمان علیه السلام) را در این مکان بخواند گویا در کعبه نماز خوانده است.»

حسن مثله رضی الله عنه و گروهی دیگر سخن امام زمان علیه السلام را اطاعت کردند و در آنجا مسجد ساختند که هم اکنون با اضافه کردن مساجد و بناهای دیگر بر تجلیل و عظمت جمکران افزوده شده است.^(۱)

۱ - شرح این مطلب را در کتاب «حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم»، نوشته نگارنده، از ص ۱۹۱ تا ۲۰۲

به این ترتیب مرکزیت قم و توجه امام زمان علیه السلام به این مرکز و نشانه‌های معنوی قم و حوزه علمی قم و مدارس علمی که جداً دانشگاه حضرت صادق علیه السلام است همه و همه حکایت از آن می‌کند که هنگام ظهور امام (عج) این مرکز با توسعه بیشتر و عمیقتر در نشر اسلام راستین و فقه جعفری در خدمت حضرت ولی عصر (عج) قرار می‌گیرد.

بنابر این باید به قم اهمیت فراوان داد، و زمینه‌سازان قیام حضرت مهدی (عج) این مرکز را هیچگاه از یاد نبرند و با حمایت‌های خود بر رونق آن بیفزایند

* * *

ضمناً ناگفته نماند که یکی از بلاد بسیار مقدّس از نظر اسلام، بیت المقدس است، مسجد اقصی در این شهر قرار دارد که دوّمین معراجگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است.

و شاید بتوان احتمال داد که شکست و هلاکت دجال با دار و دسته‌اش در بیت المقدس توسط حضرت مهدی (عج) و یارانش، یک جهتش پاک کردن سرزمین مقدّس بیت المقدس از لوث وجود صهیونیستها و اشغالگران قدس است.

به این موضوع نیز باید توجه داشت که در احکام اسلامی نماز مسافر در چهار مسجد یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد

کوفه و حائر (حرم) امام حسین علیه السلام حالت تخییر دارد یعنی هم می‌تواند تمام بخواند و هم می‌تواند قصر (شکسته) بخواند، این دستورها حاکی است که این مکانهای مقدس برای مسلمانان همچون وطن است و بعضی از فقهاء تخییر نماز مسافر در چهار شهر یعنی مکه و مدینه و کربلا و کوفه را جایز دانسته‌اند.^(۱)

به هر حال باید دست استکبار جهانی را از این مکانهای مقدس و استراتژیکی قطع کرد و این مراکز را برای استقبال از امام قائم (عج) آماده ساخت و آماده نمود.



﴿ خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی (عج) ﴾

با مطالعه این کتاب نتیجه می‌گیریم که:

باید مسلمانان، هشیار و بیدار باشند و فراموش نکنند و بدانند که انگیزه غیبت آن حضرت چه بوده و فوائد آن چیست؟
انتظار یعنی چه؟

یاران خاص مهدی (عج) باید دارای چه ویژگی‌هایی و شرایطی باشند؟

امکانات دنیای اسلام بسیار وسیع است و با به کارگیری صحیح آن می‌توان به حکومت جهانی رسید.
برای تحقق چنین طرحی نیاز به برنامه‌ریزی جامع و جهاد و مبارزه خستگی‌ناپذیر و پی‌گیر و هشیاری است.

هدف، مشخص است نه کور، بنابراین، این گامها به سوی روشنایی برداشته می‌شود.

توجه به اماکن مقدسه و شهرهای با اهمیت و صدور انقلاب به این سرزمینها و بالاخره آمادگی فرهنگی و اقتصادی و رزمی و تشکیل ارتشهای میلیونی و راهاندازی نهضت‌های جهانی در همه سرزمینها همچون صدر اسلام، که هر فرد مسلمان یک سرباز جانباز حکومت اسلامی باشد.

اتحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه‌ها، با توجه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین تقوی و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می‌دهد باید از مهمترین برنامه‌ها باشد.

علمای اخلاق می‌گویند:

مراحل تکامل، چهار پایه دارد: ۱- کشف و شناخت ۲- استخراج و عمل ۳- فردسازی ۴- جامعه‌سازی.

به راستی که درست گفته‌اند، اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که ما در مسیر انتظار هستیم.

خلاصه و جمع‌بندی کتاب در یک کلمه، آمادگی و تلاش پی‌گیر در تمام ابعاد اسلامی است، توجه به تاریخ اسلام و معانی آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام ما را در این جهت کمک بسزایی می‌کند،

چنانکه گفتیم: مهمترین هدف امام قائم (عج) پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز به دست خواهد آمد.

خودسازی و پاکسازی

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَسْتَنْظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالسُّوَرِ وَالْمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُسْتَنْظِرٌ فَجِدُوا وَانْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ آيَتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ؛

کسی که دوست دارد تا از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتماً باید کارهایش بر اساس تقوی، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام (عج) است، و در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است.»^(۱)

علمای اخلاق می‌گویند: انسان وقتی که صبح از خواب برمی‌خیزد تا شب که می‌خوابد باید چهارچیز را حفظ کند:

۱ - مشارطه ۲ - مراقبه ۳ - محاسبه ۴ - محاکمه

یعنی نخست متعهد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود، دوم

مواظب باشد که این حالت ادامه یابد، سوّم در آخر، کار خود را به حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد، چهارم در صورت بدهکاری، نفس خود را به محاکمه بکشد و بازخواست نماید و به جبران بدهکاری پردازد.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«آیا می‌خواهید شما را به زرنگ‌ترین زرنگها و احمق‌ترین احمقها خبر دهم؟
یاران عرض کردند: آری.

فرمود: زیرکترین زیرکها کسی است که خود را برای بعد از مرگ به حساب بکشد، و احمقترین احمقها کسی است که از هوای نفس پیروی کند و آرزوی امان و رحمت الهی را داشته باشد.^(۱)

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه‌ای فرمود:

«آیا در قیامت نفوس انسانها حتی به مقدار خردل (ذره) مورد بازخواست نیستند؟»^(۲)

قرآن در سوره نساء آیه ۱ می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛

خداوند حتماً مراقب کارهای شما است.»

۱ - سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.

۲ - سفینه البحار، جلد ۱، صفحه ۲۵۰.

و در روایات آمده:

«إِنَّهُ يَنْشُرُ لِلْعَبْدِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ مِنْ حَرَكَاتِهِ وَإِنْ صَغُرَتْ
ثَلَاثَةٌ دَوَائِرٍ، الْأَوَّلُ «لِمَ» الثَّانِي «كَيْفَ» الثَّلَاثُ «لِمَنْ»؛

هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت
خصوصیات آن گشوده می شود: اول (چرا) دوم (چگونه) سوم
(برای چه کس).^(۱)

یعنی انگیزه عمل و چگونگی و کیفیت آن و هدف نهائی آن
چیست؟

بنابراین باید منتظران حضرت مهدی (عج) و زمینه سازان انقلاب
جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و
سنگ اول است.

باید توجه داشت که اعمال ما را در هر ماه یک روز یا چند روز به
خدمت امام زمان علیه السلام می برند و آن حضرت آنها را می بیند^(۲) بسیار
باید توجه داشت که مبادا ما مورد نفرین امام (عج) گردیم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ مَاتَ وَهُوَ عَارِفٌ لِإِمَامَتِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ
أَوْ تَأَخُّرُهُ وَ مَنْ مَاتَ عَارِفًا بِإِمَامَتِهِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ
الْقَائِمِ فِي فِسْطَاطِهِ؛

۱- احیاء العلوم و مهجة البيضاء.

۲- اصول کافی، جلد ۱، صفحه ۲۱۹.

کسی که بمیرد ولی شناخت به امامت (حضرت قائم «عج») داشته باشد، دیر و یا زود شدن ظهورش، به او ضرر نمی‌رساند، و کسی که شناخت به امامت او نداشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم (عج) در میان خیمه او است.»^(۱)

بنابراین ما هم اکنون می‌توانیم با خودسازی، از یاران نزدیک امام قائم (عج) باشیم.

نشانه‌های عالی انتظار:

بعضی از علمای بزرگ برای درجه عالی انتظار با استفاده از روایات، دوازده نشانه ذکر کرده و نشانه دوازدهم را چنین شرح می‌دهند.

از علامات انتظار مهیا بودن برای ورود محبوب است و مهیا بودن به چند چیز است.

- ۱ - عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن حضرت
- ۲ - متّصف شدن به صفات نیک اخلاقی و دوری از هرگونه آلودگی اخلاقی

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

۳- مواظبت در اطاعات و انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات

۴- تهیه سلاح

۵- مرابطه و مرزداری

۶- مواظبت در خواندن عهدنامه بزرگ و کوچک (که در کتاب زادالمعاد مذکور است)^(۱)

ظلم نکردن و اعانت به ظلم نکردن و هشیاری و توجه و شناخت افراد نیرنگ باز و توطئه گر نیز از جمله اموری است که باید به آن توجه داشت.

رعایت حقوق برادران:

از مهمترین امور در زندگی محبتان و منتظران قائم (عج) رعایت حقوق برادران و مسلمانان است.

در این باره بهتر است پای سخن پر مغزو دلنشین حضرت امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام بنشینیم.

امام باقر علیه السلام به جابر جعفی رضی الله عنه فرمود:

«ای جابر آیا کسی که ادعای تشیع می کند، برای او این قول که

دوست اهل بیت علیهم السلام هستم کافی است؟

۱- نورالابصار فی فضیلة الانتظار (تألیف: سید ابوالقاسم دهکردی)، صفحه ۶۷.

سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و اطاعت از خداوند کند، شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع، خشوع، امانت‌داری، بسیار در یاد خدا بودن، اهل نماز و روزه بودن، احترام به پدر و مادر کردن، مهربانی کردن به همسایگان مستمند و بدهکار و یتیمان، راستگو بودن، آنها تلاوت قرآن می‌کنند، و زبانشان را کنترل می‌نمایند، و برای خودشان در همه چیز امین هستند...»

ای جابرا! «مَا تَنَالُ وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ؛

به ولایت و دوستی ما جز از راه عمل و پرهیزکاری نمی‌توانی برسی.»^(۱)

امام باقر علیه السلام روزی به یکی از یارانش به نام سعید بن حسن رضی الله عنه

فرمود:

«آیا در میان شما این روش هست که کسی از شما به حضور برادر دینی‌اش برود دست در جیب او کند و به اندازه احتیاج خود از آن، پول بردارد و صاحب پول از آن جلوگیری نکند؟ سعید عرض کرد: نه چنین کسی را سراغ ندارم.

امام باقر علیه السلام فرمود: بنابراین اخوت و برادری در کار

نیست.

سعید عرض کرد: آیا در این صورت ما در هلاکت هستیم؟

امام علیه السلام فرمود: عقل این مردم هنوز تکمیل نشده است. (۱)

(یعنی تکلیف به حساب اختلاف درجات عقل، مختلف

می شود.)

امام صادق علیه السلام در ضمن گفتار می فرماید:

«مَا أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ يَتَّبِعُ جَعْفَرًا مِنْكُمْ، إِنَّمَا أَصْحَابِي مَنْ
إِشْتَدَّ وَرَعَهُ وَعَمِلَ لِخَالِقِهِ وَرَجَا ثَوَابَهُ فَهَؤُلَاءِ
أَصْحَابِي؛

سوگند به خدا چقدر پیروان جعفر از شما کم شده اند، بدانید که

یاران من کسانی هستند که در پاکی و پرهیزکاری محکم باشند،

و کارهایشان را برای خدا انجام دهند و امید به پاداش خدا

داشته باشند، اینها اصحاب و یاران من هستند.» (۲)

در مورد حقوق برادران دینی به حدیث جالب و جامع ذیل که

امام صادق علیه السلام برای یکی از یارانش (معلی بن خنیس) در موارد

هفتگانه زیر شرح داده اند توجه کنید:

معلی بن خنیس رضی الله عنه می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم حق

مسلمان بر مسلمان چیست؟

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴ (باب حق المؤمن علی اخیه)

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۷.

فرمود:

«هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را تباه کند از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره (طاعت و بندگی) ندارد.

عرض کردم آنها چیست؟

فرمود: من بر تو نگرانم، می ترسم آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی.

عرض کردم: «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نیروی جز از خدا نیست) فرمود: آسانترین آنها این است که:

۱ - آنچه را برای بردار مسلمانان دوست بداری که برای خود دوست می داری، و نپسندی برای او آنچه را که برای خود نمی پسندی.

۲ - از خشمگین کردن برادر مسلمانان (یا از خشم) دوری کنی، و آنچه را که مورد رضایتش است انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی.

۳ - باجان و مال و زبان و دست و پای خود او را یاری کنی.

۴ - چشم و راهنما و آئینه او باشی.

۵ - تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه و

تو پوشیده نباشی و او برهنه.

۶ - اگر دارای خدمتکار باشی و برادر مسلمانان خدمتکار نداشته باشد، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباسهای او را بشوید و غذایش را آماده کند و فرشش را بگستراند.

۷ - او را از مسئولیتهای سوگندهایش رها سازی، دعوتش را اجابت کنی، در بیماری او را عیادت نمائی، بر جنازه‌اش حاضر شوی، اگر دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجب او شتاب کنی، تأخیر در روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع نیازش پردازی، سپس امام صادق علیه السلام گفتارشان را با این جملات پایان دادند.

فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَوَلَّيْتَهُ بِوَلَّيْتِهِ وَوَلَّيْتَهُ بِوَلَّيْتِكَ؛

وقتی که چنین کردی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده‌ای.»^(۱)

در اینجا این فصل را با حدیث عرفانی ذیل پایان می‌بریم.

حضرت موسی بن عمران علیه السلام به خدا عرض کرد:

«پروردگارا آیا کسی را مثل من گرامی داشته‌ای آنجا که سخن

خود را به من شنوانده‌ای؟

۱ - اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۶۹ - در این باره روایات جالب دیگری نیز آمده که در این کتاب از

صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۴ ذکر شده است.

خداوند فرمود: «بدانکه برای من بندگان هست که در آخرالزمان می آیند، آنها به من از نسبت به تو نزدیکترند، زیرا من با تو با واسطه بودن هفتاد هزار پرده حجاب سخن می گویم ولی هرگاه (بنده من در آخرالزمان) روزه بگیرد، و بر اثر روزه لبهایش سفید و رنگش زرد گردد این هفتاد هزار پرده را هنگام افطار آنها برمی دارم.» (و این چنین به آنها نزدیک می شوم).^(۱)

روزی که سر از پرده برون خواهی کرد

دانم که زمانه را زبون خواهی کرد

گر زیب و جمال از این فزون خواهی کرد

یا رب چه جگرها است که خون خواهی کرد

نتیجه اینکه علاقمندان و یاران امام مهدی (عج) باید کاملاً خود را وظیفه شناس و پایبند به اسلام و متعهد و مسؤول بدانند، و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشند، و از انحرافات دوری جسته و پناه به خداوند ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل نمایند، تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند.

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول خدا ﷺ :

یاران و منتظران مهدی (عج) به خصوص باید به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و مبارزه با انحرافات و دشمنان و آگاهی

۱ - تفسیر روح البیان برسوی، ذیل آیه ۳، سوره مؤمن.

از چریانات جهان، اهمیت خاصی بدهند و همواره در صحنه حضور داشته باشند.

بدانند که بزرگترین و مهمترین عامل نهضت امام حسین علیه السلام عامل امر به معروف و نهی از منکر بوده است.

و بدانند که در بررسی جهاد و جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین به دست می آید که در طول تاریخ بشر هیچکس و هیچ ژنرالی مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با دشمن نجنگیده است (منظور وسعت و دامنه جنگ نیست بلکه منظور اشتغال به کار جنگ است).

در این بررسی می بینیم پیامبر صلی الله علیه و آله در حدود ۷/۵ سال کار جنگی (در ده سالی که در مدینه بود) در این مدت ۶۴ یا ۶۵ فعالیت جنگی دارد که اگر بر روزها تقسیم کنیم هر ۴۵ روز یا ۵۰ روز یک لشکرکشی می کند.

عثمان بن مظعون که انزوا و عبادت در گوشه و کنار کوهها را اختیار کرده بود، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: دلم می خواهد بیابانگرد باشم، و کنار کوهها به عبادت مشغول شوم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوَةُ وَالْجِهَادُ؛

چنین نکن، سیاحت و بیابانگردی امت من جنگ و جهاد

است.»^(۱)

و پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«کسی که جنگجویی را تجهیز کند هر چند به این اندازه که
نخی در سوراخ سوزن او کند خداوند گناهان گذشته و آینده او
را می‌آمرزد.»^(۱)

و نیز فرمود:

«نگهبانی یک شب در راه خداوند، بهتر است از عبادت هزار
شب، که روزش را انسان روزه بگیرد.»^(۲)

علاقندان و یاوران حضرت مهدی (عج) هیچگاه نباید خدا و
محمد ﷺ و آلش علیهم السلام و روش پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام را فراموش
کنند، بلکه باید همواره آنها را در نظر داشته باشند.

در گفتاری پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن یاد خدا
نکنند و درود بر پیامبرش نفرستند آن مجلس حتماً، مایه
حسرت، وزر و وبال (مایه سنگینی برگردن) آنها خواهد
بود.»^(۳)

۱ - عن النبي ﷺ مَنْ جَهَّزَ غَازِيًا بِسِلْكِ أَوْ إِبْرَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ
(مستدرک الوسائل، جلد ۲، ص ۲۴۵)

۲ - حَرَسَ لَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَيْلَةٍ يُقَامُ لَيْلَهَا وَ يُضَامُ نَهَارَهَا
(نهج الفصاحه، حدیث ۱۲۵۵)

۳ - مَا مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِي مَجْلِسٍ فَلَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لَمْ يُصَلُّوا عَلَيَّ نَبِيِّهِمْ إِلَّا كَانَ
ذَلِكَ الْمَجْلِسُ حَسْرَةً وَ وَبَالاً عَلَيْهِمْ. (تفسیر نور الثقلین، جلد ۴، صفحه ۳۰۱)

ایستادگی در سختیها و آزمایشها:

به این نکته مهم باید توجه داشت که در زمان غیبت و در آستانه ظهور امام قائم (عج) مردم مسلمان در سختترین آزمایشها قرار می‌گیرند و زیر و رو می‌شوند، در چنین وضعی، نگهداری آتش در کف دست آسانتر است از حفظ ایمان.

در این مورد یکی از یاران امام باقر علیه السلام به نام جابر جمعی رضی الله عنه از امام باقر علیه السلام پرسید: فرج شما چه وقت است؟
امام باقر علیه السلام فرمود:

«هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ لَا تَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا ثُمَّ تَغْرِبُوا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَ يَبْقَى الصَّفْوُ؛

هیئات هیئات، فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید تا این که کدورتها برود و صافی و صفا بماند.»^(۱)

یعنی وقتی مسلمانان با هم با کمال صفا و اتحاد و صمیمیت زندگی کردند، به فرج امامشان خواهند رسید.

همین مطلب را امام صادق علیه السلام نیز به شکل دیگر فرمود، شخصی

از آن حضرت پرسید آن آزمایشها چیست؟

امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«وَلَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ
الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ»

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و
جانی و کمبود میوهها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده استقامت
کنندگان را.»^(۱)

سپس فرمود:

«ترس از زمامداران (فاسق)... است، گرسنگی به خاطر گرانی
است، زیان مالی از کسادى تجارت و کم رونقى آن است، و
زیان جانی به مرگهای سریع است، و کمبود میوهها بر اثر نقص
کشاورزی و کمبود برکت در میوهها است، آنگاه فرمود: بشارت
باد به استقامت کنندگان به نزدیک شدن ظهور قائم (عج).»^(۲)

البته بسیاری هم هستند که طاقت این آزمایش را نداشته و از این
غریبال امتحان بیرون می‌افتند چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

«سَتَخْرُجُ مِنَ الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»

به زودی افراد بسیاری از غریبال خارج شوند.»^(۳)

۱ - سورة بقره، آیه ۱۵۵.

۲ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۹ - اعلام الوری، صفحه ۴۲۷.

۳ - بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۴۸.

معرفت امام (عج) و پیروی از آن حضرت:

باید قبل از قیام مهدی (عج) او را شناخت و از او پیروی کرد
چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خوشا به سعادت آن فردی
که قائم (عج) ما را قبل از قیامش شناخته و به او اقتداء کرده
است، دوست او را دوست داشته و از دشمن او بیزاری بجوید،
و امامان قبل از او را نیز ولی و سرپرست خود را بشناسد، این
چنین افرادی دوستان من هستند و دوستی و مهر مرا به خود
جلب کرده‌اند و گرامیترین امت من نزد من هستند.»^(۱)

چنانکه امام قائم (عج) در فرازی از تویق خود به شیخ مفید که قبلاً
ذکر شد می‌فرماید:

«ما حتماً به اخبار شما آگاهی کامل داشته، و هیچ مطلب
کوچکی از اخبار شما از ما پنهان نیست، و گرنه آنچنان در
سختی قرار می‌گرفتید که دشمنان شما، شما را تار و مار
می‌کردند.»^(۲)

بنابراین باید ما همواره به یاد امام عصر (عج) باشیم و به او اقتدا
کنیم، او نیز حتماً به یاد ما هست، و ما را یاری خواهد کرد.

۱ - غیبت شیخ طوسی رحمته الله، صفحه ۲۷۵.

۲ - احتجاج طبرسی رحمته الله، جلد ۲، صفحه ۳۲۳.

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَعْرِفَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ
الْأئِمَّةَ كُلَّهُمْ وَ إِمَامَ زَمَانِهِ وَ يَرِدُهُ إِلَيْهِ وَ يُسَلِّمُ لَهُ ثُمَّ قَالَ:
كَيْفَ يَعْرِفُ الْآخِرُ وَ هُمْ يَجْهَلُ الْأَوَّلَ؛

مؤمن نیست مگر کسی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و همه امامان علیهم السلام و امام زمانش را بشناسد و به او مراجعه کرده و تسلیم فرمان او باشد. سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را بشناسد، ولی نسبت به امام اول (حضرت علی) جاهل باشد.»^(۱)

آری امامان، همه از یک نور و یک ریشه‌اند و همه معلّمان قرآن و اسلامند و باید به همه معتقد بود و شناخت و معرفت واقعی به همین است به اضافه تسلیم بودن در برابر اوامر آنها و عمل به فرموده‌های آنها و الگو قرار دادن روش و منش آنان!

درست است که پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد امام قائم (عج) ظهور می‌کند، اما این مربوط به مخالفان امام علیه السلام و گنهکاران دور از امام علیه السلام است.

اما شیعیان و علاقمندان به امام علیه السلام هر قدر گنهکار باشند به همین اندازه ظهور امام علیه السلام به تأخیر می‌افتد چنانکه در فرازی از توقیع امام

۱ - اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّة باب معرفة الامام و الرد الیه، حدیث ۲)

زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمته الله آمده:

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیقشان دهد - همگان در پیمانی که با ما داشتند، متحد می شدند، هرگز برکت دیدار ما از آنها تأخیر نمی افتاد، و هر چه زودتر سعادت دیدار ما را با معرفت کامل پیدا می کردند، ولی آنچه باعث این دوری و سلب این توفیق دیدار شده خبرهائی است که از اعمال ناپسند آنان به ما می رسد.»^(۱)

مسئله رهبری:

یکی از مسائل مهم در زمان غیبت، مسئله رهبری و توجه به تشکیل حکومت‌های صالح در کشورهای اسلامی است رهبر صالح است که می تواند چرخهای انقلاب را به حرکت درآورد، و اسلام را به طور صحیح اجرا نماید و در پرتو آن قوانین اسلام زنده شوند تا زمینه سازی سازنده ای برای قیام جهانی حضرت مهدی (عج) به وجود آید.

در این باره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«در حکم خدا و اسلام بر مسلمانان واجب و لازم است که هیچ کاری انجام ندهند و قدمی پیش و پس نگذارند، قبل از آنکه

امامی را برگزینند، امامی عقیف و خوب و پارسا که احکام
قضاوت و سنت پیامبر ﷺ را خوب بشناسد، اموالشان را
جمع کند و حج و نماز جمعه‌شان را برپا دارد، و مالیاتهای
اسلامی را بستاند.»^(۱)

از سوی دیگر امامان ما، ما را با تأکید از قبول رهبران ناشایست
بر حذر داشته‌اند، امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرموده است:

«حتماً آنان را که امامان ستمگر انتخاب می‌کنند کیفر می‌کنم،
گرچه خود نیکوکار و پارسا باشند، ولی مردمی را که امامت
عادلان را برگزینند می‌بخشم گرچه خود ستمگر باشند.»^(۲)

امام کاظم علیه السلام در گفتگوی خود با صفوان شتردار در پایان فرمود:
«فَمَنْ أَحَبَّ بَقَائِهِمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَهُوَ كَانَ
وَرِدِ النَّارِ؛

کسی که مانندن رهبران ناشایست را دوست بدارد جزء آنها
است و کسی که جزء آنها باشد، در میان آتش دوزخ خواهد
بود.»^(۳)

قرآن در سوره هود آیه ۱۱۳ می‌فرماید:

«وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ
دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ؛

۱- الحیاء، جلد ۲، صفحه ۳۹۵.

۲- الحیاء، جلد ۲، ص ۳۹۶.

۳- وسائل الشیعه، جلد ۲، صفحه ۱۳۱.

تکیه بر ستمگران نکنید (و به آنها وابسته نشوید) که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد و در آن حال جز خدا هیچکس سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی شوید.»

آری! وابستگی و تکیه بر ظالمان است که همه چیز انسان را بر باد می دهد، استقلال فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی را از انسان می گیرد و انسان را برده می سازد، چنانکه قرن‌ها است مستضعفین در طول تاریخ به این موضوع گرفتارند، باید به فکر باشند و خود را از این گرفتاری نجات بخشند.

پیامبر ﷺ فرمود:

«وقتی که روز قیامت می شود، منادی ندا می دهد که کجا هستند ستمکاران، و کجا هستند یاران ستمکاران و کسانی که خود را شبیه آنها ساخته اند؟ حتی کسانی که برای آنها قلمی تراشیده اند، و یا دواتی از آنها را لایقه کرده اند (یعنی پنبه ابریشمی یا پارچه به دوات آنها گذارده اند) همه آنها را در تابوتی از آهن قرار می دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می شوند.»^(۱)

سرنوشت غم‌انگیز اندلس و امپراطوری عظیم اسلامی عثمانی که در مدت کوتاهی از مسلمانان گرفته شد و قطعه قطعه گردید و ... همه و همه بر اثر اعانت به ظالمان و یا وابستگی به آنها بوده است.

به هر حال منتظران و یاران مهدی (عج) باید در این جهت حتماً خود و جامعه خود را بسازند و استقلال همه جانبه بیابند، تا در وقت خروج آن حضرت آنها را در اختیار امام (عج) بگذارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ظالم و یاور ظالم و راضی به کار ظالم هر سه شرکت در ظلم دارند.»^(۱)

روزی آن حضرت به یکی از یارانش به نام «عذافر» فرمود:

«به من خبر رسیده تو برای ابویوب و ربیع (دو نفر از ظالمان آن عصر) کار می کنی؟ آیا در این فکر هستی که روز قیامت به عنوان اعوان الظَّلمه (یاران ظالم) مورد خطاب گردی، در این وقت حالت چگونه است؟»

عذافر از گفتار امام علیه السلام به سختی نگران شد و از شدت ناراحتی مشت به خود کوبید و در سکوت غمباری فرو رفت وقتی امام علیه السلام این حالت را از او دید، به او فرمود:

«ای عذافر تو را از آن ترسانیدم که خداوند مرا از آن ترسانیده است.»

فرزند عذافر می گوید: پدرم از غصه و ناراحتی پس از چند روز از دنیا رفت.^(۲)

آری مسلمانان پاکدل از سخن امامشان این چنین تحت تأثیر قرار

۱ - وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.

۲ - وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۸.

می‌گرفتند و از خوف خدا به لرزه درمی‌آمدند.

ابویعفر گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودم، در این هنگام یکی از اصحاب وارد شد از آنحضرت پرسید: گاهی فشار زندگی باعث می‌شود که دستگاه ظلم عباسی مرا به بنائی ساختمان یا پاک کردن نهر و یا اصلاح کلنگ و تیشه دعوت می‌کند، من هم برای تأمین رزق و روزی قبول می‌کنم آیا جایز است؟
امام علیه السلام فرمود:

«من دوست ندارم طنابی از آنها را گره بزنی یا سر مشکی از آنها را ببندی و در برابر، همه مدینه را به من بدهند.
نه حتی خطی برای آنها با قلم بکشی، بدانکه کمک کنندگان ظالمان در روز قیامت در میان خیمه‌ای از آتش هستند، تا خداوند بین بندگان قضاوت نماید.»^(۱)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که تازیانه‌ای را در کنار حاکم ستمگر حمل کند (به عنوان فرمان‌بردار او) خداوند آن تازیانه را در روز قیامت به صورت مار و افعی از آتش درمی‌آورد که طول آن هفتاد زرع است، آنگاه خداوند آن مار را در آتش جهنم، مسلط بر او می‌کند تا او را عذاب دهد.»^(۲)

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۲۹.

۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۲، صفحه ۱۳۰- در این باره روایات دیگر که جمماً ۱۷ حدیث می‌شود نقل شده

که در وسائل الشیعه، ج ۱۲، از صفحه ۱۲۷ تا ۱۳۲ ذکر شده است.

منتظران مهدی (عج) باید بدانند که از هدفهای اصلی امام قائم (عج) ریشه کن کردن ظلم است بنابراین نه خود ظالم باشند و نه به هیچ عنوان کمک به ظلم کنند خواه آن ظالم در محدوده خاص باشد و یا ظالمی به صورت ابرقدرت باشد.

این امور است که زمینه‌های سازنده برای ظهور آن حضرت را پدید می‌آورد و نباید از آن غفلت نمود.

توجه به شناخت قرآن و اجرای آن:

از امور اصلی و هر روزه‌ای که حتماً باید منتظران مهدی (عج) به آن اهمیت دهند، انس گرفتن با قرآن و عمل به آن است.^(۱) در مورد شناختن مفاهیم قرآن و اجرای آن، مگر نه این است که قرآن و عترت علیهم‌السلام در کنار هم هستند، امام زمان علیه‌السلام قرین قرآن است، اگر خدای نکرده قرآن مهجور گردد، درست بر عکس راه امام قدم (عج) برداشته شده است، اگر آیات عذاب، آیات رحمت، آیات عبرت! آیات سیاسی، آیات عبادی، آیات تذکر و ... را با کمال دقت توجه کنند و هر روز بخوانند و معانی آن را در ذهن خود ترسیم

۱ - حضرت علی علیه‌السلام در وصیت خود به امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: خدا را، خدا را در مورد قرآن مواظب باشید مبادا دیگران از شما پیشی گیرند. (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اگر شنیدید کسی در مساجد، شعر می‌خواند (که جنبه اسلامی و سازندگی ندارد) به او بگویید: «فَضَّ اللَّهُ فَآكَ إِنَّمَا نُصَبَّتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ خدا دهانت را بشکند، همانا مساجد برای آموزش قرآن بوجود آمده است.» (تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹)

نمایند، خواهند فهمید که با این کار چقدر سریع و آگاه به سوی فرج امام (عج) گام برداشته‌اند.

در اینجا برای اینکه هم از قرآن استفاده کرده باشیم و هم طرز استفاده را دریابیم و هم از دستورات محکم قرآن در جهت زمینه‌سازی برای حکومت صالحان مطلبی بدانیم به دو فراز زیر از قرآن توجه کنید.

در آیه ۷۵ سوره نساء می‌خوانیم:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا»

چرا در راه خدا و در راه نجات مستضعفین از مردان و زنان و کودکان، پیکار و مبارزه (با مستکبران) نمی‌کنید و در راه نجات مستضعفین که می‌گویند خدایا ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگر است بیرون ببر و برای ما از طرف خودت سرپرست و یاور قرار بده، اقدام نمی‌نمایید؟»

این آیه به ما می‌گوید: نباید بی‌تفاوت باشیم برای خدا و نجات مستضعفین پیکار کنیم، مستضعفانی که خدا پرستند و دنبال رهبر شایسته‌اند و از ستم و ستمگران ناخشنودند، چنین افراد را باید کمک کرد و نجات داد.

تعبیر به «مالکم» (چرا) یک نوع استفهام انکاری است، حاکی است که حتماً باید مسلمانان در راه نجات مستضعفان، نه تنها بپاخیزند بلکه باید پیکار کنند.

پیامبر خدا ﷺ با بیانات جذاب و پرمحتوای خود شاگردان مکتب اسلام را به گونه‌ای ساخته بود که در مبارزه با دشمن کارشان چنان اوج گرفت، که طبق روایات هفت نفر از فقرای انصار به حضور پیامبر ﷺ آمده و عرض کردند بر اثر تهیدستی وسیله‌ای برای شرکت در جهاد نداریم، شما وسیله‌ای از شمشیر و نیزه و مرکب در اختیار ما بگذارید تا در جهاد شرکت کنیم، پیامبر خدا ﷺ چون وسیله در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد، آنها به قدری ناراحت شدند که اشک در چشم‌هایشان حلقه زده بود، و کم کم به گریه تبدیل شد و سخت گریستند و بعدها به نام «بِکَّائُون» (گریه کنندگان) معروف شدند.

آیه ۹۲ سوره توبه در وصف این افراد مخلص نازل شد. (۱)

«وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْاْ وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُواْ مَا يُنْفِقُونَ»

و نیز اشکالی نیست بر آنها که نزد تو (پیامبر ﷺ) آمدند که

آنها را به مرکبی برای میدان جهاد سوار کنی، گفתי مرکبی که
 شما را بر آن سوار کنم ندارم از نزد تو بازگشتند در حالی که
 چشمانشان اشکبار بود، از این رو که چیزی را نداشتند تا در راه
 خدا انفاق کنند.»

آری این چنین تعلیقات قرآن که دو نمونه‌اش را ذکر کردیم، اثر
 می‌بخشد فرزندان و شاگردان قرآن باید این چنین تربیت گردند تا
 منتظر واقعی امام زمان علیه السلام شوند، پس باید با قرآن مانوس بود و این
 درسها را از آن آموخت.^(۱)

زنان باید احساس مسؤلیت کنند :

در این مسیر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، باید
 نقش سازنده داشته باشند، بدانند که آنها نیز موظفند دوش به دوش
 مردان برای زمینه‌سازی ظهور امام قائم (عج) و برای خودسازی و
 پاکسازی محیط و قهرمان پروری که آن هم زمینه‌سازی است، تلاش
 عمیق و پی‌گیر و خستگی ناپذیر بنمایند.

وقتی که در جنگ احد بسیاری از مسلمانان کشته شدند و شخص
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام سخت مجروح گردیدند شایع شد که

۱ - توجه به نهج البلاغه نیز که می‌توان گفت یک کتاب انقلابی و برای زمینه سازی تحریر شده، باید مورد

توجه قرار گیرد.

پیامبر ﷺ نیز شهید شده، زنان مسلمان به خصوص خیلی ناراحت شدند، از خانه‌ها بیرون آمدند و به تحقیق پرداختند.

یکی از این زنان از انصار (مسلمانان مدینه) بود از مدینه بیرون آمده و سراسیمه به سوی احد رهسپار شد، در راه مردی را دید که از جبهه برمی‌گردد، از او پرسید: آیا به پیامبر ﷺ آسیبی وارد شده است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر! پدر شما کشته شده است، زن تکان ملامی خورد، باز طولی نکشید پرسید: آیا پیامبر ﷺ سالم است؟

آن مرد به جای جواب سؤال زن، به او گفت: ای خواهر برادر شما نیز کشته شده است، زن تکان مختصری عارضش شد، ولی بار دیگر به حال آمد و پرسشش را تکرار کرد، مرد برای بار سوم گفت: ای خواهر شوهر شما کشته شده است، زن باز تکانی خورد، اما این بار با خشم و گستاخی گفت: من نمی‌خواهم بدانم چه کسانی از من کشته شده‌اند، فعلاً احتیاجی به اینها ندارم، خواهش می‌کنم بگویید پیامبر خدا ﷺ چگونه است؟

آن مرد در جواب گفت: پیغمبر ﷺ در کمال سلامتی است. ناگهان صورت زن از خوشحالی برافروخته شد و با حالی سرشار

از عشق به اسلام، قاطعانه گفت: «بنابراین قربانی ما هدر نشده است.»^(۱)
یعنی اگر من سه قربانی (پدر و برادر و شوهرم) را در راه خدا داده‌ام
به هدر نرفته چرا که رهبر عزیر اسلام پیامبر اسلام ﷺ زنده است
و همین افتخار مرا بس.

این چنین زنان قهرمان در صدر اسلام بسیار بودند هم‌اکنون نیز
باید زنان مسلمان این چنین نقش گویا و زاینده و بالنده داشته باشند و
بدانند که گردش چرخ انقلابها (که بدون آن به فرج امام زمان ﷺ نزدیک
نخواهیم شد) نیمی به دوش زنان است و زن باید خود را درک کند و
بداند مسؤولیتی بس سنگین دارد و قبلاً نیز در این باره سخن گفتیم.

الگوی زنان مسلمان باید افرادی مانند خدیجه کبری ﷺ، فاطمه
زهرا ﷺ و زینب کبری ﷺ باشد، زینب ﷺ در شرایط سخت نهضت
امام حسین ﷺ سه کار مهم را به عهده گرفت:

۱- حمایت از رهبرش امام حسین ﷺ تا زنده بود و سپس از امام
سجاد ﷺ.

۲- حفظ یتیمان و سرپرستی از آنها.

۳- رساندن پیام شهیدان در کوفه و شام با بیانات کوبنده و
پرمحتوا، و هر جا سخن از آنان گفت، این سه امر مهم را به خوبی
انجام داد، و مرام آنها را زنده نگه داشت.

۱- داستانهایی از تاریخ، نوشته سید غلامرضا سعیدی، جلد ۲، صفحه ۴۶.

توجه به جمعه و جماعات:

شکی نیست که از مهمترین عوامل پیروزی، اتحاد و اجتماع و به هم پیوستگی است که به راستی یک اهرم بسیار قوی برای حرکت دادن سریع چرخهای انقلاب است.

منتظران امام مهدی (عج) باید به آن توجه کامل داشته باشند، و بدانند (چنانکه قبلاً گفتیم) آنحضرت اماکن مقدسه را توسعه می دهد از جمله مسجد کوفه را تا جمعیت در آن، جا بگیرند.

ما وقتی نماز را هر روز می خوانیم، وقتی آن را تجزیه و تحلیل می کنیم می بینیم نماز بر اساس جمع و جماعت تشریح شده است، مثلاً در سوره حمد واژه های «نعبد» (تنها ترا می پرستیم) «نستعین» (تنها از تو کمک می جوئیم) «اهدنا» (ما را هدایت کن) همه به صورت جمع به کار رفته است.

و در پایان نماز، سلام بر جمع شده (السلام علیکم = سلام بر شما). این نشانه آن است که انزوا و گسیختگی از اجتماع، از اسلام بدور است، اینک به چند روایت زیر توجه کنید.

۱- پیامبر خدا ﷺ تصمیم گرفت، مردمی را که در منزلهای خود نماز می خوانند و در جماعت شرکت نمی کنند خانه هایشان را آتش بزنند، نابینائی به حضور پیامبر خدا ﷺ رسید، عرض کرد،

من شبکور هستم، صدای اذان جماعت را می‌شنوم ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد برساند تا در جماعت شرکت کنم و با شما نماز بخوانم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«از منزل خود تا مسجد طنابی بکش آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن خود را به مسجد برسان و در جماعت شرکت کن.»^(۱)

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود، تعهد ایمان از گردنش ساقط می‌گردد.»^(۲)

۳ - امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«... وَ الزَّمُوا عَمَّا عَقَدَ عَلَيْهِ حَبْلُ الْجَمَاعَةِ؛

به آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است پیوندید و آنرا رها نکنید.»^(۳)

۴ - در مورد نماز جمعه، این نماز عبادی سیاسی، و این میتینگ

هفتگی پرشور مسلمین و این اجتماع دشمن شکن و نفاق برانداز،

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

۱ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷ - تهذیب، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲ - وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷.

۳ - نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱.

«مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثَ جُمَعٍ مُتَوَالِيَةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ؛

کسی که (بدون عذر شرعی) سه بار پشت سر هم نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر بر قلبش می‌زند»^(۱) (یعنی چنین کسی آنچنان در عناد و نفاق و بی‌ایمانی فرو می‌رود که خداوند حس تشخیص را از او می‌گیرد و او را کوردل می‌کند.)

باز فرمود:

«سوگند به خدا به من خبر رسید که یاران پیامبر خدا ﷺ در روز پنجشنبه برای روز جمعه (و انجام نماز جمعه و سایر آداب) مهیا می‌شدند.»^(۲)

۵ - امام صادق علیه السلام فرمود:

«کسی که به سوی مسجد گام بر می‌دارد، بهر چیز خشک و تری در راه، گام بگذارد زمین آن تا طبقه هفتم برای او تسبیح خدا می‌گویند.»^(۳)

در مورد نظم و پاکیزه نگهداشتن مسجد نیز روایاتی بسیار آمده، از جمله پیامبر خدا ﷺ فرمود: صفهای خود را منظم کنید در حالی که شانه‌هایتان در ردیف همدیگر باشد، تا شیطان در شما نفوذ نکند.^(۴)

۱ - تهذیب الاحکام، جلد ۳، صفحه ۳۳۸.

۲ - تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۳۳۶.

۳ - تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۴.

۴ - تهذیب، جلد ۳، صفحه ۲۸۳.

نیز فرمود:

«کسی که روز پنجشنبه و شب جمعه، مسجد را جارو کند و ذره‌ای خاک از آن مسجد بر سر و صورت او بنشیند، خداوند او را می‌آمرزد.»^(۱)

در این مورد روایات دیگری نیز در کتاب تهذیب شیخ طوسی رحمته الله صفحه ۲۵۶ آمده است.

به این ترتیب: باید علاقمندان به ظهور امام مهدی (عج) به اجتماع و جماعت و نماز جمعه و پرکردن مساجد، اهمیت فوق‌العاده بدهند، تا در پرتو آن، عوامل استقبال از امام مهدی (عج) فراهم شود و موجب خودسازی خودشان گردد.

امامان معصوم علیهم السلام از هر فرصتی برای تهذیب و پاکسازی پیروانشان استفاده می‌کردند.



(پایان)

بسمه تبارک و تعالی

«از خدای متعال فرج و ظهور

ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بخواهیم»



واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران آماده پاسخگویی به
سؤالات و مشکلات اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، فقهی و اعتقادی شما
عزیزان می باشد.

می توانید سؤالات خود را به آدرس «قم - صندوق پستی ۶۱۷ - واحد
تحقیقات فرهنگی مسجد مقدس جمکران» ارسال نمایید.
شایان توجه است که مطالب و نامه های عزیزانی که با این صندوق
پستی مکاتبه می نمایند، بمنزله اسرار ایشان بوده، و در حفظ و نگهداری
آنها کاملاً دقت و مراقبت خواهد شد.

مسجد مقدس جمکران - قم

واحد تحقیقات

بسمه تبارک و تعالی

«به مردم بگو: به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت نمایند و آن را عزیز دارند...».

«از فرمایشات حضرت مهدی علیه السلام به حسن بن مثله جمکرانی»



قابل توجه عاشقان و شیفتگان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ارادتمندان به ساحت مقدس آن حضرت:

مسجد مقدس جمکران در رابطه با اجرای طرح جامع مسجد و تأمین نیازمندیهای شما عزیزان نمازگزار، آماده هرگونه همکاری و جذب کمکهای نقدی و غیر نقدی شما می باشد.

کمکهای نقدی خود را به حساب جاری ۳۱۳ بانک ملت - شعبه مسجد مقدس جمکران - واریز نموده و رسید آن را به آدرس: قم صندوق پستی ۱۶۱ مسجد مقدس جمکران، ارسال نمایید.

مسجد مقدس جمکران - قم

کتابهایی که انتشارات مسجد مقدّس جمکران منتشر نموده است:

- ۱ - در کربلا چه گذشت
- ۲ - نجم الثاقب
- ۳ - خزائن الأشعار جوهری (اشعار)
- ۴ - خوشه‌های طلایی (اشعار)
- ۵ - در جستجوی قائم علیه السلام (کتابنامه)
- ۶ - یاد مهدی علیه السلام (شعر و نشر)
- ۷ - عقد الدرر
- ۸ - کلیات مفاتیح الجنان
- ۹ - منتخب المفاتیح
- ۱۰ - هدیة احمدیه
- ۱۱ - تاریخچه مسجد مقدّس جمکران (به زبان فارسی)
- ۱۲ - تاریخچه مسجد مقدّس جمکران (به زبان عربی)
- ۱۳ - تاریخچه مسجد مقدّس جمکران (به زبان اردو)
- ۱۴ - تاریخچه مسجد مقدّس جمکران (به زبان انگلیسی)
- ۱۵ - زیارت ناحیه مقدّسه
- ۱۶ - کرامات المهدی علیه السلام
- ۱۷ - در جستجوی نور
- ۱۸ - آخرین خورشید پیدا
- ۱۹ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام
- ۲۰ - اعتکاف، تطهیر صحیفه اعمال
- ۲۱ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام
- ۲۲ - غیبت، ظهور، امامت
- ۲۳ - اهمیّت اذان و اقامه و ...
- ۲۴ - پرچمدار نینوا